

۱۵۳/۱ ۱۵۵/۲

آموزش

نام درس: احکام امری کد: ۲۸ تعداد واحد: ۳ ۱۵۱/۲۰
پیش نیاز: ندارد هم نیاز: ندارد کد: ۲۲

الف- منابع مطالعه

- ۱- گنجینه حدود و احکام - جناب عبدالحمید اشراق خاوری / (تهیه شود)
- ۲- نوار کتاب مستطاب اقدس - اثر جناب علیمراد داوودی - شماره ۷۷ / (تهیه شود)
- ۳- نوار آزادی - از تقریرات جناب علیمراد داوودی - شماره ۶۵ / (تهیه شود)
- ۴- ترجمه بخشی از کتاب طبقه بندی حدود و احکام و نماذج کتاب مستطاب اقدس - اثر حضرت ولی امرالله / (در جزوه)
- ۵- بخشی از جزوه احکام (طرح مکاتبه ای) - بیژن پیامی / (در جزوه)
- ۶- مجموعه ای از دستخطهای معهد اعلی در خصوص احکام / (در جزوه)
- ۷- مقاله تقویم بهائی - به نقل از آهنگ بدیع / (در جزوه)
- ۸- مقاله اماکن متبرکه - به نقل از آهنگ بدیع / (در جزوه)

ب- ضمیمه

ندارد

ج- ارزشیابی

۱- امتحانات

- ماهانه اول: ندارد
- میان ترم (۴۰ نمره / هفته نهم)
- ماهانه دوم: ندارد
- پایان ترم (۶۰ نمره / هفته هجدهم)

۲- تکلیف

- از بر کردن آیات مشخصی از کتاب مستطاب اقدس (در امتحانات میان ترم و پایان ترم، سوال می شود).
مخصوص جامعه بهائی است

درس هم نیاز عربی ۲

نام درس : احکام

تعداد واحد : ۳

فهرست برنامه درس

معرفی درس

منابع مطالعه

توضیح پیرامون اهمیت مطالعه درس

شعای از نصوص مبارکه در خصوص اجرای احکام

معرفی منابع با توضیح بیشتر

یک نکته اساسی در خصوص درس

تکلیف

زمینه تحقیق

تذکر اساسی و مهم

ترتیب مطالعه و زمان بندی

نکات مورد توجه در خصوص مطالعه درس

ارزشیابی

منابع جنبی مطالعه

نصوص مبارکه ای که باید بخاطر سپرده شود

سئوالات جهت خود آزمایی

تکلیف این درس در ضمن د و امتحان میان ترم و پایان ترم مورد ارزشیابی قرار خواهد گرفت

درس همنیاز : عربی ۲

نام درس : احکام

تعداد واحد : ۳

هدف : مطالعه احکام مبارکه بهائی جهت کسب اطلاع از مسائل و مطالب مربوط به احکام در کلیات امور و حتی الامکان در موارد جزئی منابع مطالعه :

۱ - ترجمه بخشی از کتاب طبقه بندی حدود و احکام و نصاب کتاب مستطاب اقدس Synopsis and codification of the laws and ordinances of the KITAB-I-AQDAS

- ۲ - بخشی از جزوه احکام تألیف بیژن بیامی از جزوات طرح مکاتبه .
- ۳ - کتاب گنجینه حدود و احکام
- ۴ - مقاله از آهنگ بدیع (تقویم بهائی - اماکن متبرکه)
- ۵ - مجموعه ای از دستخطهای معهد اعلی در خصوص احکام
- ۶ - نوار کتاب مستطاب اقدس و نوار آزادی

توضیح :

مطالعه و بررسی و کسب اطلاع از احکام مبارکه نتایج راد ریز خواهد داشت که ذیلاً به برخی از آنها اشاره میشود .

نخست - اهمیت و مقام و منزلت احکام در امر مبارک

ثانی - اهمیت اجرای حدود و احکام مبارکه

ثالث - قرار گرفتن در معرض نفوذ و تأثیر کلام الهی

رابع - وقوف بیشتر بر وظائف سنگین و خطیری که بر دوش هر فرد مومن است .

خامس - صرف اطلاع از احکام مبارکه تضمینی برای اجراء نبوده و این دانستن مدل بر دارا بودن امتیازی از لحاظ مقام و یا ایمان برد یگران نخواهد بود .

سادس - وقوف بر این حقیقت اساسی که ایمان بدون هریک از دو عامل اساسی عرفان حق و عمل به حدود و احکام متحقق نخواهد شد .

شقه ای از نصوص مبارکه در خصوص احکام و عمل به احکام

حضرت ربّ اعلی می فرمایند قوله الاعلی :

" هیچ جنتی از نفس عمل به اوامر الله اعلی تر نبوده نزد موحدین و هیچ ناری اشدّ از تجاوز از حد و دالله و تعدی نفسی بر نفسی نبوده اگرچه بقدر خردلی باشد در نزد عالمن بالله و آیات او . . . :

جمالقدم در کتاب مستطاب اقدس می فرمایند ، قوله العظیم :

انّ اول ما كتب الله على العباد عرفان مشرق و حیه و مطلع امره الذي كان مقام نفسه في عالم الامر و الخلق من فازه قد فاز بكل الخير و الذي منع آتیه من اهل الضلال و لوياً تى بكل الاعمال اذا فزتم بهذا المقام الاسنى و الا فاق الاعلی ینبغی لكل نفس ان يتبع ما امر به من لدى المقصود لانهما معاً لا يقبل احدهما دون الاخر هذا ما حکم به مطلع الالهام .

مضمون بیان مبارک فوق راد مطالعه نصوص و بیانات ذیل خواهیم یافت جمالقدم می فرمایند قوله تعالی :

" بعد از عرفان مشرق وحی د و امر لازم یکی استقامت و دیگری اتباع اوامر الله که در کتاب نازل شده طوبی للفائزین "

" . . . ایمان بالله و عرفان او تمام نشود مگر بتصدیق آنچه از او ظاهر شده و همچنین عمل به آنچه امر فرموده و در کتاب از قلم اعلی نازل گشته "

حضرت ولیّ عزیز امر الله در توقیع منیع ۱۰۵ بدیع بیان ذیل را می فرمایند که باز یارت این بیان به یکی دیگر از علل اهمّیت احکام مبارکه پی خواهیم برد .
قوله الغزیز :

" . . . تار و بود این نظم الهی احکام مقدّسه متعالیه مصرّحه در کتاب اقدس که از مخزن قلم اعلی صادر و بنیادی سامیه روحانی و اداری که در الواح و خطابهای مرکز عهد و میثاق و مبین آیات نور آفاق و کتاب و صایایش مدوّن و مسطور . . . "

معرفی منابع با توضیح بیشتر

الف - مجموعه طبقه بندی احکام :

این مجموعه ترجمه‌ای است مقتبس از آثار هیکل اطهر حضرت ولی امرالله که در آن - احکام امر مبارک در چهار موضوع ذیل مورد بررسی قرار گرفته و طبقه‌بندی شده .
 ۱ - نماز ۲ - روزه ۳ - احوال شخصی (ازدواج - طلاق - ارث)
 ۴ - حدود و احکام و نصائح متفرقه

این مجموعه دارای امتیازات زیادی است از جمله :

اولاً از آثار هیکل اطهر ولی عزیز امرالله است و لهذا در عین آنکه احکام را آموزش میدهد تعیین احکام نیز می‌باشد .

ثانیاً از انتشارات مرکز جهانی امر مبارک است

ثالثاً بدلیل وجود طبقه‌بندی احکام نوعی نظم و جهت در ذهن ایجاد شده و این خود کمکی بزرگ در امر آموزش بوده و به مطالعات بعدی امکان میدهد که هر آموخته‌ای را در قالب و نظم خاص آن قرار داده و از تشنگی و پراکندگی جلوگیری نمود .

رابعاً در عین توجه به کیفیت و نظم مطالب و فراگیری موضوعات حتی در موارد جزئی مربوط به احکام این مجموعه بزبان ساده مطرح گردیده و لهذا در شروع مطالعه مؤثرترین راهنما و هدایت رومی نماید .

خامساً جامعیت این مجموعه باعث میشود که بطور تقریباً همه مطالب و رؤوس اساسی کلیه احکام مبارکه را در ابتدا ای کار فرا گرفته و نفس دانستن احکام ، مطالعه سایر مواضع بخصوص مباحث گنجینه حدود و احکام را که بر اساس نصوص مبارکه در خصوص احکام است و نیز فهم آنها را آسان می‌نماید و این فرصت را فراهم می‌آورد که توجه بیشتری به نصوص مبارکه نموده و احياناً امتهات آنها را در زمینه احکام بخاطر سپرد تا مرکز ذهن گردد .

ب - جزوه احکام تألیف بمژن پیامی

مباحثی از این جزوه که اصولاً در زمینه نماز ، روزه و احوال شخصی است و نیز برخی دیگر از احکام را در بردارد مورد مطالعه قرار خواهد گرفت ، گرچه مطالبی که در این جزوه مطرح شده معلوماتی بیش از مباحث مجموعه طبقه بندی نخواهد داد ولی مطالعه آن توأم با اصل نصوص مبارکه علی‌الخصوص آیات کتاب مستطاب اقدس است و چون مضامین این نصوص ذکر شده لهذا به اطلاع ما از احکام مبارکه در شروع مطالعه افزوده و آنرا تکمیل می‌نماید .
 ج - مجموعه دستخطهای معهد اعلی

بسیاری از ظرائف و نقائص احکام مبارکه در دستخطهای معهد اعلی مورد بررسی و توضیح قرار گرفته است . این توضیحات و تبیینات دافع و رافع بسیاری از غوامض و مشاکلی است که ممکن است حین مطالعه مباحث احکام پیش آید . بنابراین مجموعه مذکور در بین منابع این

درس دارای اهمیت اساسی و خاص خواهد بود و بمنزله راهنما و رهگشای مادرمطالعه این درس و مباحث مطروحه آن تلقی خواهد گردید .

د - گنجینه حدود و احکام

بجرات توان گفت میزان احکامی که در این کتاب وجود نیست و در عین حال دانستن آن ضرورت دارد چندان زیاد نباشد علاوه بر جامعیت این کتاب در زمینه احکام مبارکه امتیاز دیگر آن این است که احکام بر اساس اصل نصوص و بیانات مبارکه مطرح گردیده است لهذا مطالعه آن در حقیقت مطالعه آثار مبارکه نیز می باشد و نفس این مطالعه ضمن اینکه وقوف ما را بر احکام توسعه می بخشد در عین حال موهبت نفوذ و تأثیر کلام الهی را در جان و دل ما بفضل و اعانت حق به ارمغان خواهد آورد . و همچنانکه متذکر شدیم به بعثت و قسوف قبلی بر اصل احکام می توانیم همت و توجه خود را صرف استفاضه از آثار و نصوص مبارکه نماییم .

د - مقالات آهنگ بدیع :

این مقالات بطور تفصیلی به بررسی د و موضوع اماکن متبرکه و تقویم بهائی می پردازد تا اطلاعات جامعتری را فراهم آورند .

ه - نوار کتاب مستطاب اقدس و نوار آزادی :

در این دو نوار مفهوم احکام و منزلت آن و اهمیت اجرای حدود الهیه با توجه به مفهوم آزادی انسان مورد بررسی قرار گرفته و استماع مکرر آنها ضرورت دارد . این دو نوار از تقریرات جناب دکتر داودی می باشند .

نکته اساسی و قابل توجه

احکام و حدود الهیه در امر مبارک بوسیله شارع قدیر نازل گردیده است و سپس توسط هیکل اطهر میثاق و حضرت ولیّ عزیز امرالله مورد تبیین قرار گرفته و بسیاری از نکات آن بوسیله معهد اعلیّ مبین گشته لهذا باید به این نکته دقیق توجه نمود که تبیینات در حقیقت بمنزله فصل الخطاب است و دیگر جای ابهامی را باقی نخواهد گذاشت مگر در مواردی که تبیین نشده و در آینده بیت العدل اعظم میرهن خواهد فرمود . بنابراین در ضمن مطالعه اگر در مورد حکمی چنین بنظر برسد که در بیانات جمالقدم طوری و در بیانات هیکل میثاق طوری دیگر مطرح شده باید متذکر باشیم که فرموده هیکل اطهر میثاق و یا حضرت ولیّ امرالله تبیین آن حکم است و این اصلی است که حائز نهایت اهمیت است .

تکلیف

تعدادی از نصوص مبارکه در نظر گرفته شده که باید بخاطر سپرده شود. از این تکلیف ضمن امتحانات میان ترم و پایان ترم ارزشیابی بعمل خواهد آمد و بمیزان ۸ تا ۱۰ نمره امتحان در کل به آن تعلق خواهد گرفت نصوص به شماره‌های ۱ تا ۵ مربوط به امتحان میان ترم و بقیه جهت امتحان پایان ترم در نظر گرفته شده است توجه داشته باشید که نصوص مبارکه بطور صحیح و دقیق بخاطر سپرده شود و جهت اطمینان سعی شود که از مطلعین محلی در زمینه آموزش و یادگیری صحیح کمک گرفته شود. نکته قابل توجه دیگر این است که در طول ترم و بطور مستمر به انجام این تکلیف اقدام شود و از حفظ عجولانه و سریع خودداری شود که با همان سرعت نیز از ذهن خواهد رفت لهذا در برنامه زمان بندی نیز زمان خاصی برای انجام این تکلیف مد نظر نخواهد بود.

زمینه تحقیق

موارد متعددی در زمینه احکام می‌تواند مورد تحقیق و بررسی علاقمندان قرار گیرد از آنجمله می‌توان به امور ذیل اشاره نمود.

۱- تحقیق در زمینه یکی از مواضع مربوط به احکام مثل اهمیت موسیقی در امر مبارک، ازدواج در امر مبارک و اهمیت آن و مواردی از این قبیل که هر کدام در محور مطالعه و تحقیق مفصل و دقیق است.

۲- تحقیق در خصوص تطبیق احکام در امر مبارک با سایر ادیان :

در این زمینه در سیر بعدی مطالعات، درسی به ارزش ۳ واحد ارائه خواهد گردید اما این موضوع از هم اکنون می‌تواند مورد توجه افراد علاقمند قرار گرفته و به مسئله تطبیق احکام وحدود الهیه در آئین مختلفه بپردازند و تشابه و تفاوت بسیاری از احکام را روشن سازند در مرحله فعلی اجرای این تحقیق در خصوص احکام امریهائی و شریعتی بایی امکان بیشتری داشته و با توجه به قرابت و تشابه این دو امر عظیم انجام این تطبیق در زمینه احکام قابل توجه است.

۳- تلاش و تحقیق در باب حکمت بسیاری از احکام مبارکه :

حکمت برخی از احکام نظیر صوم و یا اداء ای حقوق الله در آثار مبارکه بیان شده است. گرچه بر اساس نصوص مبارکه بنظر میرسد که حکمت نزول احکام جز در مواردی که ^{حق} تعیین فرموده بر ملا نخواهد شد و لکن از آنجا که نزول احکام بر اساس حکمت‌های بالغه الهیه بوده و مبنای عقلی خواهد داشت و از آنجا که از تلاش در این زمینه ممانعتی نیز بعمل نیامده است لهذا موضوعی در محور تحقیق و مطالعه است.

توجه: چنانچه فردی در هر یک از موارد فوق موفق به اجرای تحقیق مناسب و ارزنده‌ای شود تقاضا داریم برای ما ارسال نماید تا در صورت امکان مورد استفاده سایرین قرار گیرد.

تذکراساسی و مهم:

چون ذکر حکمت احکام بعبان آمد بیان مطلب ذیل ضروری بنظر میرسد.

۱ - حضرت بهاء الله اجرای حدود و احکام را بر اساس محبت بندگان بجمال مبارک خود

قرار فرموده‌اند چنانچه میفرمایند قوله الاحلی:

"قد تکلم لسان قدرتی فی جبروت عظمتی مخاطباً لبریتی ان اعملو حدودی حباً لجمالی..."

و در موقع دیگر چنین می‌فرمایند قوله الکریم:

"یا ابن الوجود - اعمل حدودی حباً لی ثم انه نفسک عما تهوی طلباً لرضائی"

"یا ابن الانسان - لا تترك اوامری حباً لجمالی ولا تنس وصایای ابتغاء لرضائی"

۲ - با توجه به بیانات مبارکه فوق متوجه خواهیم شد که امر مبارک اجرای احکام و حدود

الهیة را منوط به محبت به مظهر امر فرموده‌اند و نه بدانستن حکمت آن، لهذا حدود

الهیة را اجرا می‌نمائیم بصرف حب به جمال قدیم بدون اینکه خود را مقید بدانستن

حکمت آنها نمائیم، بنابراین تلاش در جهت دانستن حکمت نزول یک حکم چیزی است

و اجرای آن حکم چیزی دیگر.

۳ - مطالعه و تحقیق در زمینه احکام ممکن است در مراحلی به بیان استنباطات فردی منجر

شود لذا در این خصوص بیانات معهد اعلی‌رای پیرامون استنباطات فردی و جنبه نظر

قرار خواهیم داد.

"... در دیانت بهائی بین تبیین و تفسیری که توسط مراجع منصوص صورت می‌گیرد با

تفسیرات و استنباطات فردی که ضمن مطالعه تعالیم و آثار الهی حاصل می‌شود فرق بارزی

وجود دارد، در حالی که مورد اول مختص ولی امر الله می‌باشد از مورد دوم که استنباطات

شخصی باشد به فرموده شخص حضرت ولی امر الله بهیچ عنوان نباید ممانعت شود، زیرا

فی الحقیقه این قبیل تفسیرات فردی ثمره قوه عقلانی انسانی بوده موجب درک بیشتر و

بهتری از تعالیم الهیه است مشروط بر آنکه از این رهگذر هیچگونه اختلاف و مناقشه‌ای بین

یاران حاصل نشود و هر کس بفهمد و بالصرّاحه روشن سازد که نظرات و عقایدش صرفاً

جنبه شخصی دارد. همان طور که بر میزان درک انسان از تعالیم الهیه افزوده می‌شود

بهمان نسبت استنباطات فردی وی نیز دائماً تغییر می‌یابد..."

ترتیب مطالعه منابع و مدت زمان مربوط به هرکدام

- ۱ - مجموعه طبقه بندی احکام ۲ هفته
- ۲ - جزوه احکام (بیژن پیامی) بانضمام مقالات آهنگ بدیع ۳ هفته
- ۳ - مجموعه دستخطهای معهد اعلی ۲ هفته
- ۴ - مرور کلی درس ۱ هفته

امتحان میان ترم در هفته نهم

- ۱ - کتاب گنجینه حدود و احکام باب اول تا ابتدای باب دوازدهم ۳ هفته
- ۲ - " " " " دوازدهم تا " " " " چهارم ۲ هفته
- ۳ - " " " " " " " " چهارم تا " " " " پایان کتاب ۲ هفته
- ۴ - مرور کلی درس ۱ هفته

امتحان پایان ترم هفته هجدهم

توضیح: استماع نوار آزادی در طول میان ترم اول و نوار کتاب اقدس در طول میان ترم دوم باید انجام گیرد این استماع باید بطور مستمر باشد لهذا وقت معینی تعیین نگردید.

نکات مورد توجه در خصوص مطالعه درس احکام

- ۱ - به منظور جلوگیری از فرار مطالب از ذهن و نیز تمرکز هرچه بیشتر مطالعه درس احکام باید بطور مستمر و مکرر بوده و سعی شود که هر مباحث در وقت تعیین شده حتماً مورد مطالعه قرار گیرد .
- ۲ - مطالعه دقیق و هرچه بهتر مباحث مطروحه در میان ترم اول در حقیقت زیربنای اصلی موارد مورد مطالعه در میان ترم دوم است لهذا با توجه به سادگی مطالب بخش اول و نیز اشتغال آنها بپراکنش احکام مبارکه توصیه اکید میشود که این مباحث به احسن وجه و در وقت معین مورد مطالعه واقع شود . تا وقت مربوط به مطالعه گنجینه بیشتر صرف تعقیق و تفکر در نصوص مبارکه و تبیینات مربوطه شده نه یادگیری اصل احکام زیرا موضوع اخیر یعنی آموزش اصل احکام باید در بخش اول حاصل شود . در عین حال جهت مطالعه مجموعه طبقه بندی بطور مستمر و در جریان ترم توصیه مؤکد می نمائیم .
- ۳ - مضامین نصوص مبارکه ای که در زمینه احکام موجود است علی الخصوص آیات مبارکه کتاب مستطاب اقدس مورد ارزشیابی قرار خواهد گرفت بنا بر این در حین مطالعه حتماً باید مضمون صحیح آیات کتاب مستطاب اقدس را فرا گرفت ، در این زمینه می توان از وجود قدمای امر و مطلقین محلی و نیز اساتید عربی استفاده نمود .
- ۴ - آموزش احکام مبارکه به دیگران بصورت تشکیل کلاس و یا حتی در خانواده و به افراد آن یکی از طرق مفید متمرکز نمودن مطالب در ذهن است ، بدین طریق هم شخص آموزنده بنفسه مطالب را بهتر فرامی گیرد و هم دیگران نیز از تلاش او نصیب خواهند برد البته این عمل به منظور جنبه آموزشی آن توصیه میشود و باید نهایت دقت را مجری در جهت تشکیل گروههای مطالعه و آموزش نیز می تواند در همین چهارچوب صورت گیرد . در عین حال فرد یا افراد مورد نظر باید توانایی و شایستگی لازم را دارا باشند .

ارزشیابی

ارزشیابی این درس بصورت سؤالاتی خواهد بود که هم مسائل کلی و قابل توضیح و تشریح را دربردارد و هم به جزئیات امور می پردازد . هم اصل مطالب را متوجه خواهد بود و هم استثنائات و دقائق را شامل خواهد بود .

در عین حال در مرحله کنونی از ارائه سؤالات تستی و چهارجوابی و یا نوع صحیح و غلط خودداری میشود .

توضیح : سؤالاتی که در زمینه درس احکام ضمیمه برنامه شده است به منظور خود آزمایی ارائه گردیده است لهذا تقاضا میشود که بعنوان نمونه سؤال امتحان تلقی نشود

هرچند که ممکن است برخی از آنها مشابه سوالات امتحانی باشد . این سوالات در سالهای قبل در مورد درس احکام مربوط به طرح مکاتبه‌ای تهیه شده است .

منابع جنبی مطالعه :

۱ - کتاب امر و خلق تألیف فاضل مازندرانی

بخش عمده‌ای از جلد چهارم این کتاب در خصوص احکام مبارکه است لهذا مطالعه آن به علاقمندان به مطالعه و تحقیق بیشتر توصیه میشود .

۲ - کتاب بیان فارسی از آثار حضرت ربّ اعلی

علاوه بر آنکه مطالعه این اثر عظیم دارای اهمیت زیاد بوده و مستلزم داشتن زمینه مناسبی است ولی برای کسانی که قصد تحقیق در زمینه احکام تطبیقی را دارند این مطالعه ضرورت دارد .

نصوص مبارکه ای که باید به خاطر سپرده شود

- ۱ و ۲ - "قَدْ تَكَلَّمَ لِسَانٌ قُدْرَتِي فِي جَبْرُوتِ عَظَمَتِي مُخَاطِباً لِجَبْرِيَّتِي أَنْ أَفْعَلُوا خُدُودِي حُبّاً لِحِمَالِي طُوبَى لِخَبِيْبٍ وَجَدَ عَرَفَ الْمَحْبُوْبِ مِنْ هَذِهِ الْكَلِمَةِ الَّتِي نَاحَتْ مِنْهَا نَفَحَاتُ الْفَضْلِ عَلَى شَأْنٍ لَأُوصَفُ بِأَلَذِّ كَارٍ. لَعَمْرِي مَنْ شَرِبَ رَحِيْقَ الْإِنْصَافِ مِنْ أَيَادِي الْأَلْطَافِ إِنَّهُ يَطُوفُ حَوْلَ أَوَامِرِي الْمَشْرِقَةِ مِنْ أَفْقِ الْإِنْدَاعِ."
- ۳ و ۴ - "إِنَّ أَوَّلَ مَا كَتَبَ اللَّهُ عَلَى الْعِبَادِ عِزْفَانُ مَشْرِقٍ وَحَيْبٍ وَمَطْلَعُ أَمْرِ الَّذِي كَانَ مَقَامَ نَفْسِهِ فِي عَالَمِ الْأَمْرِ وَالْخَلْقِ مَنْ نَازَ بِهِ قَدْ نَازَ بِكُلِّ الْخَيْرِ وَالَّذِي مَنَعَ إِنَّهُ مِنْ أَهْلِ الضَّلَالِ وَلَوْ بِنَا تِي بِكُلِّ الْأَعْمَالِ."
- " إِذَا قُرْتُمْ بِهَذَا الْمَقَامِ الْأَسْنَى وَالْأَفْقِ الْأَعْلَى يَنْبَغِي لِكُلِّ نَفْسٍ أَنْ يَتَّبِعَ مَا أَمَرَ بِهِ مِنْ لَدَى الْمَقْصُودِ لِأَنَّهَا مَعاً لَا يُقْبَلُ أَحَدُهُمَا دُونَ الْآخَرِ هَذَا مَا حَكَمَ بِهِ مَطْلَعُ الْإِلَهَامِ."
- ۵ - " زَيَّنُوا أَنْفُسَكُمْ بِطِرَارِ الْأَعْمَالِ وَالَّذِي نَازَ بِالْعَمَلِ فِي رِضَاةِ إِنَّهُ مِنْ أَهْلِ النَّبَاهِ قَدْ كَانَ لَدَى الْعَرْشِ مَذْكُوراً ."
- ۶ - "عَاشِرُوا مَعَ الْأَذْيَانِ بِالرَّوْحِ وَالرَّيْحَانِ لِجِدِّ وَابْنِكُمْ عَرَفَ الرَّحْمَنُ إِتَائَكُمْ أَنْ تَأْخُذَكُمْ حَمِيَّةُ الْجَاهِلِيَّةِ بَيْنَ الْبَرِيَّةِ كُلِّ بَدِيٍّ مِنَ اللَّهِ وَيَعُودُ إِلَيْهِ إِنَّهُ لَمَبْدَأُ الْخَلْقِ وَمَرْجِعُ الْعَالَمِينَ ."
- ۷ - " أَتْلُوا آيَاتِ اللَّهِ فِي كُلِّ صَبَاحٍ وَمَسَاءٍ إِنَّ الَّذِي لَمْ يَتَلَّ لَمْ يُوفِ بِعَهْدِ اللَّهِ وَبِثَابِهِ وَالَّذِي أَعْرَضَ عَنْهَا الْيَوْمَ إِنَّهُ مِمَّنْ أَعْرَضَ عَنِ اللَّهِ فِي أَوَّلِ الْأَزَالِ اتَّقُوا اللَّهَ يَا عِبَادِي كُلُّكُمْ أَجْمَعُونَ ."
- ۸ - " قَدْ حُرِّمَ عَلَيْكَ الْقَتْلَ وَالزَّوْجَ نَمَّ الْغَيْبَةَ وَالْأَفْتِرَاءَ اجْتَنِبُوا عَمَّا نَهَيْتُمْ عَنْهُ فِي الصَّحَابِ وَالْأَلْوَابِ ."
- ۹ - " لَا تُضَيِّعُوا أَوْقَاتَكُمْ بِالْبَطَالَةِ وَالْكَسَالَةِ وَاشْتَغِلُوا بِمَا يَنْتَفِعُ بِهِ أَنْفُسُكُمْ وَأَنْفُسُ غَيْرِكُمْ كَذَلِكَ قَضَى الْأَمْرَ بِهَذَا اللَّوْحِ الَّذِي لَاحَتْ مِنْ أَفْقِهِ شَمْسُ الْحِكْمَةِ وَالْتِمَانِ ."

سؤالات خود آزمایی

- ۱ - سنّ بلوغ شرعی بر چه اساسی تعیین می‌گردد؟
- ۲ - وقت اقامه هر یک از نمازهای سه‌گانه را بطور اختصار بیان کنید؟
- ۳ - آیا تلاوت آیات وضو برای هر سه نماز واجب است؟
- ۴ - اگر در رجائی آب یافت نشود یا استعمال آن برای نمازگزار مضر باشد چه باید کرد؟
- ۵ - در نقاطی که اختلاف روز و شب زیاد است آیا می‌توان از روی ساعت اقامه نماز نمود؟
- ۶ - قبله اهل بهاکجا است؟
- ۷ - قضای یک یا چند نماز که فوت شده باشد چیست؟
- ۸ - آیا نمازهای سه‌گانه را بطور گروهی و جمعی می‌توان اقامه نمود؟
- ۹ - کدام یک از ماه‌های سال بدیع اختصاص به روزه داری دارد؟
- ۱۰ - میقات وحدّ روزه را بیان کنید در نقاطی که روز و شب طولانی است چگونه باید روزه گرفت؟
- ۱۱ - چه کسانی از روزه داری معافند. مضمون آیه کتاب اقدس را در این مورد بیان کنید.
- ۱۲ - حکم الله را در مورد روزه مسافری پداده و سواره شرح دهید.
- ۱۳ - اگر عیدین مبعث و مولود با ایام صیام مقارن شود حکم صوم در این دو روزه چیست؟
- ۱۴ - نسوان در اوقات جریان عادت ماهیانه چه وظیفه شرعی در قبال روزه و نماز دارند؟
- ۱۵ - مضمون آیه مبارکه کتاب اقدس را درباره حجّ بیان نمائید و در بیت اعظم راکه محل حج اهل بها است نام ببرید؟
- ۱۶ - مضمون آیه مبارکه کتاب اقدس را در مورد لزوم اشتغال بکار و کسب و صنعت بیان نمائید.
- ۱۷ - حکم الله در مورد طهارت و پاکی چیست؟ مضمون آیه مبارکه را در این خصوص بیان نمائید. وظیفه پیروان آئین یزدان را درباره رعایت اصول نظافت پرهیز از استعمال آب آلوده و ناپاک، لزوم استحمام، گرفتن ناخن‌ها، شستن پاهای استفاده از عطپرو کلاب بطور اجمالی شرح دهید.
- ۱۸ - اهمیت تعلیم و تربیت را با اشاره به مضمون آیه مبارکه کتاب اقدس و سایر نصوص مبارکه الهیه بیان نمائید.
- ۱۹ - حقوق الله را با ذکر مضمون آیه مبارکه کتاب اقدس تعریف نموده و جزئیات احکام نازل را در این مورد با استناد نصوص مبارکه شرح دهید.
- ۲۰ - مضمون آیه مبارکه کتاب اقدس را در مورد لزوم نوشتن وصیّت نامه بیان کنید و آنچه در مورد ارث و نحوه تقسیم ماترک نفوس متساعد الی الله تعالی شرح دهید.
- ۲۱ - اطلاعات خود را درباره آداب کفن و دفن در امر مبارک با اشاره به مضمون آیه مبارکه

کتاب اقدس بیان نمائید .

۲۲- با اشاره به مضمون آیه مبارکه کتاب مستطاب اقدس جزئیات احکام راد رباره نامزدی، ازدواج، میزان مهر و رمدن و قراءه، نحوه عقد، تعدد زوجات، ازدواج موقت، لزوم رعایت فاصله بین زوج و زوجه از نظر قرابت و خویشاوندی شرح دهید .

۲۳- مضمون آیه نازل در کتاب اقدس راد ر مورد طلاق و جد شدن زن و شوهر از همدیگر بیان نمائید . و آنچه از احکام الهی در مورد جزئیات این حکم و نحوه انجام تشریفات آن می دانید شرح دهید .

۲۴- حکم الله در مورد گفتن الله ابهی ۹۵ بار هر روز چیست؟

۲۵- مضمون بیان مبارک راد ر مورد زکوة شرح دهید و نحوه عمل آن را بیان نمائید .

۲۶- اهل بها چند سال یک بار اسباب منزل خود را تجدید می نمایند و تکلیف نفوسی که استطاعت مالی برای انجام این فریضه ندارند چیست؟

۲۷- در رباره تلاوت آیات در هر صبح و شام چه بیانی در کتاب اقدس نازل شده است عین آیه مبارکه یا مضمون آن را بیان کنید .

۲۸- در مورد ضیافات نوزده روزه چه حکمی در کتاب اقدس نازل شده مضمون آیه مبارکه را بیان نمائید .

۲۹- مضمون آیه مبارکه نازل در کتاب مستطاب اقدس راد رباره توجه اهل بها در اسحار به مشارق اذکار جهت دعا و مناجات بیان نمائید .

۳۰- در رباره اهمیت صحت و سلامت افراد و لزوم مراجعه بیماران به پزشکان حاذق و مجرب چه بیانی در کتاب مستطاب اقدس نازل شده مضمون آن را بیان کنید .

۳۱- به چند فقره از بیانات متعالیه الهیه در رباره امر مهم تبلیغ و نشر نجات الله اشاره نموده و در صورت امکان عین بیان نازل در لوح جناب یوسف اصفهانی راد ر اعزاز شامخ ناشترین نجات الله مرقوم دارید .

۳۲- احکام نازل راد رباره لباس، گذاشتن ریش، تراشیدن موی سر و تجاوز گیسوی رجال از حد گوش بیان کنید .

۳۳- نظر شارع دیانت بهائی راد ر مورد حلیت موسیقی و استفاده از نغمه ها و ترانه ها شرح دهید .

۳۴- در آئین یزدانی سزای قاتل یا نفسی که به عمد خانه ای را آتش بزند چیست و دیه قتل که از روی سهو و اشتباه باشد چقدر است و به چه کسی تعلق می گیرد؟

۳۵- مضمون بیان مبارک در رباره حرمت زنا، لواط و خیانت بیان نموده و بچند فقره از آثار مبارکه در مورد عفت و عصمت و رعایت اصول تقوی و طهارت اشاره نمائید . جزای زانی و زانیه غیر محصن چیست و حکم در رباره زنی محصن با چه مقامی است؟

- ۳۶- مضمون بیان نازله در کتاب مستطاب اقدس راد رباره نهی از بوسیدن دست بیان کنید .
- ۳۷- چند مورد احکام الهی راد ر ذم غیبت و افتراء شرح دهید .
- ۳۸- مضمون آیه مبارکه کتاب مستطاب اقدس راد رباره سرقت و مجازاتی که در مورد سارق معمول میگردد بیان کنید .
- ۳۹- نظر شارع دیانت بهائی راد ر مورد احتراز از فساد و نزاع و عدم مقابله به مثل و نهی از دشمنی و کینه توزی یاد یگران شرح دهید .
- ۴۰- مضمون آیه شریفه کتاب مستطاب اقدس راد رباره حرمت خرید و فروش کنیز و غلام بیسان نمائید .
- ۴۱- در امر مبارک احدی بر احدی حق اعتراض ندارد مضمون در فقره از آثار مبارکه راد ر این مورد بیان کنید .
- ۴۲- مضمون آیه مبارکه کتاب مستطاب اقدس راد ر مورد امانت و صدق و وفای بیان نموده و بخلاصه‌ای از لوح حضرت عبدالبهاء خطاب به جناب محمد صادق شیرازی در ممدح صدق و ذم کذب اشاره کنید .
- ۴۳- عین آیه مبارکه کتاب مستطاب اقدس راد رباره قمار بیان کنید نظر مبین کتاب در باره لا طاری چه بوده است .
- ۴۴- مضمون آیه مبارکه کتاب اقدس راد ر مورد حمل اسلحه مرقوم دارید .
- ۴۵- استفاده از منبر برای تلاوت آیات در امر مبارک نهی شده مضمون آیه مبارکه را بیان کنید .
- ۴۶- خلاصه از بیانات متعالیه مبارکه را در رباره حرمت گدائی و سؤال و منع بخشش و عطا به متکذبان بیان نمائید و به خلاصه‌ای از بیانات حضرت عبدالبهاء در این زمینه اشاره فرمائید .
- ۴۷- اشتغال به کسب و کار در روزه از سال به اهل بهاء جایز نیست و این ایام را نام ببرید .
- ۴۸- مضمون آیه مبارکه کتاب مستطاب اقدس راد ر مورد شرب مسکرات بیان کنید به بیان حضرت ولی امرالله جل ثنائه در رباره نفوسی که حاضر به ترک این عادت مضر نیستند اشاره نمائید .
- ۴۹- مضمون چند فقره از نصوص مبارکه راد ر نهی از استعمال افیون و حشیش و عواقب مهلک آن بیان کنید .
- ۵۰- مضمون بیان جمال قدم را در رباره رعایت حال حیوانات و عدم حمل بار سنگین بر انسان شرح دهید .
- ۵۱- مضمون آیه مبارکه کتاب مستطاب اقدس راد رباره منع نفوس از ورود به منازل اشخاص

بدون کسب اذن در فقدان صاحب آن بیان کنید .

- ۵۲- اطلاعات خود را درباره ریح نقود در امر مبارک شرح دهید .
- ۵۳- طریق توبه و انابه پیروان امر بها را شرح دهید و بیک فقره از نصوص مبارکه درباره -
 نهی از استغفار نزد دیگران اشاره نمائید .
- ۵۴- اهل بها بر اساس اوامر جمال اقدس ابهی مکلف به اطاعت از حکومت و اولیای امور
 کشور خویشند . خلاصه‌ای از نصوص مبارکه را در این مورد بیان نمائید .
- ۵۵- خلاصه‌ای از بیانات حضرت ولی امر الله جل سلطان را درباره تقیه و کتمان عقیده بیان
 کنید و عواقب نامطلوبی که از این رهگذر گریبان گیر احبها میشود شرح دهید .
- ۵۶- مضمون آیه مبارکه کتاب مستطاب اقدس را در مورد قبول دعوت و حضور در جشن های
 عروسی و میهمانی ها بیان نمائید .
- ۵۷- احبای الهی به نص صریح از تآویل آیات و آثار مبارکه ممنوع اند به خلاصه‌ای از احکام
 صادره در این خصوص اشاره نمائید .
- ۵۸- نظر شارح آئین ربانی درباره مراد و معاشرت با پیروان ادیان دیگر چیست؟
- ۵۹- عین آیه مبارکه کتاب مستطاب اقدس را که به جای نماز آیات حین نزول حوادث ارضی
 و سماوی قرائت می شود بیان نمائید .

"حدود و احکام و نصاب در امر بهائی"

نماز:

۱- مقام مهم نماز در امر بهائی، پایه احکام فردی است.

۲- قبله:

الف - حضرت باب قبله را "من یظهره الله" تعیین فرمودند.

ب - انتخاب حضرت باب را حضرت بهاء الله تأیید فرمودند.

ج - حضرت بهاء الله محل استقرار عرش مبارک را پس از صعود هیکل اطهر قبله

تعیین فرمودند.

د - توجه به قبله در حین نماز ضروری است.

۳ - نماز از پانزده سالگی که سن بلوغ است برای رجال و نساء واجب است.

۴ - افرادی که از نماز معافند:

الف - آنها که مریض هستند.

ب - افراد بالاتر از ۷۰ (هفتاد) سال.

ج - خانها در حالت عادت ماهیانه که باید وضو گرفته و ۹ مرتبه از زوال به زوال این

ذکر را تکرار نمایند: "سبحان الله ذی الطلعة والجمال".

۵ - نماز باید در حالت فردی اجرا شود.

۶ - انتخاب یکی از سه نوع نماز مجاز است.

۷ - منظور از وقت صبح در مورد نماز عبارت است از طلوع فجر تا ظهر و منظور از وقت ظهر

عبارت است از ظهر تا غروب و منظور از غروب عبارتست از غروب تا دو ساعت از شب

گذشته.

۸ - صلوة کبیر فقط یک مرتبه در هر ۲۴ ساعت خوانده میشود.

۹ - صلوة صغیر را اگر ایستاده بخوانیم احسن و اولی است.

۱۰ - وضو:

الف - وضو باید قبل از هر نماز گرفته شود.

ب - برای هر نماز از نو یک وضو لازم است.

ج - اگر در ظهر و نماز را با هم بخوانیم یک وضو کفایت مینماید.

د - اگر آب در دسترس نباشد و یا مصرف آب برای دست و صورت مضر باشد، پنج بار ذکر

میکنیم: "بسم الله الاطهر الاطهر".

ه - اگر هوا خیلی سرد باشد توصیه میشود که آب گرم به کار رود.

و - اگر به منظور دیگری وضو گرفته باشیم وضوی دوم لازم نیست.

ز - حتی اگر شخصی حقا م گرفته باشد، باید وضو بگیرد.

- ۳- افراد یکه اقامتشان در یک نقطه حین سفر از ۱۹ (نوزده) روز کمتر باشد .
- ۴- اگر شخصی در ماه صیام وارد محلی شود و بخواهد ۱۹ روز بماند فقط سه روز اول را روزه نمیگیرد پس از آن روزه واجب است .
- ۵- اگر فرد در ماه صیام به منزل خود وارد شود از همان روز ورود روزه بر او واجب است .
- ب - آنها تیکه مریض هستند .
- ج - افراد یکه بالاتر از ۷۰ (هفتاد) سال دارند .
- د - زنانیکه حامله هستند .
- ه - خانمهای شیرده .
- و - خانمها در حالت عادت ماهیانه که باید وضو گرفته و ۹ مرتبه از زوال به زوال این ذکر را تکرار نمایند : " سبحان الله ذی الطلعه والجمال " .
- ز - افرادی که مشاغل سنگین دارند معافند ولی توصیه شده حرمت روزه را نگه دارند .
- ح - نیت روزه در غیر ایام صیام مجاز است ولی بجای آن اعمال عام المنفعه در نظر الهی مرجح میباشد .

* * * * *

قوانین و احوال شخصیه (ازدواج - طلاق - ارث) :

۱ - ازدواج :

- الف - ازدواج مؤکداً توصیه شده است (ولی اجباری نیست) .
- ب - تعدد زوجات ممنوع است (در کتاب مستطاب اقدس متجاوز از دو زن را ممنوع فرموده اند . حضرت عبدالبهاء این مسئله را مشروط به اجرای عدالت دانسته اند چون غیر ممکن است پس مشروط به شرط محال است لذا داشتن دو زن در یک زمان مجاز نیست .
- ج - ازدواج مشروط به این است که هم پسر و هم دختر به سن بلوغ که ۱۵ سال تمام است رسیده باشند .
- د - ازدواج مشروط به رضایت زوجین و نیز رضایت والدین و طرف است این امر در مورد زنی که قبلاً ازدواج کرده نیز لازم الاجراء است .
- ه - هر یک از دو طرف باید آیه مخصوص ازدواج را شخصاً تکرار نمایند و اذعان نمایند که راضی بر رضای الهی هستند .
- و - ازدواج با نامادری ممنوع است .
- ز - تمام مسائل مشابه که مربوط به ازدواج با قامیل است راجع به بیت العدل اعظم است .
- ح - ازدواج با غیر مؤمنین به امر مبارک مجاز است .

نامزدی :

مدت نامزدی نباید از ۹۵ روز تجاوز نماید ، نامزدی باد ختری که هنوز به سن بلوغ نرسیده خلاف شرع است .

ط - مهریه :

- ۱ - ازدواج منوط به پرداخت مهریه است .
- ۲ - میزان مهریه عبارت است از نوزده مثقال طلای خالص برای ساکنین شهر و نوزده مثقال نقره برای غیر شهری ، ملاک اقامت دائمی زوج است نه زوجه .
- ۳ - پرداخت مهریه بیش از ۹۵ مثقال (۵ واحد) ممنوع است ،
- ۴ - ترجیح داده شده که مرد به حد اقل که ۱۹ مثقال نقره است اکتفا نماید .
- ۵ - اگر پرداخت مهریه فی المجلس ممکن نباشد میتواند سفته بدهد .
- ۶ - اگر بعد از گفتن آیتین ازدواج و پرداخت مهریه خواه دختر و خواه پسر به یکدیگر تمایل نشان ندهند قبل از تحقق ازدواج یکسال اصطبار ضرورت ندارد و همچنین پس گرفتن مهریه نیز جائز نمیشود .

۷ - وقتی که مرد به سفر میرود باید زمان مراجعت خود را تعیین نماید ، اگر به عسل معقول نتواند به موقع مشخص برگردد باید به زن اطلاع دهد و در اسرع وقت مراجعت نماید . اگر مرد نتواند هیچیک از مراحل فوق را انجام دهد ، زن پس از ۹ (نه) ماه صبر میتواند دوباره ازدواج کند گرچه ترجیح داده شده که مدت بیشتری صبر نماید .

اگر خیر مرگ یا قتل شوهرش برسد و این خبر شیوع یافته باشد و یا بوسیله شاهد معتمد تأیید شود زن میتواند پس از انقضای ۹ (نه) ماه مجدداً ازدواج کند .

۸ - اگر شوهر بدون اطلاع دادن به زن از زمان مراجعت خود ، سفر کند و از حکم کتاب اقدس مطلع باشد ، زن میتواند پس از اتمام یکسال کامل ازدواج کند ولی اگر مرد از حکم اطلاع نداشته زن باید تا زمانیکه خبری از شوهر خود دریافت نماید صبر کند .

۹ - اگر شوهر پس از پرداخت مهریه متوجه شود که دختر باکره نیست میتواند مهریه و مخارج ازدواج را مسترد نماید .

۱۰ - اگر در ازدواج شرط باکره بودن باشد ولی بکارت موجود نباشد ، مهریه و مخارج پس گرفته میشود و ازدواج نیز باطل میگردد ولی اگر مرد این موضوع را مکتوم نگاه دارد ، نزد خداوند عملی بسیار ممدوح است .

۲ - طلاق :

الف - طلاق به شدت مکروه است .

ب - اگر عدم توافق و یا حالت تنفر از طرف زن و یا شوهر ابراز شود طلاق مجاز است ولی نیازمند به یکسال تریص است، هم زن و هم مرد میتواند درخواست طلاق نماید آغاز و پایان سال تریص باید بوسیله دوشاهد یا بیشتر از دوشاهد گواهی بشود. عمل طلاق باید بوسیله مأ مور مسئولی که نماینده بیت عدل (محفل محلی) است ثبت شود. عمل زناشویی در دوران تریص قدغن است و کسی که این قانون را زیر پا گذارد باید استغفار نموده و نوزده (۱۹) مثقال طلا به بیت عدل بپردازد.

ج - بعد از وقوع طلاق، ادامه مدت اصطبار ضروری نیست.

د - اگر زن بعلت عدم وفاداری طلاق داد شود. در زمان تریص نفقه دریافت نمیکند. ه - ازدواج مجدد مرد با زنی که طلاق داده است مجاز است مشروط به اینکه زن یا فرد دیگری ازدواج نکرده باشد، در صورت ازدواج با فرد دیگری باید قبل از ازدواج مجدد با شوهر اول، از شوهر دوم طلاق بگیرد.

و - در هر موقع حین تریص رانحه محبت بوزد ازدواج معتبر است، ازدواج مجدد نیز اگر تمر بخش نبوده به طلاق منجر شود، سال تریص از ابتداء شروع میشود و تریص قبل به حساب نمیآید.

ز - اگر حین سفر بین زن و مرد اختلاف ایجاد شود مرد باید زن را به خانه خود زن فرستاد و یا اینکه او را به دست فرد امینی بسپارد تا او را به مقصد برساند. در این مورد باید هم خرج سفر را بدهد و هم نفقه یکسال را بپردازد.

ح - اگر زن اصرار داشته باشد که بجای همراهی با شوهر به کشور دیگر، طلاق بگیرد سال تریص از تاریخی شروع میشود که از هم مجزا زندگی میکنند خواه اینکه شوهر در حال تهیه سفر باشد یا اینکه در سفر خود باشد.

ط - قانون اسلامی در مورد سه طلاقه (مسئله محلل) در امر بهائی نسخ گردیده است.

۳- ارث:

" این مسائل در مورد افرادی است که بدون وصیت نامه فوت نموده اند."

۱- تقسیم ارث در امر بهائی بر مبنای عدد "۲۵۲۰" میباشد که بقرار ذیل است:

الف - اولاد	۱۰۸۰	سهم از ۲۵۲۰ سهم	۴۲/۸۶	درصد
ب - زن یا شوهر	۳۹۰	سهم از ۲۵۲۰ سهم	۱۵/۴۷	درصد
ج - پدر	۳۳۰	سهم از ۲۵۲۰ سهم	۱۳/۱۰	درصد
د - مادر	۲۷۰	سهم از ۲۵۲۰ سهم	۱۰/۷۱	درصد
ه - برادر	۲۱۰	سهم از ۲۵۲۰ سهم	۸/۳۳	درصد
و - خواهر	۱۵۰	سهم از ۲۵۲۰ سهم	۵/۹۵	درصد
ز - معلم	۹۰	سهم از ۲۵۲۰ سهم	۳/۵۷	درصد

- ۲- سهم اولاد بوسیلة حضرت بهاء الله د و برابر سهمی که حضرت اعلى تعیین فرموده بودند ، مقرر شده و این مقدار بطور یکسان از سهم بقیه ورثه کسر گردد .
- ۳- اگر اولادی وجود نداشته باشد سهم اولاد به بیت عدل میرسد تا در امور مربوط به ایقام و بیوه ها و امور عام المنفعه خرج شود .
- ۴- اگر پسر متوفی فوت کرده باشد ولی از وی اولادی مانده باشد سهم آن پسر به اولادش میرسد . اگر کسی که فوت نموده دختر متوفی باشد سهم دختر بین ۷ (هفت) طبقه وراثت وی که در کتاب مستطاب اقدس مشخص شده تقسیم میگردد .
- ۵- اگر شخص متوفی دارای اولاد باشد ولی طبقات دیگر از وراثت راند داشته باشد ، $\frac{2}{3}$ آنها به اولاد میرسد و $\frac{1}{3}$ باقیمانده به بیت عدل .
- ۶- اگر هیچیک از وراثتی که مشخص شده اند وجود نداشته باشد ، $\frac{2}{3}$ حق ارث به برادره زاده و خواهرزاده میرسد (بصورت یکسان) اگر آنها هم وجود نداشته باشند به عم و خاله و دایی و عمه میرسد و اگر آنها هم وجود نداشته باشند به عموزاده و خاله زاده و دایی زاده و عمه زاده میرسد . در هر حال $\frac{1}{3}$ باقیمانده به بیت عدل راجع است .
- ۷- اگر هیچیک از افراد مذکور وجود نداشته باشد تمام ارث به بیت عدل میرسد .
- ۸- خانه مسکونی والبسه پدری که فوت نموده به پسر ارشد میرسد . حضرت عبدالبهاء توضیح فرموده اند که محل سکونت والبسه شخص متوفی به پسر بزرگ میرسد . اگر زنده نباشد به پسر بزرگ دومی والی آخر .
- اگر فرد دارای منازل مسکونی متعدد باشد خانه اصلی و مهمترین آنها به پسر ارشد میرسد و بقیه مثل دیگر د ارائی تقسیم میشود . اگر متوفی پسر نداشته باشد $\frac{2}{3}$ خانه اصلی والبسه به دختر میرسد و $\frac{1}{3}$ به بیت عدل . در مورد مادری که فوت نموده باشد ، تمام البسه مستعمله مشارالیهها بطور مساوی بین دختران تقسیم شده و البسه غیر مستعمل و جواهرآلات و مایملک اوبین وراثت تقسیم میگردد . اگر چنانچه دختر هم نداشته باشد لباس مستعمل هم تقسیم میشود .
- ۹- اگر اولاد متوفی صغیر باشند سهم آنها باید به فرد مورد اعتماد و یا به یک شرکت داده شود تا آنها به کار انداخته تا به سن بلوغ برسند ، سهمی از بهره بدست آمده به فرد مورد اعتماد تخصیص داده شود .
- ۱۰- تا زمانی که حقوق الله ، قروض ، مخارج تشییع شایسته و تکفین و تدفین پرداخت نشده است ارث نباید تقسیم گردد .
- ۱۱- اگر برادر متوفی تنی باشد (از همان پدر) سهم کامل به او میرسد ولی اگر ناتنی باشد (از پدر دیگر) $\frac{2}{3}$ سهم را دریافت میکند و $\frac{1}{3}$ بقیه به بیت عدل میرسد ، در مورد خواهر متوفی نیز همین مورد مصداق دارد .

۱۲- درحالتی که برادر و خواهر تنی وجود داشته باشد، برادر و خواهر ناتنی ارث نمیبرند.
 ۱۳- معلّم غیربهایّی از بهائی ارث نمیبرد، اگر بیش از یک معلّم وجود داشته باشد سهم معلّم بطور مساوی بین آنها تقسیم میشود.

۱۴- وراثت غیر بهائی از بهائی ارث نمیبرند. در این مورد محفل روحانی هنده سیّوال نموده و حضرت ولیّ امرالله چنین جواب فرموده اند:

"اگرچه حضرت بهاءالله در رسالهء سوّال و جواب فرموده اند: "غیرالبهایّی لایورث البهایّی" که بهائی بدو وصیت نامه فوت نموده باشد، ولی فرد بهائی مجاز است که به ضررتیبی که میخواهد وصیت نماید. بطوریکه فرد بهائی میتواند برای همسر، اولاد یا فامیل غیر بهائی خود ارث بگذارد."

۱۵- غیر از البسهء مستعمل و هدایائی که ثابت شده مرد به زن بخشیده هر چیزی دیگری که مرد برای زن خریده باشد بعنوان مایملک مرد محسوب شده بود بصورت فوت شوهر بین وراثت او تقسیم میشود.

۱۶- هر شخصی آزاد است وصیت کند که بهر شکل دارائیش تقسیم شود. در صورتیکه به پرداخت قروض و ادای حقوق الله عمل نماید.

* * * * *

حدود و احکام و نصاب متفرقه:

۱- حدود و احکام متفرقه:

الف - حجّ: در کتاب مستطاب اقدس والواحد دیگر حضرت بهاءالله زیارت بیت اعظم در

بغداد و بیت مبارک شیراز را امر فرموده اند حجّ یکی از دو بیت به فردی کنه

استطاعت دارد واجب است. حجّ بزآقایان واجب شده است.

ب- حقوق الله: ادای حقوق الله فریضه ای است روحانی، ۱۹٪ از درآمد بعد از کسر

مخارج داده میشود. حداقل یک فرد باید ۱۹ مثقال طلای ۱۹ نخودی داشته

باشد تا به او حقوق الله تعلق گیرد، حقوق الله به هر مال یک بار تعلق میگیرد.

بیت مسکونی، اثاثیه، منزل، واحیات منزل، وسایل و کسب و کار باید کسر شود و بعد

حقوق الله داده شود. در کتب معتبره و در کتب معتبره و در کتب معتبره

هر زمان که درآمد، بعد از کسر مخارج، به ارزش حد اقل ۱۹ مثقال طلا برسد حقوق

الله به این افزایش درآمد تعلق میگیرد.

هر مثقال ۴/۶۴ گرم و ۲۴ نخود است چون حضرت باب مثقال را ۱۹ نخود قرار

دادند بنابراین مثقال بیانی حدود ۳/۶۴ گرم میشود.

ج - اوقاف:

د - مشرق الاذکار: مشرق الاذکار در ده، شهر، یا مملکت بنا میشود، مطابق

اصول امری، محافل و رجوار آن هستند، مشرق الاذکار بر حسب دستور حضرت عبد البهاء بنایش بر ۹ (نه) است و هر ۹ (نه) سمت باید یکسان باشد، زینت مشرق الاذکار نباید به صورت نقاشی باشد، مشرق الاذکار منبر ندارد. در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی: "طوبی لمن توجه الی مشرق الذکار فی الاسحار ذاکراً متذکراً مستغفراً و اذا دخل یقعد صامتاً لصغاء آیات الله الملك العزیز الحمید".

هـ - دور بهائی :

دور بهائی حدّ اقل هزار سال تمام، طبق کتاب مستطاب اقدس "من یدعی امرأ قبل اتمام الف سنة كاملة انه کذاب مفترئ سئل الله بان یؤیّده علی الرجوع ان تاب انه هو التواب".

و - ایام تعطیلات بهائی :

۱ - صعود حضرت بهاء الله هفتم نوزدهم، ۸ خرداد، ۱۹ می - ۲ - اول عید رضوان
 ۳ - نهم عید رضوان ۴ - دوازدهم عید رضوان (۱۲ اردیبهشت) ۵ - اظهار امر حضرت باب (تولد حضرت عبد البهاء) پنجم جمادی الاولی، ۲۳ می، ۱۲ خرداد.
 ۶ - تولد حضرت باب "اول محرم"، ۲۰ اکتبر ۷ - تولد حضرت بهاء الله "۱۲ نوامبر یعنی ۲۱ آبان (دوم محرم)" ۸ - شهادت حضرت اعلی ۹ - عید صیام و نوروز
 د و روز دیگر نیز وجود دارد که کار حرام نیست ولی از ایام مخصوصه است:

۱ - روز صعود حضرت عبد البهاء (ششم قوس یا هفتم آذر ۲۸ نوامبر) ۲ - روز عهد و میثاق که دو روز قبل از صعود حضرت عبد البهاء است (۲۶ نوامبر).

ر - ضیافت ۱۹ (نوزده) روزه.

ز - سال بهائی (۱۹) (نوزده) ماه نوزده روزه

ح - ایام هاء

ط - سن بلوغ

ی - دفن اموات :

در کتاب اقدس امر شده که برای دفن اموات بیش از یکساعت فاصله نباید باشد. باید بدن میت پس از شستشو در پارچه حریر یا کتان پوشانیده شود و انگشتری میت که روی آن نقش شده باشد: "قد بدئت من الله و رجعت الیه منقطعاً عما سواه و متمسکاً باسمه الرحمن الرحیم" (آیه ۳۰۰) باید بدست میت کنند تا بوقت میت باید از بلور، سنگ، یا چوب سخت باشد. جلسه دعا و تذکر برای سنین بعد از بلوغ است.

ک - کسب و کار:

در امر بهائی جنبه عبادت دارد کسی که میتواند باید کار کند و کسی که نمیتواند کار

کند ، از دور راه به او کمک میشود " بیت عدل محلی و اغنیای ارض " .

ل - اطاعت از حکومت

م - تعلیم و تربیت کودکان

ن - نوشتن وصیت نامه

س - زکوة

حضرت بهاء الله در کتاب مستطاب اقدس فرموده اند که در خصوص حکم زکوة مطابق آنچه که در قرآن است عمل شود . زکوة بمصرف کمک به فقرا و نیز کمک به امرالله میرسد . تفصیل ادای زکوة را در آینده بیت عدل اعظم تعیین خواهند فرمود . این امر تا زمانی که تصمیم بیت عدل گرفته نشده طبق بیان مبارک مولای توانا بصورت تبرعات خواهد بود .
ع - ذکرالله ابهی (۹۵ مرتبه در روز) شخص مؤمن باید وضو گرفته و بنشیند و ۹۵ مرتبه ذکر " الله ابهی " را تکرار کند .

قدشکار حیوانات :

حضرت بهاء الله میفرمایند که رشکار حیوانات زیاده روی نشود . شکاری که بوسیله حیوان شکاری (سگ) شکار شده و یا بادام صید شده و مورد باشد ، حرام است ولی اگر در موقع فرستادن سگ شکاری نام حق ذکر شده باشد حلال است .

ص - مرد میتواند برای خدمت ، دوشیزگان را استخدام نماید (در اسلام " شیعه " مرد نمیتوانست خدمتکار زن داشته باشد مگر اینکه با او ازدواج کند) .

ق - یافتن شیء گمشده (لقطه) وجستجو برای یافتن صاحب شیء گمشده .

ذ - یافتن گنج و دفینه .

ش - اشیاء به امانت گذاشته (مثل میوه) را میتوانند بفروشند و تبدیل به احسن نمایند .

ت - قتل غیر عمد

ث - مفهوم و تعریف شاهد عادل :

معیار تشخیص عدالت شاهد شهرت او به عادل بودن است خواه بهائی باشد خواه نباشد .

خ - منهیات :

- ۱ - نهی از تفسیر و تبیین آیات الهی ۲ - خرید و فروش غلام و کنیز ۳ - ریاضت
- ۴ - رهبانیت ۵ - تکدی و سؤال ۶ - کشیشی ۷ - صعود بر منبر ۸ - دست بوسی ۹ - استغفار نزد عباد (اما اگر عمل بدی نزد مورد شخصی انجام دهیم میتوانیم از او طلب بخشش کنیم) .
- ۱۰ - تعدد زوجات ۱۱ - استعمال و شرب حشیش و افیون ۱۲ - استعمال مسکرات ۱۳ - قمار ۱۴ - آتش زدن خانه و اموال -
- کسی به عمد ۱۵ - زنا ۱۶ - قتل ۱۷ - دزدی ۱۸ - لواط ۱۹ - نماز

جماعت مگرد نماز میت ۲۰ - ظلم به حیوانات ۲۱ - تنبلی و بیکاری ۲۲ - غیبت
 ۲۳ - افتراء ۲۴ - حمل اسلحه مگرد رحین ضرورت ۲۵ - رفتن به خزینه حمام
 عمومی ۲۶ - ورود به خانه کسی بدون اجازه ۲۷ - مضروب و زخمی کردن فردی
 ۲۸ - مجادله و اختلاف در مسائل و امور ۲۹ - ذکر گفتن و زمزمه آیات در کجبه و
 بازار ۳۰ - بادست غذا خوردن ۳۱ - تراشیدن موی سر ۳۲ - بلند کردن مودر
 در مردان، پائین تراز لاله گوش.

۲ - نسخ برخی از احکام و حدودات از ادیان قبل :

الف - محو کتب

ب - منع از پوشیدن البسه ابریشمی .

ج - منع از بکار بردن ظروف ساخته شده از نقره و طلا .

د - محدود کردن سفر .

ه - منع از سؤال و پرسش از مظهر امر .

و - تقدیم کردن هدایای گرانبها به مؤسس امر .

ز - سه طلاقه .

ح - جریمه فردی که علت حزن همسایه اش و یا غم دیگری شود .

ط - حرمت موسیقی .

ی - محدودیت لباس و ترتیب لحي (ریش) .

ک - طاهر نبودن افراد و اشیاء مختلفه .

ل - عدم طهارت نطفه .

م - عدم طهارت بعضی از اشیاء برای سجده .

۳ - نصاب متفرقه :

الف - معاشرت با اهل جمیع ادیان (عاشروا مع الادیان کلها بالروح والریحان) .

ب - احترام به والدین .

ج - آنچه بخود نمی پسندی برای دیگری نپسند .

د - تبلیغ و ترویج امر الهی بعد از ظهور مظهر امر الله .

ه - تشریک مساعی و مساعدت با افراد یکه بترویج و انتشار امر الهی قیام مینمایند .

و - متحرف نشدن از آثار مبارکه و گمراه نشدن بوسیله آنان که از آثار الهیه دوری -

میجویند .

ز - مراجعه به آثار مقدسه هنگام بروز اختلاف .

ح - تعمق و استغراق در مطالعه آثار الهیه .

ط - عدم تبعیت از ظنون افکيه و اهواء و امیال شخصیه .

ی — تلاوت آیات مقدسه والواح مبارکه در صبح و مساءً تلاوت اثار مبارکه و مناجات با لحن خوش.

ک — تربیت اطفال بقسمیکه در مشرق الاذکار آثار را بالحن خوش تلاوت نمایند .

ل — مطالعه علوم عصریه و فنون حکمیه و هنرهای که برای بشریت مفید باشند .

ن — مشورت با یکدیگر .

س — غفلت نکردن در انجام فرامین الهی .

ع — از گناهان و معاصی خود نزد پروردگار استغفار کردن

ف — متمایز ساختن خویش از طریق اعمالی چون :

۱ — صداقت ۲ — امانت ۳ — ایمان ۴ — تقوی و خشیه الله ۵ — عدالت ۶ —

حکمت و عقل ۷ — ادب ۸ — مهمان نوازی ۹ — استقامت ۱۰ — انقطاع ۱۱ — تسلیم

و رضای محض ۱۲ — عامل اختلاف نشدن ۱۳ — ریا نداشتن ۱۴ — غرور و تکبر

نداشتن ۱۵ — متعصب نبودن ۱۶ — خود را به دیگران ترجیح ندادن ۱۷ —

مجادله با دیگران نکردن ۱۸ — غرق در امیال و شهوات نفسانی نشدن ۱۹ — جزع

نکردن در مصائب ۲۰ — با اولیاء امور مجادله نکردن ۲۱ — عصبانی نشدن ۲۲ —

دیگران را عصبانی نکردن .

ص — کاملاً متحد بودن .

ق — به طبیب حاذق مراجعه کردن در موقع بروز مرض .

ر — پذیرش دعوتها .

ش — محبت به حضرات اغصان و افنان .

ت — مطالعه السنه بجهت اعلاء آئین مبین الهی .

ث — افزایش و توسعه اقالیم و بلاد به منظور ذکر و تهلیل و تحلیل شریعه رب العباد .

خ — صیانت و حراست اماکن مربوط به شارعین آئین مبین .

ذ — جواهر نظافت و لطافت بودن :

۱ — شستن پاها ۲ — استعمال عطر و گلاب ۳ — استحمام در آب پاک ۴ — گرفتن

ناخنها ۵ — شستن اشیاء کثیف با آب تمیز ۶ — نبودن لکه در لباس ۷ — تجدید

اثاث البیت، هر ۹ سال یکمرتبه (فاقدین استطاعت از اجرای این حکم عفو شده اند)

تجدید در مورد اشیائی است که کهنه شده و رنگ و جلایش را از دست داده و حالت

اشمئزاز بوجود میآورد . تجدید شامل اشیاء نادر یا عتیقه جات و یا جواهرات

نمی شود .

احکام

این جزوه حسب الامر لجنه ملی نشر معارف امری ایران صرفاً جهت استفاده کنندگان از طرح مکاتبه‌ای تهیه و تألیف گردیده و بمنظور تسهیل در فهم و اطلاع از احکام الهیه پس از نقل آیات مبارکه مضمون آن درج شده است. ضمناً آیات مورد استناد از کتاب مستطاب اقدس بانسخه خطی جناب زین المقرّبین علیه رضوان الله مقابله شده است.

بیژن پیامی

اولین دستور و حکم خداوند به بندگان شناسائی و عرفان مظهر امر و مشرق وحی الهی و سپس عمل با او امر و احکام نازل از سماء مشیت ربانی است در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی "ان اول ما كتب الله على العباد عرفان مشرق وحیه و مطلع امره الذى كان مقام نفسه فى عالم الامر و الخلق من ناز به قد ناز بكل الخير و الذى منع انه من اهل الضلال و لویأتی بكل الاعمال . اذا فزتم بهذا المقام الاسنى و الافق الاعلى ینبغى لكل نفس ان یتبع ما امر به من لى المقصود لانهما معاً لا یقبل احد همدون الاخر هذا ما حکم به مطلع الالهام" آیه ۱ و ۲ .

مضمون آیه‌های مبارک فوق بفارسی چنین است:

اول فریضه بندگان - شناسائی مشرق وحی و مطلع امر الهی است که قائم مقام نفس حق در عالم امر و خلق می‌باشد کسیکه به عرفان مظهر ظهور نائل شود بکل خیر نائل شده و نفسی که ممنوع گردد و لو بجمیع اعمال پسندیده عامل باشد از اهل ضلالت و گمراهی بشمار می‌آید . وقتیکه باین مقام بلند رسیدید شایسته است که از سنن و اوامر الهی پیروی کنید زیرا عرفان مشرق وحی و اتباع او امر او لازم و ملزوم یکدیگر بوده و یکی بدون دیگری در رگه الهی بزیر قبول آراسته نخواهد گردید . انتهى

در لوحی صادره از یراعه جمال قدم نازل :

"بعد از عرفان مشرق وحی و امر لازم یکی استقامت و دیگری اتباع او امر الله که در کتاب نازل شده طوبی للفائزین"

حضرت عبدالبهاء مرکز میثاق و مبین آیات می‌فرماید "در این دور مبارک که فخر قرون و اعصار است ایمان عبارت از اقرار بوجدانیت الهیه نه بلکه قیام بجمیع شئون و کمالات ایمان است" صفحه ۹ گنجینه حد و د و احکام .

حال که اهمیت احکام بیان شد با رعایت اختصار بشرح اوامر و دستورات صادره می‌پردازیم و اضافه می‌نمائیم که شارع دیانت بهائی اوامر و احکام الهی را حصنی متین از برای حفظ و حراست عباد خویش توصیف فرموده و سر سعادته و رمز فلاح پیروان آئین نازنین را در - اطاعت و پیروی از فرامین ربانی معین فرموده‌اند .

نصل اول - نماز

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی : "قد فرض علیکم الصلوة و الصوم من اول البلوغ امراً من لى الله ربکم و رب آبائکم الاولین .. آیه ۳۳"

مضمون بیان مبارک بفارسی چنین است:

نماز و روزه از اول بلوغ از سوی حضرت پروردگار بر شما فرض و واجب گردیده‌است . انتهى حضرت مولی الوری میفرماید . "صلوة اس اساس امر الهی است و سبب روح و حیات قلوب رحمانی" صفحه ۱۱ گنجینه حد و د و احکام . ایضاً قوله العزیز "قلب انسان جز بعبادت

رحمن مطمئن نگردد و روح انسان جز بذكر بیزد آن مستبشر نشود . (صفحه ۳ گنجینه حد و احکام) حضرت ولی امرالله جلّ ثنائه میفرماید :

نماز تکلیف شرعی یاران است و از ارکان شریعت الله محسوب و تأثیرش از ادعیه و مناجاتهای نازله شدیدتر "توقیع جناب د کتر لطف الله حکیم ."

در مورد نماز توجه بنکات زیر که بطور اختصار بآنها اشاره میشود ضروری است .

۱ - هر فرد بهائی مجاز و مخیر است یکی از سه نماز را که صورت آنها در خاتمه این فصل درج میگردد با رعایت آداب و شرایط نازله بخواند در رساله سؤال و جواب مذکور است قوله تعالی "عمل یکی از این صلوة ثلاث واجب هر کدام معمول رود کافی است" انتهى .

۲ - نماز از سنّ بلوغ شرعی که برای رجال و نساء پانزده سال تمام تعیین گردیده واجب است .

۳ - راجع بوضو در دستخط بیت العدل اعظم الهی که بافتخار جناب هوشنگ محمود صادر چنین مرقوم است "سؤال دوم راجع بحکم وضو بود وضو هم در صلوة کبیر و هم در صلوة وسطی و صلوة صغیر هر سه واجب است منتهی تلاوت آیات وضو که مختصّ صلوة وسطی است در هنگام شستن دست و رو در در و وصلوة دیگر واجب نیست و در نماز کبیر و صغیر شستن دست و صورت به نیت اقامه صلوة کافی است" انتهى .

۴ - هرگاه در نقطه‌ای آب یافت نشود یا بعلل و موجبات دیگر از قبیل زخم جراحت و مرض استعمال آن مضر باشد بجای وضو آبه مبارکه زیر پنج مرتبه تلاوت میشود .
"بسم الله الاطهر الاطهر"

۵ - در خصوص وقت اقامه نمازهای سه‌گانه جمال قدم در لوح بشارت عظمی می‌فرمایند :
قوله تعالی : "اول هر هنگام و هر وقت که انسان در خود حالت اقبال و خضوع مشاهده نماید بعمل آورد و ثانی در ریامداد و حین زوال و اصیل و ثالث از زوال به زوال" : انتهى .
منظور مبارک از اول نماز بزرگ ثانی نماز وسطی و ثالث نماز کوچک است . طبق نصوص مبارکه نماز بزرگ در ۲۴ ساعت یکبار و هر وقت انسان در خود حالت توجه و حضور قلب مشاهده نماید واجب است . نماز وسطی هر شبانه روز سه بار واجب است از طلوع فجر تا ظهر و از ظهر تا غروب آفتاب و از غروب خورشید تا دو ساعت از شب رفته و صلوة کوچک در ۲۴ ساعت یکبار از زوال به زوال واجب است در مورد اینکه این نماز را باید نشسته بجا آورد یا ایستاده جمال قدم میفرماید "قیام مع الخضوع اولی واجب" . انتهى (رساله سؤال و جواب)

حضرت عبدالبهاء در لوح معاون التجار نراقی میفرمایند :

قوله جلّ ثنائه "ادای صلوة کبیر روزی یکمرتبه کافی و هر نفسی که این صلوة بگذارد از ادای صلوة وسطی و صغیری معاف است . انتهى

۶- در آمدن و دیاری که روز و شب طولانی است ادای نریضه نماز با استفاده از ساعت و نشانه‌هاییکه اوقات نماز را معین و مشخص نماید جایز است آیه ۲۷ کتاب مستطاب اقدس
 ۷- قبله اهل بهاء روضه مبارکه است (جوار قصر بهجی در بیرون شهر عکا) که در آن مکان مقدس هیکل عنصری جمال اقدس ابهی استقرار یافته است.

۸- در مورد نمازیکه فوت شود طبق آیات مبارکه ۳۲ و ۳۳ کتاب مستطاب اقدس و با استناد رساله شریفه سؤال و جواب و سایر نصوص الهیه بشرح زیر باید عمل نمود:
 برای هر نمازیکه قضا شده سجده‌ای نموده و در حال سجود آیه مبارکه "سبحان الله ذی العظمه والاجلال والموهبه والافضال" را ذکر کرد (ادای سبحان الله برای اشخاص عاجز و ناتوان کافی است) و سپس به هیکل توحید نشسته و هیجده مرتبه آیه مبارکه "سبحان الله ذی الملك والملکوت" را تلاوت نمود.

هرگاه صلوئه فائته متعدّد باشد یعنی چند نماز فوت شده باشد نماز گزار بجای هر نماز یکبار سجده نموده و در پایان سجده آخر به تلاوت ۱۸ بار آیه مبارکه "سبحان الله ذی الملك والملکوت" مبادرت نماید احکام فوق طبق نص مبارک رساله سؤال و جواب در سفر و حضر هر دو یکسان است.

۹- اقامه نماز بصورت دسته جمعی و گروهی با استثناء نماز میت جایز نیست. در کتاب اقدس از قلم اعلی نازل قوله تعالی: "کتب علیکم الصلوة فرادی قد رفع حکم الجماعة الانسی صلوئه المیت انه لهوالا امر الحکیم آیه ۳۰.
 مضمون بیان مبارک بفارسی چنین است: اقامه نماز بصورت فردی بر شما واجب گردیده و حکم نماز جماعت مگر در صلوئه میت جائز نمیباشد.

۱۰- صورت دعای وضو و نمازهای سه گانه بشرح زیر است:
 دعای شستن دست:

الهی قویدی لتأخذ کتابک باستقامة لاتمنعها جنود العالم ثم احفظها عن التصرف فیما بین لم یدخل فی ملکها انک انت المقتدر القدير.
 دعای شستن صورت:

ایربّ وجهت وجهی الیک نوره بانوار وجهک ثم احفظه عن التوجه الی غیرک.
 صلوات کبیر

هوالمثنزل الغفور الکریم
 للمصلی ان یقوم مقبلا الی الله و اذا قام واستقر فی مقامه ینظر الی الیمین والشمال کمن ینتظر رحمة ربّه الرّحمن الرّحیم. ثم یقول "یا اله الاسماء وناظر السماء اسئلك بمطالع غیبک العلی الابهی بأن تجعل صلاتی ناراً لتحرق حجاباتی الّتی منعتنی عن مشاهدة جمالك ونوراً یدلنی الی بحر وصالک.

ثم يرفع يديه للفقنوت لله تبارك وتعالى ويقول:

يا مقصود العالم ومحبوب الام تراني مقبلاً اليك منقطعاً عما سواك متمسكاً بحبلك
الذي بحركته تحركت الممكنات ايرب اناعبدك وابن عبدك اكون حاضراً قائماً بين ايادي
مشيتك وارادتك وما اريد الا رضائك اسئلك ببحر رحمتك وشمس فضلك بان تفعل بعبدك
ما تحب وترضى وعزتك المقدسه عن الذكر والثناء كلما يظهر من عندك هو مقصود قلبي و
محبوب فؤادي الهى الهى لا تنظر الى آمالي واعمالى بل الى ارادتك التى احاطت
السّموات والارض واسمك الاعظم يا مالك الامم ما اردت الا ما اردته ولا احب الا ما تحب.
ثم يسجد ويقول:

سبحانك من ان توصف بوصف ما سواك او تعرف بعرفان دونك.
ثم يقوم ويقول:

ايرب فاجعل صلاتى كوثر الحيوان ليبقى به ذاتى يد وام سلطنتك ويذكرك فى كل عالم من
عوالمك.

ثم يرفع يديه للفقنوت مرة اخرى ويقول:

يا من فى فراقك ذابت القلوب والاكباد وبنار حبك اشتعل من فى البلاد اسئلك باسمك
الذى به سخرت الافاق بان لاتمنعنى عما عندك يا مالك الرقاب. ايرب ترى الغريب سرع
الى وطنه الاعلى ظلّ قباب عظمتك وجوار رحمتك والعاصى قصد بحر غفرانك والذليل
بساط عزك والفقير افق غنائك لك الامر فى ماشاء اشهد انك انت المحمود فى فعلك
والمطاع فى حكمك والمختار فى امرك.

ثم يرفع يديه ويكبّر ثلاث مرّات ثم ينحنى للركوع لله تبارك وتعالى ويقول:

يا الهى ترى روحى مهتزاً فى جوارحى واركانى شوقاً لعبادتك وشغفاً لذكرك وثنائك
ويشهد بما شهد به لسان امرك فى ملكوت بيانك وجبروت علمك اى رب احب ان اسئلك
فى هذا المقام كلما عندك لاثبات فقرى واعلاء عطائك وغنائك واطهار عجزى وابراز قدرتك
واقدرتك.

ثم يقوم ويرفع يديه للفقنوت مرة بعد اخرى ويقول:

لا اله الا انت العزيز الوهاب لا اله الا انت الحاكم فى المبدأ والمآب الهى الهى عنوك
شجعنى ورحمتك قوتنى وندائك ايقظنى وفضلك اقامنى وهدانى اليك والامالى وشأ نسى
لا قوم لى باب مدين قريك او اتوجه الى الانوار المشرقة من افق سماء ارادتك اى رب ترى
المسكين يقرع باب فضلك والغانى يريد كوثر البقاء من ايادى جودك لك الامر فى كل الاحوال
يا مولى الاسماء ولى التسليم والرضا يا فاطر السماء.

ثم يرفع يديه ثلاث مرّات ويقول:

الله اعظم من كل عظيم.

ثم يسجد ويقول :

سبحانك من ان تصعد الى سماء قريك اذكار المقرّبين او ان تصل الى فناء بابك طيوراً فندة
المخلصين اشهد أنك كنت مقدّساً عن الصّفات ومنزهاً عن الاسماء لا اله الا انت العليّ
الابهي .

ثم يقعد ويقول :

اشهد بما شهدت الاشياء والملاء الاعلى والجنّة العليا وعن ورائها لسان العظمة من
الافق الابهي أنك انت الله لا اله الا انت والذي ظهر انه هو السرّ المكنون والرّمز المخزون
الذي به اقترن الكاف بركنه الثّون اشهد انه هو المسطور من القلم الاعلى والمذكور في كتب
الله ربّ العرش والثرى .

ثم يقوم مستقيماً ويقول :

يا اله الوجود ومالك الغيب والشّهود ترى عبراتي و زفرا تي وتسمع ضجيجي وصريخي وحتي
فوادي وعزّتك اجتراحاتي ابعديني عن التّقرب اليك وجريراتي منعتني عن الورد في ساحة
قد سكت اي رب حبك اضناني وهجرك اهلكني وبعديك احرقني اسئلك بموطئ قد ميك في
هذا البيداء وبلبيك لبّيك اصفياك في هذا الفضاء وبنفحات وحيك ونسمات فجر ظهورك
بان تقدّر لي زيارة جمالك والعمل بما في كتابك .

ثم يكبر ثلاث مرّات ويركع ويقول :

لك الحمد يا الهى بما ايّدتنى على ذكرك وثنائك وعرفتنى مشرق آياتك وجعلتنى خاضعاً
لربوبيّتك وخاشعاً لالوهيّتك ومعترفاً بما نطق به لسان عظمتك .
ثم يقوم ويقول :

الهي الهى عصياني انقض ظهري وغفلتي اهلكتنى كلّما اتفكر في سوء عملي وحسن عملك
يذوب كبدي ويغلي الدّم في عروقي وجمالك يا مقصود العالم انّ الوجه يستحي ان يتوجّه
اليك وايادي الرّجاء تخجل ان ترتفع الى سماء كرمك ترى يا الهى عبراتي تمنعني عن
الذكر والثناء ياربّ العرش والثرى اسئلك بآيات ملكوتك واسرار جبروتك بان تعمل باولياك
ما ينبغي لحدودك يا مالك الوجود وبليق لفضلك يا سلطان الغيب والشّهود .
ثم يكبر ثلاث مرّات ويسجد ويقول :

لك الحمد يا الهنا بما انزلت لنا ما يقربنا اليك ويرزقنا كل خير انزلته في كتبك وزبرك اي
ربّ نسئلك بأن تحفظنا من جنود الظنون والاهام لا اله الا انت العزيز العلام .

ثم يرفع رأسه يقعد ويقول :

اشهد يا الهى بما شهد به اصفياك واعترف بما اعترف به اهل الفردوس الاعلى والجنّة
العليا والّذين طافوا عرشك العظيم الملك والملكوت لك يا اله العالمين .

صلوة وسطی

شهد الله انه لا اله الا هو له الامر والخلق قد اظهر مشرق الظهور ومكلم الطور الذي به انار الافق الاعلى ونطقت سدره المنتهى وارتفع النداء بين الارض والسماة قد اتى المالك الملك والملكوت والعزة والجبروت لله مولى الورى ومالك العرش والثرى .

ثم يركع ويقول :

سبحانك عن ذكرى وذكرد ونى وصفى و وصف من فى السموات والارض .

ثم يقوم للقنوت ويقول :

يا الهى لا تخيب من تشيت بانامل الرجاء باذيال رحمتك وفضلك يا ارحم الراحمين .

ثم يقعد ويقول :

اشهد بوحدانيتك وفردانيتك وبانك انت الله لا اله الا انت قد اظهرت امرک و وقيت بعهدک وفتحت باب فضلک على من فى السموات والارض والصلوة والسلام والتكبير والبهاء على اولياک الذين ماضعتهم شئون الخلق عن الاقبال اليک وانفقوا ما عندهم رجاء ما عندک انتک انت الغفور الکریم .

اگر نفسى مقام آيه كبيره

" شهد الله انه لا اله الا هو لمهيم القیوم " قرائت نماید کافی است .

وهمجنین در قعود :

" اشهد بوحدانيتك وفردانيتك وبانك انت الله لا اله الا انت " کافی است .

و صلوة اخرى حين زوال قرائت نماید

اشهد يا الهى بانك خلقتنى لعرفانك وعبادتك اشهد فى هذا الحين بعجزى وقوتك وضعفى واقتدارك ونقرى وغنائك لا اله الا انت المهيم القیوم .

فصل دوم - روزه

جمال قدم جل كبرياءه در كتاب اقدس ميفرمايند قوله تعالى :

" يا قلم الاعلى قل يا ملاء الانشاء قد كتبنا عليكم الصيام اياماً معدودات . آيه ۴ .

مضمون بيان مبارك بفارسی این است " اى اهل عالم ما روزه را در ايام معين براى شما مقرر داشتيم " انتهى .

بدون اينکه حاجتى بذكر اهميت اين فريضة محتومه باشد به مراتب زير در مورد صوم اشاره ميشود .

۱ - طبق آيه مبارکه ۴۳ كتاب مستطاب اقدس ميقات روزه شهر العلاء آخرين ماه هر سال از تاريخ بديع يعنى ۱۹ روز به عيد نوروز مانده است که متعاقب ايامها آغاز ميشود لسان عظمت در لوح حاج كاظم نساج باين بيان احدى ناطق قوله تعالى :

" قد كتب لكم الصيام فى شهر العلاء صوم الوجه ربكم العزيز المتعال " گنجينه حدود و

احکام صفحه ۳۶ .

۲- حد روزه در این دور بدیع از طلوع تا غروب آفتاب است و در این فاصله صائم باید از خوردن و نوشیدن مطلقاً پرهیز نماید و از ارتکاب اعمال ناپسند خویشتن را دورنگاهد^{ارد} حضرت عبد البهاء ارواح العالمین لعنایاته الفداه در این مقام میفرمایند :

"ای سائل صوم عبارت از کف نفس است از جمیع مآکولات و مشروبات، خان از جمله مشروبات است و انسان نباید لسان را بکلمات فظیحه بیالاید" انتهى .

نقل از لوح حاج میرزا آقا محمد جهرمی . گنجینه حدود و احکام صفحه ۴۵ .

۳- در مورد نفوسیکه از روزه گرفتن معافند در کتاب اقدس نازل قوله تعالی :

"ليس على المسافر والمريض والحامل والمرضع من حرج عفى الله عنهم فضلاً من عنده انه له والعزیز الوهاب"

آیه ۴۴ مضمون آیه مبارک بفارسی چنین است :

"بر مسافر و مریض و زن حامله و زن شیرده روزه نگرفتن گناهی نمی باشد و خداوند بصرف فضل آنها را از روزه گرفتن معاف نموده است." انتهى

همچنین نفوسیکه در ماه صیام بکارهای سخت و پیرزحمت اشتغال دارند از روزه داری معافند در باره این نفوس در رساله سؤال و جواب نازل قوله العزیز :

"صیام نفوس مذکوره عفو شده ولیکن در آن ایام قناعت و ستر لاجل احترام حکم الله و مقام صوم اولی و احب. انتهى

و نیز بموجب آیه ۲۴ کتاب مستطاب اقدس نفوسیکه در نتیجه استیلاى امراض ضعیف و ناتوانی دارند یا سن آنها از هفتاد گذشته مطلقاً مشمول عفو الهی هستند .

۴- در باره معافیت مسافر سواره و تعیین حد سفر در رساله سؤال و جواب نازل . قوله

الکریم :

"تعیین سفر نه ساعت از قرار ساعت مصنوع و اگر مسافر در رجائی توقف کند و معین باشد توقف او تا یک شهر بیان باید صائم شود و اگر اقل از یک شهر باشد صوم بر آن نیست و اگر در بین شهر صوم وارد شود بجائیکه یک شهر بیانی در آنجا توقف مینماید باید سه روز افطار کند و بعد از آن مابقی ایام صوم را صائم شود و اگر بوطن خود رسد که در اقامه در آنجا بوده است باید همان یوم اول ورود صائم شود" و نیز میفرمایند :

"و یومیکه قصد سفر مینماید آن یوم صوم جائز نه . انتهى

و در حد صوم مسافر پیاده میفرمایند . قوله تعالی :

"حد آن دو ساعت مقرر شده اگر بیشتر شود افطار جائز" انتهى .

۵- و از جمله اموریکه اهل بهاء در آن هنگام از روزه داری معافند تقارن ایام صیام

باعید مبعث و عید مولود است در رساله سؤال و جواب نازل قوله الحکیم :

"اگر عید مولود و یا میعت د رآیم صیام واقع شود حکم صوم د رآن بوم مرتفع است" انتهى .
 ۶- گروه دیگر مشمولین عفو از نماز و روزه نسوانند در اوقات جریان عادت . تکلیف شرعی آنان د راین موقع آنست که از زوال بزوال وضو گرفته و به تسبیح حق تعالی بپردازند و نود و پنج مرتبه آیه مبارکه زیر را تلاوت نمایند .
 " سبحان الله ذی الطلعة والجمال " انتهى .
 آیه ۳۱ کتاب مستطاب اقدس .

فصل سوم - در حج بیت

د ر کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :
 " قد حکم الله لمن استطاع منکم حجّ البيت دون النساء عفی الله عنهنّ رحمةً من عنده انه لهما المعطى الوهاب " آیه ۶۸ . مضمون بیان مبارک بفارسی چنین است :
 " خداوند برای آنها تیکه استطاعت دارند ، غیر از زنان ، حجّ بیت را مقرر فرموده است حق تعالی بصرف رحمت خود زنان را از انجام این فریضه عفو فرموده است " انتهى .
 بنصّ قاطع الهی محل حجّ بیت اعظم در بغداد و بیت حضرت ربّ اعلی در شیراز است و تشرّف بیگی از این دو مکان مقدّس به نیت انجام فریضه حجّ و اجرای اعمال آن که از قلم اعلی در رسوره حجّ و آثار مبارکه دیگر نازل شده جهت ادای وظیفه شرعی کافی است .
 در رساله سؤال و جواب نازل :

س - د ر کتاب اقدس نهی از حلق رأس شده و د رسوره حجّ امر به آن .
 ج - جمیع ما مورند به کتاب اقدس آنچه د رآن نازل آنست حکم الهی مابین عیاد و حلق - رأس از قاصدین بیت عفو شده . انتهى .

فصل چهارم - کلّ ملزم با اشتغال به کسب و کارند

جمال قدم د ر کتاب مستطاب اقدس میفرمایند قوله تعالی : " یا اهل البهائم قد وجب علی کلّ واحد منکم الاشتغال بامر من الامور من الصنایع والاقتراف و امثالها وجعلنا اشتغالکم بها نفس العیادة لله الحق تفکروا یا قوم فی رحمة الله والطافه ثم اشکروه فی العشیّ والاشراق " . آیه ۶۹ .
 مضمون آیه مبارکه فوق بفارسی چنین است :

ای اهل بهائم برهبریک از شما اشتغال بامری او امور از صنایع و کسب و کار و امثال آن واجب شده است و ما اشتغال شما را نفس پرستش حق تعالی مقرر داشته ایم . انتهى .
 الواح و آثار مبارکه پرو مشحون از اهمیت اشتغال بحرف و صنایع ومد اومت بکار و کوشش جهت کسب معیشت و احتراز از تزییع اوقات به افعال و تنبلی و کسالت است حضرت مولی الوری

د رلوح میرزا علی محمد خان از اهل فارس بیان رشیقی میفرمایند که عیناً در خاتمه این - فصل درج میشود .
لیکون ختامه مسک .

قوله جلّ ثنائه "جمعی الان در این جهانند و بظاهر و باطن سرگشته و پیریشان و مهممل و معطل و بارگران بر سایر ناس . بصنعتی مشغول نشوند و بکار و کسبی ما لوف نگردند و خود را از آزادگان شمردند . . . اینگونه نفوس مهمله البته مقبول نه زیرا هر نفسی باید کار و کسب و صنعتی پیش گیرد تا او بار دیگران را حمل نماید نه اینکه خود حمل ثقیل شود و مانند علت کابوس مستولی گردد" انتهى . صفحه ۷۴ گنجینه حدود و احکام .

فصل پنجم - در طهارت و پاکی

د کتاب مستطاب اقدس این آیات در ریات از قلم اعلی نازل قوله تعالی :

"تمسکوا باللطافه فیکلّ الاحوال لثلاً تقع العیون علی ما تکرهه انفسکم و اهل الفردوس و - الذی تجاوز عنها یحیط عمله فی الحین وان کان له عذر یعف الله عنه انه هو العزیز - الکریم آیه ۱۱۲"

که مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است :

در حال بپاکیزگی و لطافت تمسک نمائید که مباد اجیزهائی را مشاهده کنید که شما و اهل فردوس اعلی از آن کراهت دارند . کسی که از لطافت و پاکیزگی برخوردار نباشد اعمالش بی اثر و نتیجه خواهد بود اما در صورتیکه عذر موجهی برای او باشد مورد عفو و بخشش الهی قرار خواهد گرفت . " انتهى

در مورد رعایت پاکی و نظافت و تأثیر آن در سلامت جسم و اعتلای روح و علویت عالم انسانی و ترقی حقایق امکانی تأکیدات ربّانی فراوان و از حدّ اجزاء خارج است جمال اقدس الهی در لوحی که در صفحه ۷۸ گنجینه حدود و احکام مندرج است میفرمایند .
قوله الکریم :

"کونوا فی غایة اللطافه انّ الذی لیس له لطافه لن یجد نفحات الرحمن ولا یستأنس معه اهل الرضوان اتقوا الله ولا تكون من الجاهلین . انتهى

و حضرت عبدالبهاء سنین آیات الهی در این مقام میفرمایند :

"از جمله شئون جسمانی که تعلق و تأثیر در مراتب روحانی دارد نظافت و لطافت و طهارت است . " انتهى

گنجینه حدود و احکام صفحه ۷۸

به چند فقره از احکام و واجبات شرعی که در رساله نظافت و پاکیزگی نازل شده و اهل بهاء ملزم و مکلف بانجام فرائض مذکور میباشند . ذیلاً اشاره میگردد .
۱ - پوشاک و لباس اهل بهاء در احوال مناجات و دعا باید پاک و آلوده به کثافات و

- اوساخ نباشد زیرا دعای آنان در چنین شرائطی یا جابت حق نافر نمیشود و اهل ملائکه
اعلی از چنین نفوس اجتناب مینمایند .
- ۲ - استعمال آب آلوده و ناپاک جایز نیست و آب بکرکه خواص سه گانه یعنی طعم رنگ
و بوی آن تغییر نکرده و بر فطرت اصلی خود بوده باشد باید مورد استفاده قرار گیرد .
- ۳ - استحمام باید با آب دست نخورده و پاک صورت گیرد .
- ۴ - گرفتن و کوتاه کردن ناخن ها و استحمام و شستشوی بدن لا اقل هر هفته یک بار
واجب است . آیه ۲۴۷ کتاب مستطاب اقدس .
- ۵ - شستشوی پاها در تابستان هر روز و در زمستان هر سه روز یکبار واجب و همچنین
استعمال عطر و گلاب امری مدوح و مقبول و پسندیده است . آیه های ۱۷۹ و ۳۶۹ کتاب
مستطاب اقدس .

فصل ششم - در تربیت و تعلیم

لسان عظمت در وجوب تربیت و تعلیم در کتاب مستطاب اقدس ام الكتاب آئین بهائسی
میفرماید . قوله تبارک و تعالی "کتب علی کل اب تربیة ابنه و بنته بالعلم و الخط و د و نهما
عما حدّ د فی اللّوح و الذی ترک ما امر به فلا مناه ان یاخذوا منه ما یكون لازماً لتربیتهما
ان کان غنیاً و الا یرجع الی بیت العدل انا جعلناه مأوی الفقراء و المساکین" آیه های
۱۱۶ و ۱۱۵ - مضمون بیان مبارک بفارسی چنین است:

بر هر پدری فرض و واجب گردیده که پسر و دختر خود را بعلم و خط و آنچه که در الواح نازل
شده تربیت نماید اگر پدری در آنچه که به آن مأمور گردیده اهمال ورزد باید امنای الهی
مخارج تعلیم و تربیت اولاد وی را از او اخذ نموده و باین امر اقدام کنند و اگر والد استطاعت
مالی نداشته باشد تعلیم و تربیت فرزندان وی برعهده بیت العدل است که ما آنرا پناهگاه
فقرا و مستمندان قرار داده ایم . حضرت بهاء الله جل اسمه تربیت را وسیله اعظم از برای
حفظ اهل عالم و هدایت امم بشاهراه ترقی و کمال توصیف فرموده و نفس مقدّس خویش را امرت
عالم انسان معرفی نموده اند . در این آئین یزدانی آداب و اخلاق و سجایای روحانی را
مقامی برتر و قدر و منزلتی بیشتر از علوم و کمالات ظاهری عنایت شده و اهمیت آن بقدری -
مورد توجه و مطمح نظر حق سبحانه و تعالی بوده که میفرماید "اگر والد در این امر اعظم
که از قلم مالک قدم در کتاب اقدس نازل شده غفلت نماید حق پدری ساقط شود و لدی الله
از مقصرین محسوب" صفحه ۸۸ گنجینه حدود و احکام .

در باره تربیت و تقدّم آن بر تعلیم در لوح آقا محمد ابراهیم نجّار قمی نازل قوله العزیز:

تربیت و آداب اعظم از تحصیل علوم است طفل طیب و طاهر و خوش طینت و خوش اخلاق ولو
جاهل باشد بهتر از طفل بی ادب کثیف بد اخلاق ولو در جمیع فنون ماهر گردد زیرا طفل

خوشرفتار نافع است ولو جاهل و طفل بد اخلاق ناسد و مضر است ولو عالم ولی اگر علم و ادب
 هرد و بیاموزد نور علی نور گردد . انتہی . گنجینه حد و احکام صفحه ۸۷
 شگنی نیست کہ علوم متد اولہ عصر علی الخصوص علوم
 نافع و مترقی کہ مفتاح کشف اسرار طبیعت و ضامن خیر و سعادت بندگان حضرت احدیت
 میباشد بفرمودہ حضرت عبدالبہاء ارواحنا فداه اعظم منقبت عالم انسانی و مدار برتری و
 امتیاز وی از حیوان است در لوح د کتر نورال از قلم مرکز میثاق نازل قوله العزیز:
 " ما علم و حکمت را اساس ترقی عالم انسانی مید انیم و فلاسفہ و وسیع النظر راستایش می نمائیم"
 در بیان این فصل توجہ باین نکته مهم ضروری است کہ در دیانت بهائی تعلیم و تربیت
 دختران ارجح و الزم از تربیت پسران است حضرت مولی الوری در لوح تعلیم و تربیت
 می فرماید " زیرا این بنات وقتی آید کہ مادر گردند و ازل مربی طفل ماد راست" انتہی .

فصل ہفتم - حقوق اللہ

در کتاب اقدس نازل . قوله تعالی :

"والذی تملک ماہ مثقال من الذہب فتسعة عشر مثقالاً لله فاطر الارض والسماء ایاکم یا قوم
 ان تمنحوا انفسکم عن هذا الفضل العظیم قد امرناکم بهذا بعد از کنا غنیاً عنکم وعن کل
 من فی السموات والارضین" آیه های ۲۲۷ و ۲۲۸ .
 مضمون بیان حق جلّ شأنه بفارسی چنین است :

"کسی کہ صد مثقال طلا دارا شود نوزده مثقال آن از آن پروردگار عالمیان است ای -
 بندگان مبادا خود را از این فضل اعظم بازدارید ما شما را بادای حقوق اللہ امر کرده
 در حالیکہ از شما آنچه در جهان است بی نیازیم ."

در دیانت بهائی این مبلغ حقوق اللہ نامیده میشود و حدّ آن نوزده مثقال طلا با
 احتساب هر مثقال نوزده نخود است .

تبصره : در اوزان و مقیاسات کشوری هر مثقال ۲۴ نخود یا $\frac{1}{16}$ سیراست (سیر ۷۵ گرم است)
 ولی حضرت اعلی ارواح الوجود لمظلومیته الفداء دستور فرمودند هر مثقال را نوزده نخود
 محاسبه نمایند کہ عیناً بقبول جمال قدم نائز وهم اکنون بدان نحو عمل میشود .
 درباره حقوق اللہ نکات مشروحه زیر کہ از آثار مبارکہ الهیه استخراج و تلخیص شده درج -
 میگردد .

۱ - هرگاه شخصی دارای نقودی بارزش نوزده مثقال طلا باشد یا قیمت اموال و دارائی او
 معادل بهائی نوزده مثقال طلا گردد پس از کسر مخارج سالیانه باید صدی نوزده آنرا
 بعنوان حقوق اللہ به مرجع امر بپردازد .

۲ - بر اموال و وجوه نقدی کہ حقوق آن یکبار پرداخت شده حقی تعلق نمیگیرد مگر

آنکه منافع حاصله از معامله و تجارت برآن اضا نه شود و بحد نصاب صجّد برسند یا اینکه مال و وجه نقد موصوف عیناً بشخص دیگری انتقال یابد که در اینصورت حکم حقوق برآن شمول خواهد یافت.

۳- اگر شخصی مبلغی وجه نقد داشته باشد و حقوق آنرا داده باشد و این مبلغ در نتیجه ضرر و زیان ناشیه از کسب و تجارت کاهش یابد یا کلاً از بین برود ولی بعد هادر نتیجه فعالیت و رونق در داد و ستد مبلغ مذکور عیناً تحصیل شود دیگر حقوق بآن تعلق نمی گیرد و از پرداخت حقوق معاف است.

۴- بیت مسکون و اسباب آن از احتیاجات ضروری هر فردی است همچنین لوازم کسب و معیشت مشمول حکم حقوق نمی باشند. این معافیت شامل اسباب محل کسب و تجارت و آلات و ادوات زراعت حتی حیواناتی که برای امر کشاورزی و فلاحت مورد نیاز است می باشد.

۵- مطالب و تکلیف احبّاء برادای حقوق جایز نیست هر نفسی باید بشخصه حقوق متعلقه بما یملک خویش را در کمال صداقت محاسبه نموده و بمیل و رغبت پرداخت نماید از قلم جمال قدم در این مقام نازل. قوله تعالی:

"ادای حقوق برکل فرض است و حکمش از قلم اعلی در کتاب نازل و ثابت و لکن اظهار و اصرار ابداً جایز نه هر نفسی موفق شود برادای آن و بپروغ و ریحان برساند مقبول است و الا فلا. انتهی. صفحه ۱۰۶ گنجینه حدود و احکام.

۶- دخل و تصرف در وجوهی که تحت عنوان حقوق الله تقدیم میگردد بدون اذن و اجازه مرجع امر که در این آیام بنص قاطع ربّانی بیت العدل اعظم الهی است جایز نمیباشد.

فصل هشتم - ارث و احکام آن

حق سبحانه و تعالی در کتاب مستطاب اقدس میفرماید: قوله الحکیم:

"قد فرض لكل نفس كتاب الوصية وله ان يزين رأسه بالاسم الاعظم ويعترف فيه بوحده انية الله في مظهر ظهوره ويذكر فيه ما اراد من المعروف ليشهد له في عوالم الامر والخلق ويكون له كنزاً عند ربّه الحافظ الامين" آیه ۲۵۵.

مضمون آیه مذکور بفارسی چنین است:

برهر نفسی نوشتن وصیت نامه فرض گردیده و بر اوست که آنرا باسم اعظم آغازودر آن - بوحده انیت و یکتائی حق جلّ جلاله در مظهر ظهورش اقرار و اعتراف نماید و سپس آنچه که می خواهد و اراده دارد در آن ذکر کند تا در عوالم امر و خلق برای او گواه و در نزد پروردگار عالمیان از برای او کنز رستگاری و فلاح بوده باشد. انتهی

برای تبیین جزئیات این حکم و نحوه تقسیم ارث در بین بازماندگان بنکات زیر که از آثار مبارکه الهیه استخراج گردیده است اشاره میشود.

۱- هر نفسی آزاد و مخیر است که در زمان حیات خویش د ارائی و مایملک خویش رابه هرکسی که بخواهد از وراثت و د و ن آن مصالحه کند و بپاید و ن عوض (هبه) به بخشد مشروط بر اینکه موصی از عقل سلیم بهره مند بوده و اختلال مشاعر نداشته باشد .

۲- هرگاه شخصی وصیت نماید که بعد از وفات او ماترکش صرفاً د امور خیریه مصرف شود چنانچه حقوق مایملک خود را داده باشد و حقی از مردم بردمه او نباشد بعد از آن وضع مخارج حمل و کفن و دفن عیناً مطابق وصیت وی رفتار میشود .

۳- ماترک متصاعد بن الی الله طبق وصیت نامه آنان که باید در زمان حیات تنظیم و یک نسخه آن تسلیم محفل روحانی محل گردد بین وراثت قسمت میشود ولی چنانچه از متوفی وصیت نامه برجای نمانده باشد اموال و مایملک با و به ۲۵۲۰ سهم (این عدد جامع کسور تسعه است) تقسیم میشود و هر قسمت طبق جدول زیر به هفت طبقه از وراثت تعلق می گیرد.

۱- فرزندان	۱۰۸۰ سهم
۲- زن یا شوهر	۳۹۰ "
۳- پدر	۳۳۰ "
۴- مادر	۲۷۰ "
۵- برادر	۲۱۰ "
۶- خواهر	۱۵۰ "
۷- معلّم	۹۰ "

جمع ۲۵۲۰ سهم

اگر معلّم از اهل بهاء نباشد ارث نمی برد و اگر تعداد آنها زیاد باشد سهم مربوط - بالسویه بین آنها قسمت میشود و اگر فوت نموده باشد د وثلث سهم الارث معلّم بفرزندان متوفی و یک ثلث به بیتالعدل راجع میگردد .

۴- د کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :

" من مات ولم یکن له ذریه ترجع حقوقهم الی بیت العدل لیصرفوها اماناً الرحمن فی الایتام و الارامل و ما ینتفع جمهور الناس لیشکروا ربهم العزیز الغفار آیه ۵۳ .
مضمون آیه مبارک بفارسی چنین است :

اگر کسی فوت نماید و صاحب فرزندی نباشد سهم الارثش به بیت العدل تعلق میگیرد تا امانای رحمان آنها برای رفاه حال یتیمان و بیوه زنان و در سبیل منافع عمومی بمصرف رسانند . انتهى

۵- اگر نفسی فوت نماید و از طبقات هفت گانه فقط ذریه داشته باشد $\frac{۲}{۳}$ سهم الارث شش طبقه دیگر به ذریه (فرزندان) میرسد و $\frac{۱}{۳}$ آن به بیت العدل . همچنین

هرکدام از سایر وراثت نباشد و ثلث سهم الارثش به ذریه می‌رسد و ثلث باقیمانده به بیت العدل .

۶- هرگاه متوفی وارثی نداشته باشد $\frac{1}{3}$ از ماترک به خویشان نزدیک و $\frac{1}{3}$ به بیت العدل می‌رسد (در آیه ۵۵ کتاب مستطاب اقدس نام خویشان نزدیک ذکر شده است) .

۷- اگر متصاعد الی الله احدی از نفوسیکه نام آنها در کتاب الهی ذکر شده اعم از طبقات هفتگانه یا خویشان و منتسبین نداشته باشد همه اموال و ماترک او به بیت العدل راجع می‌شود .

۸- خانه مسکونی و البسه مخصوص متوفی با رشد اولاد ذکور (ولد بکر) که در رطل شر ربانی و مؤمن باشد تعلق می‌گیرد و البسه مستعلمه مادر بالسویه بین دختران قسمت می‌شود . حضرت عبدالبها ارواحنا فداه میفرمایند :

" و مراد از ولد بکر بزرگترین اولاد ذکور موجود است و مقصود از اختصاص دارمسکونه باو این است که اقلأ خانه متوفی باقی و برقرار ماند تا عاقله چون در آن خانه باشند و یا وارد گردند بیاد او افتند و طلب عفو و غفران نمایند . (صفحه ۱۲۶ گنجینه حدود و احکام) .

۹- هرگاه متوفی اولاد ذکور نداشته باشد $\frac{2}{3}$ خانه و البسه مخصوص بفرزندان اناث تعلق می‌گیرد و $\frac{1}{3}$ به بیت العدل .

۱۰- بموجب آیه ۵۸ کتاب مستطاب اقدس کسیکه در زمان حیات پدرش فوت نماید فرزندان او آنچه که به پدرش از پدر بزرگ تعلق میگرفت باث می‌برند و سهم پدر بین آنها بتساوی قسمت می‌شود .

۱۱- اگر دختری در ایام حیات پدر فوت نماید میراث او از ماترک پدر بحکم کتاب بطبقات هفت گانه می‌رسد .

۱۲- چنانچه فرزندان متصاعدین الی الله کم سن و صغیر باشند مادام که بسن رشد نرسیده و کبیر نشده‌اند قسمت آنها به شخص امین و مورد اعتماد یا بشرکتی سپرده میشود تا با آن کسب و تجارت نماید . ضمناً از منافع حاصله حقی نیز برای شخص امین مقرر میگردد .

فصل نهم - تشییع و دفن اموات

در باره آداب کفن و دفن متصاعدین الی الله در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :
 "وان تکفونه فی خمسة اثار من الحریر او القطن من لم یستطع یکتفی بواحدة منهما کذلک
 قضی الامر من لدن علیم خبیر" آیه ۳۰۲

مضمون بیان مبارک بفارسی چنین است :

" میت را در پنج پارچه از حریر یا پنبه بپوشانید و در صورت عدم استطاعت یک پارچه از آن و

کافی است." انتهى

در مورد کفن و دفن اموات توجه به نکات زیر که منحصی از اوامر و دستورات منصوصه الهیه است ضروری است:

۱- مقصود از پنج ثوب پنج جامه سرتاسری جوف هم نیست بلکه کفن پنج پارچه است.
 ۲- چنانچه میت کبیر باشد در دست او انگشتری باید کرد که در روی آن آیه مبارکه زیر نقش شده باشد. : قد بدئت من الله ورجعت الیه منقطعاً عما سواه و متمسکاً باسمه الرحمن الرحیم" آیه ۳۰۰ کتاب مستطاب اقدس.

۳- صلوة میت پس از غسل و کفن جنازه بصورت جماعت و ایستاده رو بقبله اقامه میشود نماز میت شامل مناجاتی است صادره از یراعه جمال قدم و شش تکبیر که در عرف اهل بهاء الله ابهی است و سپس تلاوت نوزده مرتبه انا کل لله عابدون - نوزده مرتبه انا کل لله ساجدون - نوزده مرتبه انا کل لله قانتون - نوزده مرتبه انا کل لله ذاکرون نوزده مرتبه انا کل لله شاكرون - نوزده مرتبه انا کل لله صابرون اگر در محلی شخص باسواد یافت نشود قرائت مناجات قبل از تکبیرات راحق جلّ جلاله عفو فرموده است.

۴- اجساد متصا عدین قبل از دفن در صندوق هائی از بلور یا سنگ یا سیمان یا چوبهای محکم و ظریف جای داده شده و سپس بخاک سپرده میشود.
 ۵- طبق نهن مبارک صلوة میت مخصوص کبار است و برای خرد سالان و صغار نماز اقامه نمیشود.

۶- محل دفن میت تا شهر که موت در آن اتفاق افتاده نباید از یک ساعت مسافت تجاوز نماید.

فصل دهم - ازدواج در دیانت بهائیی

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی:

"تزوجوا یا قوم لیظهر منکم من یدکرنی بین عبادی هذا من امری علیکم اتخذه لانفسکم معیناً." آیه ۱۴۳

مضمون آیه شریفه فوق بفارسی چنین است:

"ازدواج نمائید ای مردم تا ظاهر شوند از شما نفوسی که بذاکر و عبادت حق در زمین خلق بردارند این امر من بر شما است آنرا برای خود مدد بگیرید." انتهى

در امر بهائی ازدواج تنها ارتباط جسمانی و موقت در این جهان فانی نیست بلکه یک تلازم و رابطه معنوی و یک پیوند مقدّس دائمی میان زن و شوهر است. زناشوئی در دیانت بهائی ساده و از تشریفات و شرایط سنگین معمول و متداول امروزه دور است. نبذهای از تعالیم و احکام نکاح که از نصوص مبارکه اقتباس و ترجمه و تلخیص شده ذیلاً

درج میگردد :

۱- در دیانت بهائی ازدواج از مندوبات است یعنی امری مستحب و معدوم و خوبستندیده بوده ولی از واجبات احکام بشمار نمی رود .

۲- وصلت و زناشویی اهل بها یا پیروان کلیه ادیان و مذاهب و طوایف عالم آزاد و بلا مانع است .

۳- پس از تراضی طرفین رضایت ابوبن آنها شرط اصلی انجام مراسم ازدواج در امر بهائی است و بدون حصول این توافق عقد صورت نمی گیرد . این حکم در مواردی که یکی ازدو طرف بهائی نباشد نیز ملحوظ و لازم الاجراست .

۴- نامزد کردن دختران و پسران قبل از ورود بسن بلوغ شرعی در امر مبارک حرام است . همچنین وقتی با اجتماع شرایط و جلب رضایت پدر و مادر طرفین وصلت بین دو فرد تحقق یافت و این امر بطور جدی و رسمی در بین اقربا و خویشاوندان اعلان گردد باید به فاصله نود و پنج روز خطبه عقد جاری و مهتر تسلیم و زفاف انجام شود . حضرت عبدالبهاء میفرمایند قوله العزیز: چون طرفین و ابوبن راضی شدند و اقتران تقرر یافت باید بعد از نود و پنج روز حکماً زفاف واقع گردد تا خیر نشود " انتهی صفحه ۱۶۶ گنجینه حدود احکام .

۵- داماد شدن در امر مبارک با تسلیم مهر از طرف زوج به زوجة تحقق مییابد میزان مهر برای ساکنین مدن (شهرها) از یک تا پنج واحد طلا و برای قراء و قصبات از یک تا پنج واحد نقره است (ملاک تعیین مهر از نظر طلا یا نقره اقامت زوج در شهر یا قریه است و سکونت زوجة در هر کجا باشد تا ثیری در این امر ندارد) .

تبصره- طبق نصوص مبارکه الهیه در مهر قناعت بدرجه اولی احب است یعنی تسلیم یک واحد (نوزده مثقال) نقره چه در شهرها و چه در قراء و قصبات در صورت توافق طرفین مقبول ساحت حق و مرضی درگاه الهی است .

۶- عقد طبق مندوبات قباله نکاح که از طرف محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران تنظیم و مورد تصویب حضرت ولی امرالله واقع شده انجام میگیرد و شامل خطبه عقد یک مناجات و آیتین انا لله را ضون و انا لله را ضیات است که زوج و زوجة در محضر شهود باخواندن آیات فوق رضایت خود را اعلام میدارند و در پایان قباله محلی از برای امضاء - شهود و تصدیق محفل روحانی محل در نظر گرفته شده است .

۷- نکاح در وزن در زمان واحد مستلزم اجرای عدالت و مشروط بشرط محال بوده و - صریحاً در امر مبارک نهی شده است .

۸- زواج عقیدت یا نکاح موقت که معروف بنکاح متعه (صیغه) می باشد در این شرع الهی حرام است و طریقه اهل بها پرهیز از هوس و هوی و تمسک بعروة الوثقای طهارت و تقوی است .

۹ - فاصله بین زوج و زوجه از نظر خویشی و قرابت هرچه د ورتربنسل قوی تر و اعمسده سلامت و سعادت افراد محکم و استوارتر خواهد بود . حضرت عبد البهاء د رلوح صد رالعلماء فریدنی می فرمایند :

" در افتران هرچه د ورترب موافق تر زیرا بعد نسب و خویشی بین زوج و زوجه مد ارضت بنیه بشر و اسباب الفت بین نوع انسانی است" انتهى .
(گنجینه حد و احکام صفحه ۱۸۵ .

فصل یازدهم - طلاق

د ر کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :

" ان الله احب الوصل والوفاق و ابغض الفصل والطلاق عاشروا یا قوم بالروح والریحان لعمری سیننی من فی الامکان وما یبقی هو العمل الطیب وکان الله علی ما قول شهیداً" آیه
۰ ۱۵۸

مضمون آیه مبارک بفارسی چنین است: "خداوند همبستگی و سازگاری زاد وست میدارد و از جدائی و طلاق بیزار است. ای مردمان بایکدی یگر بروح و ریحان معاشرت نماید قسم بجانم آنچه د ر عالم است بزودی نانی خواهد شد و آنچه باقی و برقرار خواهد ماند همانا عمل پاک و کردار پسندیده می باشد . انتهى .

درد یا نتمبهای طلاق عملی بسیار ناپسند و مذموم بشمار آمده و د ر نکوهش آن از یراعه شارع امر و قلم مرکز میثاق و لسان ولی امر ممتاز بیانات متعالیه نازل و اثرات نامطلوب و عوا و خیم آن که مخرب اساس خانواده ها و هاد م بنیان جوامع بشری است بطور وضوح تشریح و تبیین گردیده و اجرای این حکم بجز د ر موارد خیلی نادر و استثنائی ممنوع شده است و خلاصه قسمتی از احکام طلاق که از نصوص مبارکه اقتباس شده ذیلاً د رج میگردند :

۱ - حکم طلاق مشروط بموافقت و تصویب محافل مقدسه روحانیه د ر هر نقطه است کسه پس از بررسی و تحقیقات لازم چنانچه چاره منحصر بفرد د ر جدائی و قطع مواصلت بین زوج و زوجه باشد نسبت بصدور آن اقدام میفرمایند .

۲ - تقاضای طلاق رامیتواند هریک از زوجین به محفل مقدس روحانی محل خویش تسلیم نماید .

۳ - پس از رسیدگی به تقاضای طلاق د ر محفل روحانی محل و تأیید عدم امکان سازش و آشتی و ثبت تاریخ اصطبار، زوج و زوجه باید یکسال کامل جدا از هم زندگی نمایند و رابطه زناشوئی نداشته باشند . پس از اتمام یکسال چنانچه رایحه محبت و وداد بین آنها متضوع نشد و موجبات رجوع و آشتی فراهم نگردد طلاق تحقق می یابد و هرکدام از آنها د ر انتخاب همسر د یگر آزاد و مخیر میگردد .

۴ - در مدت اصطبار اعطاء نفقهٔ زوجه بر ذمهٔ زوج است مشروط بر آنکه طلاق باعذر -
موجه شرعی بوده و بعالت ظهور امر منکر و منافی هفت واقع نشده باشد. در این صورت حکم
اصطبار نیز مرتفع و اثبات خلاف که با صدور رای محفل روحانی تحقق می یابد این اجازه را
بزوج میدهد که در صورت تمایل باز دوام میسر نماید.

۵ - پس از آنکه مدت تربیت سپری شد و طلاق تحقق یافت مادام که طرفین زواج با
نفس دیگری وصلت ننموده باشند می توانند با همدیگر ازدواج نمایند مشروط بر آنکه
تشریفات عقد بهائی مجدداً جاری و مهرا از زوج اخذ و به زوجه تسلیم گردد.

فصل دوازدهم - گفتن الله ابهی

۹۵ مرتبه در روز

هر فرد مؤمن و متمسک با احکام الهی موظف است هر روز دست و صورت خود را شسته
و رو بقبله نشیند و ۹۵ مرتبه الله ابهی بگوید. انجام این فریضه با وضوی نماز جایز است
و نیازی به شستن مجدد دست و صورت ندارد. آیه ۴۸ کتاب مستطاب اقدس.

فصل سیزدهم - در زکوة

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی:

"قد كتب عليكم تزكية الاقوات وماذونها بالزکوة هذا ما حکم به منزل الآيات في هذا الرق المنيع"

آیه ۳۵۰.

مضمون آیه مبارک بفارسی چنین است:

پرشما واجب و مقرر گردیده خوراکیها و غیر آن را با دادن زکوة پاک گردانید. در رساله
سؤال و جواب نازل قوله المنيع "در باره زکوة هم امر نمودیم که نازل فی الفرقان عمل
نمایند" انتهى.

فصل چهاردهم - تلاوت آیات

در هر صبح و شام

در کتاب مستطاب اقدس نازل. قوله تعالی:

"اتلوا آیات الله نیکل صباح و مساء ان الذی لم یقل لم یوف بعهد الله و میثاقه. آیه

۳۶۰. مضمون آیه مبارک بفارسی چنین است:

آیات الهی را در هر صبح و شام تلاوت نمائید هر کس تلاوت نکند بعهد و میثاق خداوند
وفان کرده است. در تبیین این مقام در رساله سؤال و جواب می فرمایند. قوله العزیز "مقصود
جميع ما نزل من ملکوت البیان است شرط اعظم میل و محبت نفوس مقدسه است تلاوت آیات

اگر یک آیه و یا یک کلمه بروج و ریحان تلاوت شود بهتر است از قرائت کتب متعدده . " انتهى

فصل پانزدهم - در تجدید اسباب منزل

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالى: "كُتِبَ عَلَيْكُمْ تَجْدِيدُ اسْبَابِ الْبَيْتِ بَعْدَ انْقِضَاءِ تِسْعِ عَشْرَةِ سَنَةً كَذَلِكَ قُضِيَ الْأَمْرُ لِلَّذِينَ عَلِيمٌ خَبِيرَانَهُ ارَادَ تَلطِيفَكُمْ وَمَاعِنْدَكُمْ اتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْغَافِلِينَ وَالَّذِي لَمْ يَسْتَطِعْ عِنَاءَ اللَّهِ عَنْهُ إِنَّهُ لَهَوَالْغَفُورِ الْكَرِيمِ". آیه ۳۶۶ - ۳۶۷ - ۳۶۸ .
مضمون آیه های مبارک بفارسی چنین است:
"تجدید اسباب منزل در هر نوزده سال یکبار فرض و واجب است اراده حق تعالی بر این است که همه کس و همه چیز نظیف و پاکیزه باشد ولی نفوسیکه استطاعت نداشته باشند خداوند آنها را از اجرای این حکم معاف فرموده است: انتهى ."

فصل شانزدهم - ضیافت نوزده روزه

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالى وتقدس: "قَدْ رَقِمَ عَلَيْكُمْ الضِّيَافَةُ فَيَكُلُّ شَهْرَ مَرَّةٍ وَاحِدَةً وَلَوْ بِالْمَاءِ إِنَّ اللَّهَ ارَادَ أَنْ يُوَلِّفَ بَيْنَ الْقُلُوبِ وَلَوْ بِاسْبَابِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ" آیه ۱۳۳
"برپا داشتن ضیافت در هر ماه یکبار برای شما مقرر شده است اراده حق بر این است که بین قلوب بندگان الفت و محبت برقرار فرماید . " انتهى
در رساله سؤال و جواب از وجوب این حکم استفسار شده میفرماید قوله تعالى: "واجب نه" انتهى

فصل هفدهم - شرکت جهت دعا و مناجات در

مشارق الاذکار

جمال قدم در امّ الكتاب باین بیان اجملی ناطق قوله تعالى: "طُوبَى لِمَنْ تَوَجَّهَ إِلَى مَشْرِقِ الْأَذْكَارِ فِي الْأَسْحَارِ ذَاكِرًا مُتَذَكِّرًا مُسْتَغْفِرًا وَإِذَا دَخَلَ تَقَعَّدَ صَامِتًا لِأَصْغَاءِ آيَاتِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ" آیه ۲۶۴ .
مضمون آیه شریفه بفارسی چنین است:
"خوشا بحال نفسیکه در سحرگاهان با حالت تذکر و استغفار به مشرق الاذکار توجه نماید و وقتی که وارد شد از برای شنیدن آیات خداوند ساکت و آرام بنشیند . " انتهى

فصل هیجدهم - لزوم مراجعه

مرضی به طیب حاذق

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی: "اذا مرضتم ارجعوا الی الحذاق من الاطباء انا مارفعنا الاسباب بل اثبتناها من هذا القلم الذی جعله الله مطلع امره المشرق المنیر". آیه ۲۶۲ مضمون آیه مبارک بفارسی چنین است:

"وقتی مریض شدید باطباء حاذق مراجعه نمایند حق جل جلاله عباد خود را از بتوسل باسباب منع نفرموده بلکه اثبات آن را بقلم خود که مطلع امر پرانوار الهی است ثابت و استوار گردانیده است" انتهى.

در باره اهمیت سلامت و حفظ تعادل بدن و رعایت صحت وجود انسانی از قلم اعلیٰ بیانات شتی نازل از آنجمله در لوح ابن اصدق میفرمایند: قوله تبارک: "حکم الله آنکه مریض بتجویز اطباء باید عمل نماید و لکن حکیم باید حاذق باشد در این صورت آنچه امر کند باید بآن عمل نمود چه که حفظ انسان لدی الله ازهر امری اعظم تر است حق جل جلاله علم ابدان را مقدم داشته چه که در وجود و سلامتی آن اجرای احکام بر او لازم و واجب در اینصورت سلامتی مقدم بوده و خواهد بود. انتهى صفحه ۲۴۴ گنجینه حدود و احکام.

فصل نوزدهم - قیام به تبلیغ و نصرت امرالله

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی: "لو یجد احد حلاوة البیان الذی ظهر من فم مشیة الرحمن لینفق ما عنده ولویکون خزائن الارض کلها لیثبت امراً من اوامره المشرقه من افق العنایه والالطاف". آیه ۷ مفهوم آیه مبارک بفارسی چنین است:

"اگر نفسی شیرینی بیان حق را که از فم مشیت او ظاهر شده بیاید آنچه نزد اوست انفاق میکند و لو تمام خزائن روی زمین باشد تا اینکه امری از او امر مشرق از افق الطاف و عنایت خداوندی را به ثبوت رساند" انتهى.

در باره اهمیت تبلیغ و نصرت امر که بموجب نصوص قاطعه الهی افضل و اشرف اعمال نزد غنی متعال است، پس از شناسائی خداوند بی همتا و استقامت در امر حق تعالی هیچ تکلیفی اهم و اعظم از آن نیست تا کلمات بی شمار از قلم اعلیٰ نازل از آنجمله در لوح یوسف اصفهانی میفرمایند: قوله جل و عز:

"الیوم بر کل احبای الهی لازم است که آنی در تبلیغ امر تکامل ننمایند و در کلّ حین به مواعظ حسنه و کلمات لینه ناس را بشریعت عزّ احدیه دعوت نمایند چه اگر نفسی الیوم سبب

هدایت شود اجر شهید فی سبیل الله در نامه عمل او از قلم امر ثبت خواهد شد این است فضل پروردگار تو در باره عباد مبلغین " انتهى
 بانقل قسمتی از بیانات گهربار حضرت ولی امر الله جلّ ثنائه این فصل پایان می پذیرد .
 قوله الاحلی :

" در این دور مبارک تبلیغ امر الله و نشر نجات الله فقط بعهده مبلغین لایق و فصیح
 البیان گذارده نشده زیرا در الواح و آثار مبارکه تصریح گردیده که تبلیغ و تبشیر مخصوص
 طبقه معین از نفوس مانند روحانیون در ادوار قبل نبوده بلکه عموم یاران ثابت باوقای امر
 حضرت بزدان عهد در این امر عظیم هستند و تحدید تبلیغ برای نفوس معدود مخالف
 و مابین بانصوص و تعالیم الهیه است پس در این دور مبارک تبلیغ امر الله وظیفه ایست اجباری
 و عمومی " انتهى .

فصل بیستم - حکم الله در مورد لباس و محاسن و حلق رأس

در کتاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :

" قد رفع الله عنكم حکم الحدّ فی اللباس واللّحی فضلاً من عنده انه لهو الامر العظیم اعملوا
 ما لاتنکره العقول المستقیمة ولا تجعلوا انفسکم ملعب الجاهلین " آیه ۳۸۳ و ۳۸۴ انتهى .
 مضمون بیانات فوق بفارسی چنین است :

" خداوند بفضل خویش حکم محدودیت لباس و ریش را از میان برداشته است . اینک آنچه را
 که عقول سلیمه می پسندد انجام دهید و خود را باز بجهادست جهال نسازید " انتهى .
 و نیز در بشارت هفتم از قلم اعلی نازل گشته قوله تبارک :

" زمام البسه و ترتیب لحي و اصلاح آن در قبضه اختیار عباد گذارده شده و لکن ایاکم یا قوم
 ان تجعلوا انفسکم ملعب الجاهلین . " انتهى .

بموجب آیات مبارکه ۱۰۷ و ۱۰۸ کتاب مستطاب اقدس تراشیدن موی سر جایز نمی باشد و
 تجاوز زلف از حدّ گوش برای رجال ممنوع است حضرت عبدالبهاء در لوح امة الله گوهر تاج
 و رفسنجانی میفرماید " مدام سر را موخلاق شده یقین است که در آن حکمتی است لهذا حلق
 رأس مضرّ است چنانچه طباً و نقلاً این ثابت . انتهى " .
 صفحه ۳۱۳ گنجینه حدود و احکام .

همچنین طبق آیات مبارکه ۲۲ و ۳۸۳ کتاب مستطاب اقدس پوشیدن لباس حریر و استفاده
 از پوست خز و سنجاب حلال و مباح است .

نصل بیست و یکم۔ درحلیت استماع نغمات واصوات

ذ رکاب مستطاب اقدس نازل قوله تعالی :

" انا حللناکم اصغاء الاصوات والتغمت ایاکم ان ینخرجکم الاصغاء عن شأن الادب و الوقار افرحوا بفرح اسمی الاعظم الذی به تولیت الافئدة وانجذبت عقول المقربین . انما جعلناه مرعاة لعروج الارواح الی الافق الاعلی لاتجعلوه جناح النفس والهوی اتی اعوذ ان تكونوا من الجاهلین . آیه ۱۲۰ و ۱۲۱
مضمون بیان مبارک بفارسی چنین است :

" شنیدن نغمه ها و نوها را برای شما حلال کردیم زنده از اینکه شنیدن آن شمارا از شأن ادب و وقار خارج کند بفرح اسم اعظم که محیر قلوب و جاذب عقول مقربان درگاه الهی است سرور و شادمانی کنید .

" ما اصوات و نغمات را نردبان ارتقاء ارواح آدمیان به افق اعلی قرار داده ایم مباد آنرا - بالهای نفس و هوی سازید و در زمره نادانان بشمار آئید . انتهى"

* * * *

تقویم بهائی

"از ملکوت بیان مقصود عالمان نازل شد

آنچه که سبب حیات عالمونجات اسم
است (کتاب عهدی)

مقدمه — تا آنجا که تاریخ و آثار ادوار ماضیه در دست است و از گذشته افراد بشر اطلاع داریم اجتماعات انسانی — در زمانها و مکانهای مختلفه جهت اندازه گیری زمان و تعیین تاریخ حدوث و قایع — روش های گوناگون اتخاذ کرده اند . بطوریکه هم اکنون نیز که روابط بین ملل توسعه و تکامل عجیب یافته در بین — اقوام و ملل عالم و در نقاط مختلفه تقاویم متعددی رایج و متداول است که بعنوان مثال تقویم گریگوری در اروپای غربی تقویم جولینوسی در اغلب ممالک اروپای شرقی — تقویم عبری در بین قوم یهود — تقویم هجری قمری در بین اغلب ممالک اسلامی و تقویم جلالی در بین ایرانیان رامیتوان نام برد .

در زمانه ساله ملل مختلفه یک واقعه مهم تاریخی مانند ظهور مظاهر الهیه جلوس یا سقوط و مرگ پادشاهان خود را بایک حادثه طبیعی مانند زلزله و آتشفشان و خسوف و کسوف و امثالهم رامبدأ تاریخ قرار داده و سایر وقایع رانسبت به آنها توجیه و تعیین میکردند ایرانیان قدیم جلوس پادشاهان را بر تخت سلطنت مبدأ تاریخ قرار داده و پس از سقوط یا مرگ هر پادشاهی مبدأ را عوض کرده و آنرا از آغاز پادشاهی پادشاه جدید حساب مینمودند .

اولین و مهمترین مبدأ تاریخی که بذهن افراد بشر خطور کرده هیبوط آدم بوده است و لکن این مبدأ به حدی باابهام توأم بوده و بعلاوه بدرجهای در بین اقوام و ملل مختلفه تباین و اختلاف عقیده نسبت بآن وجود داشته است که هیچگاه بعنوان یک مبدأ رسمی قطعاً مورد استعمال نیافته و میتوان گفت که از صورت افسانه و داستان خارج نشده است . از جمله مبادی مهم تاریخی که در گذشته ایام در بین ملل عالم رواج داشته و هم اکنون نیز بر سر از آنها متداول است عبارت از ظهور زردشت پیغمبر در تاریخ ایرانیان قبل از اسلام ، تاریخ کلدانی قبطی ، رومی اسکندری ، عبرانی ، یزدگردی ، میلادی ، هجری و جلالی میباشد بطور کلی میتوان گفت که برای اندازه گیری زمان در نوع واحد بکار رفته و میرود :

اول : واحد های اندازه گیری طبیعی که بر مبنای گردش بعضی سیارات منظومه شمسی و تغییرات طبیعی قرار دارد .

دوم : واحد های قراردادی که بوسیله مظاهر الهی یا متغکربین و رؤسای اقوام برقرار شده است .

اول — واحد های طبیعی عبارتند از :

۱ — شبانه روز — که از گردش وضعی زمین بدور محور خود حاصل میشود و باوجود اختلاف

شب و روز در فصول مختلفه بخصوص در قطبین بعنوان یک واحد اندازه گیری زمان بکار میرود.
 ۲- ماه قمری - که عبارت است از فاصله زمانی بین دو حالت متوالی و متحد الشکل ماه
 میباشد (معمولاً بین دو هلال ماه که حد متوسط اندازه آن در سال ۲۹ روز و ۱۲ ساعت و
 ۴۴ دقیقه است).

۳- سال شمسی - که عبارت از مدت زمانی است که کره زمین یکبار بدور خورشید
 میگردد و اندازه واقعی آن ۳۶۵ روز و ۵ ساعت و ۴۸ دقیقه است باید دانست که در عهد
 ماضیه و اعصار سالفه علاوه بر تقسیم زمان و تعیین ماه و سال از روی حرکت ماه و یازمین واحد
 های دیگری نیز با توجه به حرکت سایر سیارات منظومه شمسی وجود داشته که اکنون متروک
 و غیر متداول گردیده اند چنانچه حضرت عبد البهاء جل ذکره در لوحی راجع به مسئله طول
 عمر پیشینیان چنین میفرمایند: قوله الجلیل "ای بنده جمال ابهی آنچه ذکر امتداد حیات
 سلف است امری است اعتباری نه بحسب اصطلاحی درین آیام زیرا درازنه قدیمه سنین
 مختلفه بوده بعضی یک دوره ماه را یکسال میشموند و بعضی دوره آفتاب را و همچنین
 دوره هریک از کواکب سیاره را یک سال مینامند مثلاً سنه قمری روز شمسی سنه زهره سنه
 عطاردی سنه مریخی سنه مشتری سنه زحلی که عبارت از مدت دوره این کواکب است و الا -
 آیام حیات همین است که واضح و پدید است فعالیت آنکه اجسام پیشینیان از جهت معیشت
 بسیطه قویه بوده و بنیه شدیدی تر" انتهی (کتاب امر و خلق صفحه ۴۷۰)

دوم واحد های قراردادی که عبارتند از:

۱- هفته - تا آنجا که مدارک موجوده حساکی است یکی از قدیمی ترین تقسیمات
 قراردادی زمان عبارت از هفته است که مدت آن هفت روز میباشد چنانچه در قاموس کتاب
 مقدس در ذیل عدد هفت مذکور است "از ابتداء همواره عدد آیام هفته هفت روز بود است
 عدد هفت هم در کتاب مقدس برای عدد تام و کامل استعمال شده چنانکه ملاحظه نموده
 می بینیم که نمونه آن در اغلب جاهای کتاب مقدس مذکور است. . . " البته باید دانست که
 در ایمان معتبر عالم و در بین ملل مختلفه روز اول هفته و روز تعطیل هفتگی یکسان نیست
 و لکن مدت هفته در نزد همه ملل هفت روز است (این واحد اندازه گیری زمان چنانچه
 بعداً توضیح خواهیم داد در این ظهور مبارک نیز تأیید و تنفیذ گردیده است)

۲- ساعت - آن عبارت است از یک بیست و چهارم ($\frac{1}{24}$) مدت شبانه روز یا مدت
 حرکت زمین بدور محور خود. تقسیم شبانه روز به ساعت و همچنین تقسیمات ساعت به دقیقه
 و ثانیه یکی از واحد های اندازه گیری نسبتاً جدید است که اکنون جنبه بین المللی بخود
 گرفته و در جمیع نقاط عالم معمول و متداول میباشد.

۳- ماههای شمسی - برای تقسیم ۳۶۵ روز سال شمسی بواحد های کوچکتر با توجه
 به تعداد آیام ماههای قمری تقویم های قدیم و کنونی سال شمسی را بدوازده بخش تقسیم

کرده و هر یک را ماه شمسی نامیده‌اند. ولکن تعداد ایام ماه‌های سال در هیچیک از این تقاویم مساوی نبوده و بین ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ روز متغیر می‌باشد. فی‌المثل در کشور ایران مطابق قانون شش ماه اول سال ۳۱ روز و پنج ماه نیمه دوم هر یک ۳۰ روز و ماه آخر یعنی اسفند ماه ۲۹ روز و رساله‌های کبیسه ۳۰ روز مقرر شده است. برای تقسیم صحیح سال به ماه‌های شمسی از طرف دانشمندان و متخصصین در طول تاریخ طرق مختلفی پیشنهاد شده و لکن متأسفانه هیچیک از آنها خالی از نقص و اشکال نبوده است.

۴- فصول - کره زمین حرکت انتقالی خود را بدور خورشید طوری انجام میدهد که در مدت آن خورشید در مرتبه در مقابل خط استوا قرار میگیرد یکی در اول بهار که آنرا اعتدال ربیعی گوئیم و دیگری در اول پاییز که آنرا اعتدال خریفی نامیم گردش خورشید در مدت یکسال شمسی بین دو مدار رأس السرطان و رأس الجدی در تغییر است که اولی در ۳۰ و ۲۷ و ۲۳ درجه از خط استوا در نیمکره شمالی و دومی ۳۰ و ۲۷ و ۲۳ درجه در نیمکره جنوبی قرار دارد و در نتیجه این تغییرات فصول چهارگانه و اختلاف ساعات شب و روز در نقاط مختلفه کره زمین بوجود میآید. در صورتیکه اگر حرکت زمین بنحوی بود که خورشید همواره بر روی خط استوا یا مدار صفر درجه گردش میکرد فصول چهارگانه و تغییر درجه حرارت و اختلاف ساعات شب و روز در نقاط مختلفه کره زمین بوجود نمی‌آمد. نوع بشر از ازمئه بسیار قدیم این تغییرات حاصله در مدت یکسال را فصول چهارگانه بهار تابستان پاییز و زمستان و یا بطور مجمل بهد و فصل سرما و گرما یعنی تابستان و زمستان تقسیم نموده و از روی آن موسم کشت و درو برداشت محصولات زراعتی خود را معین میکرده و حتی برخی از ایام سال را با توجه به این تغییرات جشن می‌گرفته است که هنوز هم برخی از این گونه جشنها در بین ملل عالم موسوم و معمول است.

در قاموس کتاب در خصوص تقسیمات فصول سال چنین مذکور است (اول تقسیمی که از برای سال وارد است از این قرار است "مادامی که جهان باقی است زرع و حصاد و سرما و گرما و زمستان و تابستان و روز و شب موقوف نخواهد شد"

سفریید ایش - پس لفظ زرع اشاره با و آخر پاییز و لفظ حصاد اشاره با و آخر بهار و اوائل تابستان و سرما اشاره بزمستان و قصد از گرما و اوائل تابستان و اوائل پاییز است. از آن پس این چهار را در دو لفظ جمع نموده میگوید تابستان و زمستان و تقسیم شبانه روز بروز و شب در ریبی آن مذکور است

"تقسیمات زمان در امر مقدس بهائی"

از آنجا که مقصد از استقرار مظهر کلی الهی بر عرض ظهور بر طبق بشارات و وعود کتب مقدسه تا سیم مدنیّت و سلطنت لا شرقیه و لا غربیه الهیه در بسط غیرا و استقرار وحدت عالم انسانی و صلح و محبت عمومی بین کافه ملل و اقوام عالم است. لذا جمال اقدس ابهتی

د رتعالیم و مبادی مقدسه و آثار مبارکه خود آنچه را که سبب اختلاف و نزاع و عدم الفت و اتحاد است نسخ فرموده قوانین و عواملی که برای وحدت و محبت بین بشر لازم است وضع و تشریح نموده اند با توجه به هدف غائی این ظهور کلی که تا سبب وحدت نوع بشر در عالم ترابی است قلم اعلی شئون و ارکان مختلفه این وحدت را در رتعالیم مبارکه امریهائی تشریح و حضرت مولی الوری آنها را تبیین فرموده اند .

از جمله عوامل و لوازم تمدن جهانی بهائی وحدت عالم انسانی وجود یک تقویم بدیع و متحد الشکل بین المللی است که بنحو مطلوب بتواند در جمیع نقاط عالم متداول شده و مورد قبول عموم ملل قرار گیرد و بدین وسیله با ایجاد وحدت و اتحاد بین اقوام و ملل کمک کند . متأسفانه تقاویم متداوله در گذشته و حال و نحوه تقسیمات زمان در آنها با توجه به نقائص و استثنائاتی که داشته و زاده افکار ناقصه بشری هستند هیچیک نمیتوانند بعنوان یک تقویم بین المللی و مورد قبول عموم ملل مورد استفاده قرار گیرند . لذا در این ظهور امانع اعز صمدانی مشیت غالبه الهی فضلاً علی العباد یک تقویم بدیع و بین المللی وضع و تعیین فرموده که با اعتقاد اهل بهاء رواج و استعمال آن بسیاری از مشاکل موجوده را حل کرده و بسهم خود تحولی در اوضاع اجتماعی و اقتصادی و بخصوص روابط بین المللی بوجود خواهد آورد .

این تقویم بدیع ابتدا بوسیله طلعت اعلی جل شانه در کتاب مستطاب بیان و کتاب مبارک الاسماء تأسیس و توجیه شده و اجرای آن موکول بقبول من ینظیره الله گردد .

سپس جمال قدم بصرف فضل در کتاب مستطاب اقدس آنرا امضاء و تنفیذ فرمودند مطابق نص صریح حضرت اعلی سال بیانی مرکب از ۱۹ ماه و هر ماه مرکب از ۱۹ روز است که عبارت از ۳۶۱ روز و مطابق با عدد "کلشئی" میشود چنانکه در باب ثالث از واحد خامس کتاب بیان فارسی نازل قوله تعالی "خداوند عالم خلق فرموده کل سنینی را با مرخود و از ظهور بیان قرار داده عدد هر شهر را نوزده روز فرموده . . ." و در کتاب مستطاب اقدس تأییداً لما نزل من قلم مبشره الفرید نازل قوله تعالی و تقدس . "ان عدة الشهور عند الله تسعة عشر شهراً فی کتاب الله قد زین اولها بهذا الاسم المہین علی العالمین ."

حضرت ربّ اعلی جل اسمع الاعلی ماهها و روزهای سال را مطابق اسما و صفات الهی که در دعای سحر شیعه اسلام نازل شده نامگذاری فرموده اند که عنوان آن دعا اینست اللهم انی اسئلك من بهائک یا بهاء وکل بهائک بهی . . . الخ

در شریعت مقدس بیان راجع به ایام زائده سال یعنی ایام زائده بر ۳۶۱ روز حکمی صریح نازل نشده و مقام و محل آنها تعیین نگردیده بود تا اینکه در این ظهور مبارک حکم آن بد تصریح از قلم جمال قدم در کتاب مستطاب اقدس و سایر الواح نازل و وظیفه اهل بهاء بر آن چند روز تعیین گردید قوله تعالی فی کتابه الاقدس .

" واجعلوا الايام الزائدة عن الشهور قبل شهر الصيام اتاجعلناها مظاهراً للبهائم الليالى والايام " برطبق نص صريح الهى ايام زائده برسال راجمال قدم به ايام اعطاء يا ايام هاء موسوم فرموده اند كه حكايه از هاء هويه يعنى ذات اقدس حضرت الوهيه ميكنند .
درباره ايام هاء ميفرمايند " لذا ماتحدت بحدود السنه والشهور " بعلاوه موضع ومحل اين ايام هاء در سالهاى معمولى چهار روز و در سالهاى كبيسه پنج روز است قبل از ماه صيام يعنى بين ماه هيجه هم ونوزده هم معين فرموده و آخر ماه صيام و اول نوروز را يكي از ايام واعياى متبركه ديانتمقدس بهائى مقرر داشته اند . وظيفه اهل بهادر ايام هاء
است . . . تهليل وتكبير وتسبيح وتمجيد حضرت پروردگار انعقاد ضيافات وتلاوت آيات مخصوصه مباركه بكمال فرح وانبساط وهمچنين اطعام به خويش وخویشان ونقراء ومحتاجين ميباشد . بقوله تعالى .

" . . . ينيغى لاهل البهائم ان يطعموا فيها انفسهم وذوي القربى ثم الفقراء والمساكين ويهللن ويكبرن ويستبحن ويمجدن بهم بالفرح والانبساط . "

ونيز ميفرمايند . . . اين ايام بسط قبل از قبض واعطاء قبل از اسما كاست لذا بايد كل بكمال انبساط وابتهاج وروح وريحان به تهليل وتكبير وتسبيح حق متعال مشغول شوند و در اين ايام اجتماع وضيافت وسرور لدى الله محبوبست انشاء الله كل بكمال ما يمكن فى الامكان در اين ايام متلذذ باشند وبعد وارد در شهر صيام شوند طوبى للعاملين .

انتهى

بايد دانست كه ايام نوزده گانه ماه نيز به ترتيب به همان اسامى نوزده گانه ماهها موسومند فى المثل روز اول هر ماه يوم البهائم روز دوم يوم الجلال وبهمين ترتيب تا روز آخر كه يوم العلاء ناميده ميشود . ضمناً در اين ظهور مبارك واحد قرار ادى هفته شامل هفت روز - تائيد وتنفيذ شده وبراى روزهاى هفته نيز هفت اسم از اسما الهى بقرار ذيل تعيين گرديده است .

شنبه يوم الجلال يكشنبه يوم الجمال دوشنبه يوم الكمال سه شنبه يوم الفضال چهارشنبه يوم العدل پنجشنبه يوم الاستقلال جمعه يوم الاستقلال روز اول هفته در اين دور مبارك يوم شنبه وروز تعطيل طبق بيان مبارك حضرت عبد البهائم يوم جمعه است قوله العزيز " ويوم راحت در اين دور وروز جمعه است "

(در ايام اقامت جمال قدم در مدينه عكا تقويم بديع واسامى ايام ومشهور وايام هفته بدستور حضرتش توسط جناب نبيل زردى از كتاب مبارك الاسماء كه يكي از آثار مهمه حضرت اعلى است جهت اطلاع واستفاده احباى الهى استخراج گرديد)

تقويم بهائى فرموده جمال قدم جل اسم اعظم بر مبنائى سال شمسى قرار ادى و - ابتداى آن مانند سال ايرانىان قديم اول نوروز وابتداى اعتدال ربيعى است مبدأ تاريخ

بدیع و تقویم بهائی برطبق اراده مبارکه حضرت بهاء الله سال ۱۲۶۰ هجری قمری مطابق ۱۸۴۴ میلادی یعنی سال اظهار امر حضرت ربّ اعلی جلت قدرته میباشد .

درخاتمه باید دانست که طلعت اعلی هر ۱۹ سال بعد از اظهار امر خود را با سامی مختلفه موسوم فرموده و هر ۱۹ سال را یک واحد نامیده اند و ۱۹ واحد یعنی ۳۶۱ سال (۱۹×۱۹) از لحاظ تطابق ابجدی تشکیل یک "کلشیئی" یا یک دور را میدهد که بعد از ۳۶۱ سال مجدداً تجدید میشود بطوریکه ملاحظه گردید در تقویم بدیع بهائی اولاً ایام زائده در سال بحدّ اقلّ ممکن یعنی چهار روز تقلیل یافته است ثانیاً تعداد روزهای کلیه ماههای سال برابر است ثالثاً تعداد روزهای ماه و ماههای سال نیز مساوی میباشد . رابعاً تقسیم سال به ماههای ۱۹ روزه با توجه به پیشرفت تمدن و سرعت فوق العاده که لازمه آنست فوائد اقتصادی و اجتماعی فراوانی دارد که بحث در آن از حوصله این مقال خارج است . فی الحقیقه اگر اهل عالم دور از جنجال تعصبات عقیده‌ای و ملی آزاد از تمسک به آداب و عادات عتیقه این سیستم بدیع تقسیمات زمان را اتخاذ کنند و بدان جنبه بین المللی بخشند موجد تحول و تغییرات قابل ملاحظه‌ای در زندگی بشر و تکامل آن بسوی وحدت شده به حسن تفاهم و بسط روابط بین المللی نیز کمک مؤثری نموده‌اند و لکن و اسفاً که عالم انسانی باین حکم محکم الهی نیز مانند سایر تعالیم و مبادی نجات بخش قلم اعلی بدیده بی اعتنائی نگریسته و خود را در غرقاب مصائب و بلاهای گوناگون غوطه‌ور نموده است .

انتهی

اماکن متبرکه

اماکن متبرکه جامعه بهائی بدو دسته کلی منقسم میشوند :

— اماکن متبرکه‌ایکه زیارت آنها بعنوان یک فریضه روحانی برای افراد احباً واجب است و در اصطلاح حجّ نام دارد . در کتاب مسعطاب اقدس میفرماید ، قوله الاحلی :

"قد حکم الله لمن استطاع منکم حجّ البيت دون النساء عفی الله عنهنّ رحمة من عنده انه لهما المعطى الوهاب"

در رساله سؤال و جواب جمالقدم جلّ اسمه الاعظم توضیح میفرمایند که منظور از بیست محلّ اظهار امر حضرت اعلی در شیراز و یا بیت حضرت بهاء الله در بغداد می باشد و زیارت یکی از این دو (که بشهر مسکونی افراد نزد یکتر است) کافیست و زیارت بیت دیگر منوط بمیل شخصی است . در لوح مبارک حجّ بافتخار جناب نبیل زرنندی آداب حجّ بهائی از قلم اعلی نازل شده است . این مناسک تنها یکبار توسط جناب نبیل زرنندی اجرا گردید و بیت العدل اعظم زمان اجرای آنها برای جامعه بهائی در آینده تعیین خواهند نمود .

— نوع دوم از اماکن متبرکه اماکنی است که زیارت آنها برای افراد بهائی چه زن و چه مرد اختیاریست . از جمله این قبیل اماکن متبرکه "روضه مبارکه" مرقد منور حضرت بهاء الله و قبله گاه اهل بهاء در عکا ، و مقام اعلی مرقد مطهر حضرت نقطه اولی در حیفنا قرار دارند . حضرت ولی امر الله در کتاب قرن بدیع میفرمایند :

"... ارض اقدس مقرّ ابدی هیاکل قدسیه مؤمنین شریعتفرا و مصدر فیوضات و تجلیات ربانیه در این عصر نورانی محسوب . . ." (۱)

هم چنین میفرمایند :

"... مساعی و زحمات بی شمار مرکز عهد و پیمان الهی بتاج موقیّت کبری متوجّ شد و بقیعه مقدسه علیا مطاف ملاء اعلی که بفرموده مبارک حضرت عبدالبهاء تراش مطلع الهام و پس از روضه مبارکه جمال اقدس ابهی اعلی و اشرف مقامات مقدسه عالم بهائی محسوب است بطور ابد در صفح جبل رب مرتفع گشت . . ." (۲)

اماکن متبرکه ایران بعد از اراضی مقدسه در رتبه بعدی اهمیّت و منفعت قرار دارند . حضرت ولی امر الله در توقیع مبارک بافتخار محافل ملیه شرق میفرمایند :

"... آن مواقع جلیله و بقاع متبرکه بعد از بقاع علیا اشرف و انخر و اعلی و ابهی مقامات در حیز اماکن است . . ." (۳)

همچنین در توقیع مبارک بافتخار جناب آقامیرزا فضل الله تاکر میفرمایند :

"... همواره منتظر و مترصد وصول اخباری فرحبخش از آنسامانم و مشتاق هبوب نسأ جانپرو از آنند یار زیرا آن بقاع متبرکه از اشرف مقامات در آن کشور مقدس محسوب من بعد شأن و منزلتش در انظار خاص و عام از جهانیان مکشوف و عیان گردد مطمئن باشید و

بتمام قوی در تشیید ارکان امر بها در آن بقاع متبرکه علیا همت بی منتهی مبذول فرمائید. (۴)

حضرت ولی امرالله در توفیق مبارک بافتخار احبای شیراز و نقاط اطراف میفرمایند :

"... از آن اماکن مقدسه انوار نجر ظهور الهی دمید و اولین ندای امرالله مرتفع گشت آن بلده طیبه مصدر و منبع نیوضات الهیه شد وید قدرت اساس این بنیان رفیع را اول در آن مدینه جلیله نهاد از آن شطر مبارک بشارت یوم جدید بگوش قریب وبعید واصل گردید و علائم ظهور امر رحمان از آنسامان واضح وعیان شد... (۵)

از آنجا که در اماکن متبرکه موجبات کامل یادآوری و جانبازی و خلوص و فداکاری مؤمنین اولیه امر مبارک مهیا میباشد علیهذا این اماکن مقدسه اگرچه باخشت و گل ساخته شده اند ولی بلحاظ شرایط خاص روحانی تأثیر برجان و دل دارند و موجد تداعی مخصوص میگردد که مناجات و راز و نیاز در آن اغلب با تأثیر و شدت بیشتری صورت میگیرد و یکی از عللی که باعث احترام و تقدس اماکن متبرکه برای افراد جامعه بهائی میباشد اینست که در این قبیل اماکن موجبات تقرّب بیشتر بدرگاه الهی میسور میگردد و الا بدون حصول حالت روحانی تلاوت ادعیه و مناجات در اماکن متبرکه با سایر اماکن فرقی ندارد.

بیت العدل اعظم در دستخط مورخ ۱۷ شهرالعزه ۱۲۰ خطاب بمحفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران میفرمایند :

"در جواب مرقومه آن محفل... راجع بطرز زیارت احباء در اماکن متبرکه و افروختن شمع و تبرک نبات و غیره باستحضار آن امنای عزیز امر الهی میرساند که مقصد از زیارت اماکن متبرکه کسب نیوضات معنوی و ایجاد حال توجه و تنبّه و تقویت احساسات روحانی است و عادات و مراسم معموله از امورتانویه فرعیه غیر ضروری محسوب یاران مختارند که اماکن متبرکه را بهرنحو و منوال که باعث تزئید حال توجه و ابتهال و سبب تقویت عواطف معنویه و ممدّ انبعاشات روحانیه خویش دانند زیارت نمایند مشروط بر اینکه با رعایت حرمت و حفظ طهارت و نظافت مقام منافی نباشد اما در جمیع احیان متذکر باشند که حتی الامکان از تشبیه با اقوام سایر و تقلید از رسوم ادیان عتیقه اجتناب ورزند و مخصوصاً مواظبت تام نمایند که مبادا بتدریج کثرت تقلید و مداومت هریک روش و منوال سبب شود که نفوس سائره چنین پندارند که بهائیان برای زیارت اماکن مقدسه خویش آدابی مخصوص دارند مقصود اینست که در این قبیل موارد هرگز نباید بدعتی گذاشت و رسمی راتازه داشت بلکه باید علی قدر مقدور اینگونه امور که بعبادات و وجدانیات نفوس مربوط است حریت افراد محفوظ ماند بدون آنکه تشخیص و عمل یکنفرد ملاک و میزانی برای فرد دیگر باشد و در عین حال باید مواظب بود که اصالت و استقلال و جامعیت این آئین در جمیع احوال حراست گردد و اوساخ تقالید عتیقه ذیل اطهر امرالله را آلوده ننماید. (۶)

هم چنین در دستخط دیگر راجع بتلاوت زیارت نامه میفرمایند :

"... اما راجع به تلاوت زیارت نامه در حال قیام وتوجه به قبله در حین تلاوت هر چند غالباً چنین معمول است ولیکن نصی در باره وجوب آن زیارت نگردیده است. آنچه لازم و واجب آنکه یاران این گونه امور فرعیّه ثانویه را اسباب گفتگو ننمایند." (۷)

حضرت عبدالبهاء در لوح مبارک بافتخار جناب میرزا مهدی میفرمایند:

"... در بقعه مبارکه تلاوت زیارت مخصوصه مقدّم بر سایر مناجاتست ولی مناجات نیز جائز... (۸)"

حضرت ولیّ امرالله در توقیع مبارک مورّخ ۱۴ شهرالرحمه ۹۵ بدیع بافتخار محفل روحانی ملی ایران میفرمایند:

"... در خصوص زیارت بیت مبارک شیراز... ورود و دخول در حجرهائی که محلّ نزول وحی بوده جائز ولی باید بکمال خضوع وخشوع داخل شوند و زیارت نمایند و امتیاز این حجره از سایر حجرات بیت باید در جمیع شئون باقی ومحفوظ ماند... (۹)"

حال که بمناسبت ذکری از آداب وسنن زیارت اماکن متبرّکه در ادیان سابقه پیش آمد نکاتی از زیارت قبور وابنيه مقدّسه اسلام بنحو بسیار مختصر بررسی میگردد:

اماکن متبرّکه ایکه در قرآن کریم مذکور شده اند عبارتند از مسجد الحرام، مسجد الاقصی، مسجد قبا ومسجد مدینه. زیارتگاههای دیگر مانند مدفن پیامبر اسلام و ائمه طاهرین در روایات مذکور شده و آداب و زیارتنامه هائی برای هریک وارد گشته است که در کتب روائی مانند کافی و بحار و مفاتیح الجنان وغیره مذکور است و اما مقابر امامزادگان در آثار معتبره اسلامی وارد نگشته است ولی در بعض روایات برای بعضی دستور زیارت داده شده و زیارتنامه ای هم هست و برای بعضی فقط دستور زیارت داده شده ولی زیارتنامه مخصوصی ندارند. در محلّ قبور بسند قطعی در دست نیست و حتی برای بعضی از آنها مراد مختلفه ای مورد توجه میباشد بعنوان مثال برای حمزه بن موسی بن جعفر حالیه پنج موضع در شهرهای مختلف ایران موجود است که بعنوان مرقد آنحضرت مورد تقدّس اهالی است. در شهرری قم، شیراز، ترشیز و سیرجان بارگاههائی است که همه منسوب باین شخص میباشد. (۱۰)

در امر بهائی اماکن متبرّکه بمعنی اخصّ شامل نقاطی است که منسوب به طلعات - ثلاثه امرالهی باشد:

الف - محلّ تولّد و موطئی اقدام جمال اقدس ابهی.

ب - محلّ تولّد و موطئی اقدام و محلّ شهادت و محلّ اختفای عرش مطهر حضرت نقطه اولی.

ج - محلّ تولّد و موطئی اقدام حضرت عبدالبهاء

اماکن تاریخیّه بهائی بموجب بیانات مبارکه شامل موارد هشت گانه زیر است:

الف - مشهد شهداء

ب - مدفن شهداء

ج - منفی و محبس رجال امر

د - قلاع مأمّن و مرکز غزوات د ناعیه اصحاب اولیه

ه - مدفن اصحاب و اولیاء

و - موطن و مسقط الرأس اعظم و مشاهیر

ز - ملاذ و ملجاء اسرا و غربا

ح - مساجد و مدارس و محلّ تد ریس و اقامت عظمای اصحاب

بیت العدل اعظم در دستخط مؤرخ اوّل شهرالکلمات ۱۳۲ بافتخار لجنه ملیّ اماکن متبرّکه میفرمایند :

" . . . بطورکلیّ مقصد از اماکن متبرّکه تاریخیه اصطلاحی عام است که شامل اماکن متبرّکه و هم شامل اماکن تاریخیه میگردد و اماکن متبرّکه بمعنی اخص نقاطی است که منسوب به طلعات ثلاثه امرالهی است و بقیه جزو اماکن تاریخیه محسوب منتهی د رزمره اماکن تاریخیه نیز درجاتی است که آن لجنه باید بمصداق الهمّ فی الهمّ رعایت شان و مقام هر یک را بنمایند مثلاً مشاهد و مرآقد حضرت قدّوس و جناب باب الباب یا بیت حضرت طاهره در قزوین و بیت بابیه در مشهد کل از اماکن مبارکه مهمّه تاریخیه محسوب ولیکن بدیهی است یاران از آن مشاهد و مرآقد منوره فیض و تبرّکی بیشتر جویند . . . نقاطیکه موطنی اقدام حضرت مولی الوری واقع گشته نیز از اماکن متبرّکه محسوب . . ." (۱۱)

وظایف جامعه د رقبال اماکن متبرّکه

اولین وظیفه تشکیلات و افراد بهائی مطالعه، تحقیق و شناسائی اماکن متبرّکه است زیرا بموجب دستورات مبارکه اماکنی مورد توجه و تبرّک جامعه میباشد که بامدارک مستند تاریخی اثبات شده باشد .

حضرت ولیّ امرالله در دستخط مؤرخ تموز ۱۹۲۵ بافتخار اجتّای شرق میفرمایند :

" . . . وایضاً از امور مهمّه که باعضای محافل روحانیّه محوّل گشته ملاحظه و مذاکره در

تحقیق و تعیین و ابتیاع مواقع متبرّکه و نقاط تاریخیّه امریه است . . ." (۱۲)

همچنین در ترویج مبارک مؤرخ شهرالشرف ۹۲ بدیع بافتخار محفل مقدّس ملیّ ایسران میفرمایند :

" . . . احسن و اولی آنکه هیئت مجلّله محفل مقدّس ملیّ روحانی بمجّرد وصول این نامه لجنهئی مخصوص انتخاب نمایند و اعضای این لجنه مرکزی که از ایزادی نعاله آن محفل محسوب پس از مراجعه بترجمه کتاب تاریخ نبیل زندی و مطالعه و تدقیق در لائحہ اسماء و عکس های مواقع متبرّکه در دیباچه آن کتاب مسطور و مندرج است بهر نحوی مقتضی من دون تأخیر اقدام نمایند و بکمال متانت و حکمت بوسائل نعاله متشبّث شوند و بمراکز

قسمتهای امریه مرتبط گردند و بتنغیز این مشروع عظیم الشان پردازند . . . (۱۳) با توجه باهمیتی که هیکل مبارک برای شناسائی مواقع متبرکه بهائی قائل شده است شایسته است افراد احباً در همکاری با تشکیلات ذی ربط کلیه الواح مبارکه خطی و استناد و اوراق و عکس های تاریخی موجود در منازل خود و اطلاعات خویش را در اختیار محافل مقدسه محلّیه خویش گذارند تا توسط محافل محلّیه برای تشکیلات ملیّه ذی ربط ایصال گردد. حضرت ولیّ امرالله در توفیق مبارک مورخ اول جولای ۱۹۳۰ بافتخار محفل مقدّس مرکزی و محافل روحانی ایران میفرمایند :

" . . . و چون از برای حصول مقصد و مرام اصلیّه اساسیّه مواد تاریخیه امریه عکس و صور اماکن و بقاع متبرکه که بقدم اطهر جمال ابهیی و طلعت اعلی ارواح الاملا* الاعلی لترتبهما المعطره الفداء* مزین و مشرف شده و هم چنین عکس مراقد شهداء* و میادین و محلات مهمه شهادت نفوس مبارکه و قلاع و سجون اصحاب و قدمای مؤمنین در مازندران و نیزیر و زنجان و طهران و جهریق و ماکو و سایر نقاط دیگر حتی مساجد و مدارس که محلّ تدريس و اقامت عظامی اصحاب بوده و یا مشرف بقدم مبارک شده عکس این محلات و اماکن لزوم قطعی در ارد (۱۴)

هم چنین در توفیق دیگری میفرمایند :

" . . . امیدوارم که امقالله میس بیکر که مخصوص تهیه و عکس برداشتن این مواقع متبرکه تاریخیّه عازم آن صفحات گشته موفق در انجام این امر مهم گردد و بیهمت و مساعدت آن محفل مقدّس و سائر محافل روحانیّه بآنچه مقصود و آمال این عبد است نائل شود زیرا نیت این عبد آن است که رسم این مواقع و مشاهد تاریخیّه نیز بآن مجموعه منضم گردد . . . (۱۵) پس از تحقیق و شناسائی اماکن متبرکه و وظیفه ثانویه اهل بهاء* خرید این بقاع منسوره است .

در توفیق مبارک مورخ ۱۵ شهرالعهظمه ۹۳ میفرمایند :
" ابتیاع اماکن متبرکه و ترویج امر تبلیغ در داخل و خارج ایران از فرائض اولیّه اساسیّه مقدّسه عتبه مسلمّه امنای محفل ملیّی در این سنه جدیده است" (۱۶)
و بالاخره در توفیق منیع مبارک مورخ ۲۵ مارچ ۱۹۳۷ بافتخار محفل روحانی ملیّی بهائیان ایران خرید اماکن متبرکه را از نظر اهمّیت همردیف امر اصیل تبلیغ قلمنداد فرموده اند قوله الاعلی :

" . . . آنچه در این ایام لازم و واجب تهیه و وسائل تبلیغ و ابتیاع اماکن متبرکه در آن اقلیم مقدّس است افکار و هم یاران باید حصر در این دو امر خطیر گردد و استقامت و ثبات در این دو امر مهم که مقدّم بر جمیع امورات جالب تأییدات حتمیّه شدیده حضرت احدیّت است . . . (۱۷)

بعد از خرید اماکن متبرکه و تاریخیه و وظیفه جامعه و تشکیلات بهائی تعمیر و حفظ این بقاع منوره به هیئت اصلیه یعنی بهمان صورت اولیه میباشد .
حضرت ولی امرالله در توقیع مبارک مورخ اول جولای ۱۹۴۳ بافتخار محفل روحانی ملی بهائیان ایران میفرماید :

" . . . و دیگر فرمودند عکس های بیت مبارک سالمأ و اصل مخصوصاً تأکید فرمودند بر حسب عکس قدیم بیت رامجددأ بصورت اولیه درآورند و پس از اتمام عکس برداشته چند نسخه ارسال ارض اقدس نمایند کمال دقت و مواظبت را در این خصوص و در تعمیرات لازمه مجری دارند زیرا بسیار مهم است . . ." (۱۸)

وبالاخره آخرین وظیفه جامعه که از اهم وظایف نیز محسوب میشود عدم اشتها را اماکن متبرکه و تاریخیه بلحاظ حفظ آنها میباشد .
حضرت ولی امرالله میفرماید :

" . . . در وقت حاضر اول و اهم وظیفه اعضای محفل محافظه این بقاع مقدسه تاریخیه است از اشتها احتراز نمایند تا علت توهم نگردد و اسباب وهیجان و عداوت اهل ظلم و عدوان نشود بکمال حزم و متانت و اعتدال رفتار نمایند و یارانرا متذکر دارند . . ." (۱۹)

مراجعه و مآخذ

- ۱- قرن بدیع، قسمت چهارم، صفحه ۱۰۷ - ۲- قرن بدیع، قسمت سوم، صفحه ۱۶۲
- ۳- لجنه استخراج آیات، کتاب چاپی ۲، صفحه ۱۳۳
- ۴- محفظه آثار امری ایران نمره ۲۰۶
- ۵- لجنه استخراج آیات کتاب عکسی ۱ (و) صفحه ۱۷۳
- ۶- راهنمای محافل روحانیه ام- م ت - ۲ - ۱۲۸ - ۱
- ۷- لجنه اماکن متبرکه پیرونده الواح و آثار ۸- مائده آسمانی جزء دوم، صفحه ۴۱
- ۹- محفظه آثار امری ایران، نمره ۶۴۰۹ - ۱۰- کتاب اختران تابناک
- ۱۱- لجنه ملی اماکن متبرکه پیرونده الواح و آثار
- ۱۲- منتخبات توقیعات مبارکه صفحه ۲۲۷ - ۱۳- منتخبات توقیعات مبارکه صفحه ۲۳۵
- ۱۴- منتخبات توقیعات مبارکه صفحه ۲۳۱ - ۱۵- لجنه اماکن متبرکه پیرونده الواح و آثار
- ۱۶- محفظه آثار امری ایران، نمره ۶۴۰۰ - ۱۷- محفظه آثار امری ایران، نمره ۶۳۸۶
- ۱۸- محفظه آثار امری ایران، نمره ۶۴۵۳ - ۱۹- محفظه ملی آثار امری ایران شماره ۶۴۱۴

۱۷-۷ شهرالعهزّه ۱۲۰

اول نوامبر ۱۹۶۳

محل مقدّس روحانی ملّی بهائیان ایران شید الله ارکانه

در جواب مرقومه آن محل (۱۹/۷۱۱ شهرالعهزّه) واستعلام محل روحانی طهران شید الله ارکانه راجع بطرز زیارت احبّاء در اماکن متبرّکه وافروختن شمع وتبرک نبات وغیره باستحضار آن اماناء عزیز امرالهی میرساند که مقصد از زیارت اماکن متبرّکه کسب فیوضات معنوی وایجاد حال توجّه وتنبّه وتقویت احساسات روحانی است وعادات ومراسم معموله از امور ثانویه فرعیّه غیر ضروری محسوب. یاران مختارند که اماکن متبرّکه رابهرتحو و منوال که باعث تزئید حال توجّه وابتهاال وسبب تقویت عواطف معنویه وممدّ انبعاثات روحانی خویش دانند زیارت نمایند مشروط باینکه بارعایت حرمت و حفظ طهارت ونظافت مقام منائی نباشد اما در جمیع احوال باید متذکّر باشند که حتی الامکان از تشبّه باقوام سائره وتقلید از رسوم ادیان عتیقه اجتناب ورزند ومخصوصاً مواظبت تام نمایند که مبادا بتدریج کثرت تقلید ومداومت بریک روش ومنوال سبب شود که نفوس سائره چنین پند آرند که بهائیان برآی زیارت اماکن مقدّسه خویش آدابی مخصوص دارند. مقصود اینست که در این قبیل موارد هرگز نباید بدعتی گذاشت و رسمی راتازه داشت بلکه باید علی قدر مقدور در اینگونه امور که بعبادات و وجدانیات نفوس مربوط است حریت افراد محفوظ ماند بدون آنکه تشخیص وعمل یک فرد ملاک ومیزانی برای فرد دیگر باشد ودرعین حال باید مواظب بود که اصالت واستقلال وجامعیّت این آئین نازنین در جمیع احوال حراست گردد واوساخ تقلید عتیقه ذیل مطهر امرالله را آلوده ننماید.

بارجای تأیید از آستان ربّ مجید بیت العدل اعظم

۱۷-۹ شهرالقول ۱۲۰

۱ دسامبر ۱۹۶۳

محل مقدّس روحانی ملّی بهائیان ایران شید الله ارکانه

غالباً ملاحظه میگردد که زائران عزیز اعتبار مقدّسه صرفاً از روی نیت صادق ومحبّت قلبیه هدایائی از قبیل چلچراغ وگلدانهای نفیس واشیائی دیگر باخود بارض اقدس میاورند که در اماکن متبرّکه بیاد ایشان بیادگار بماند. لطفاً بوسائل مقتضی باطلاع حضرات زائرین وزائرات برسانید که بقاع مبارکه واماکن متبرّکه این شطر کاملاً مفروش ومزین وحاضر وآدمه است واشیاء دیگر را محلی نمیمانند همچنین خادمان آستانش در این سامان کسل یکدل ویکزبان از حضرات زائران قلباً واکیداً استدعا دارند که برای احدی از ایشان هدیه ای بهیچ عنوان نیاورند. زیارت وجوه نورانیّه یاران خود بهترین عطیه وموهبتی است که نصیب خادمان امرالله در این سامان است. بحمدالله راه جهت تحقیق نیات

خیریّه واداء تبرّعات کریمهٔ یاران مفتوح است واحسن واولی آنکه هم عالیّه ستابندگان جمال کبریاء منحصرأ مصروف خدمات عمومیّه اهل بهاء گرد و بس.

باتقدیم اشواق قلبیه بیت العدل اعظم

۳۱-۱۴ شهرالکلمات ۱۲۱

۲۶ جولای ۱۹۶۴

محفل مقدّس روحانی ملی بهائیان ایران شید الله ارکانه

درانتشارات رسمیّه آن محفل ومجلّه اخبار امری درسنهٔ گذشته ملاحظه گردید که همه جا آن امناء عزیز امرالله کلمهٔ "توقیع" را درمورد مکاتیب این هیأت بکاربرده اند اگرچه اختیار آن کلمه مبین عواطف قلبیه وخلوص واحترام آن محفل نورانی نسبت بمرجع منصوب و مؤسسه بیت العدل اعظم است ومستحق تقدیر وتمجید ولیکن چون لفظ توقیع ابتدا در مورد آثار منیعۀ حضرت ربّ اعلی جلت عظمه وبعداً جهت آثار گهربار حضرت ولیّ عزیز امرالله جلّ ثنائه معمول گشته ودرحقیقت از اعلام محسوب ارجح وانسب آنکه آن معاضدان عزیز رحمانی کلمه یا کلمات دیگری را جهت مکاتیب این هیأت انتخاب و اختیار فرمائید تا از اختلاطات واشتباهاتی که ممکن است درآینده ازاین ممرّعاید شود احتراز گردد.

باتقدیم محبت روحانیّه بیت العدل اعظم

۴-۴۳ شهرالملک ۱۲۱

۹ فوریه ۱۹۶۵

عطف به ۱۰۱/خ و ۱۳۳۲/خ - ۱۳ شهرالجلال و ۱۹ شهرالعلم ۱۲۱

محفل مقدّس روحانی ملی بهائیان ایران شید الله ارکانه

چنانکه آن امناء امرالله واحبباً عزیز الهی درکشور مقدّس ایران بخوبی واقف وآگاهند حفظ حرمت ایام متبرکّه بهائی وتوقف کار وتعطیل معاهد امریه ومؤسسات متعلّق به پیروان اسم اعظم درایام تسعهٔ مذکوره از جمله مسائل مهمهٔ ضروریّه است که رعایتش درنهایت شدت وبکمال صمیمیت وشجاعت واستقامت برانفراد جامعهٔ منورهٔ بهائیان ایران من دون استثناء واجب ولازم. اهمال وتکاهل وتردید وتکاسل دراین وظیفهٔ عظیمهٔ روحانیّه باعث بروزنتایج وخیمه گردد وحصول عزّت وسعادت ظاهره جامعه اهل بها را درآن اقلیم بتأخیراندازد ودشمنان دیرین را امیدوار ومتجاسر ومسرور سازد وبهائیان عزیز را که بر اثر مجاهدات خارق العاده اسلاف شجاع وجان نثار به شجاعت واستقامت وتمسک بمبادی روحانیّه خویش مشهور آفاقند به جبن وسست عنصری متهم دارد وزحمات قدیمه را بهدردهد. ملاحظه فرمائید حضرت ولیّ عزیز امرالله باچه تأکید وصراحتی استخلاص واستقلال آئین نازنین را ازجمله موکول ومنوط بر رعایت حرمت ایام محرّمه بهائی شمرده ویاران را تشویق وتحریض بل انذار وتحذیر فرموده اند قوله عزّ بیهانه: " مشروعات مستقلهٔ امریه چه رسمی وجه غیر

رسمی باید من دون استثناء متمسک بحدود الله و مروج اصول شریعة الله باشند. تأسیسات مستقله ادبی و علمی و تجاری بهائیان در ایران باید کل من دون استثناء تنفیذ حکم کتاب الله را نمایند و در اجرای شعائر امریه و احترام نوامیس الهیه و اعلاء شأن و عزت جامعه - برافراد سبقت جویند و مصالح شخصی و منافع مادی و عزت ظاهره را فدای مصالح امرالله و مقتضیات دین الله و احتیاجات ضروریه شریعة الله نمایند، اینست مایه سعادت حقیقی یاران و علت اصلی تقدّم و استخلاص و استقلال آئین حضرت یزدان در آن سامان: "انتهی بیت العدل اعظم که پیوسته از وفا و صفا و راث ملکوت در آن سامان مفتخر و مسرور بوده و هست از قاطبه ستاینندگان اسم اعظم رجا نماید که در تنفیذ این حکم مبرم الهی - بل ترویج جمیع مبادی سلیمه کریمه روحانیّه خویش قدم همت در میدان شجاعت گذارند و - مری را بر مصالح عالی امرالله مقدم شمارند و در این سبیل آماده هر نوع قربانی و فداکاری باشند.

آن محفل جلیل باید بکمال صراحت و تأکید من دون مداهنه و مساهله یاران عزیز ایران را مرتباً متذکر دارند که تردید و توقف در اجراء و تنفیذ حکم کتاب سبب شود که نیل بیکی از آمال قدیمه اهل بها که نیز در زمره اهداف نقشه نه ساله محسوب یعنی حصول استخلاص و استقلال آئین نازنین در آن سرزمین در بونه تعویق و تأخیر افتد و شاهد - مقصود چهره نگشاید.

در این مقال جهت توضیح بعضی از مطالب و مسائلی که در اجراء این حکم مبرم الهی احیاناً موجود و بعضاً در مکاتیب آن محفل مندرج اصول کلی ذیل را مرقوم میداریم تا در هر مورد آن محفل موارد انطباقشان را معین و رفع ابهام و اشکال فرمایند.

۱ - مستخدمین و موظفین بهائی چه وضع و چه شریف طبق هدایات عالیّه حضرت ولیّ عزیز امرالله باید بنام تعطیل بهائی از رؤسای مسئول خویش رخصت گیرند. اگر تقاضای ایشان پس از مجاهدت و استقامت لازم قبول نشد آنوقت اطاعت و اضطراراً میتوانند بکار معهود خویش باوجدانی آسوده ادامه دهند. مقصود این است که احبّاء باید در این راه کاملاً بذیل صداقت و صراحت تشبث جویند و بنام تعطیل مذهبی بهائی تقاضای مرخصی در آیام مخصوصه فرمایند نه بعناوین دیگر.

۲ - بهائینی که مستقلاً صاحب مؤسّساتی هستند البته من دون استثناء باید در آیام مبارکه از ادامه کار بپرهیزند و رعایت تعطیلات امریه را باعث افتخار و مزید برکت و نشان عبودیت خویش شمارند و یقین دانند که تساهل و تسامح در این امور بفرموده مبارک حضرت ولیّ محبوب امرالله سبب گردد که جرأت و جسارت دشمنان تزايد یابد و دائره تضییقات و تعدّیات وسیعتر گردد و حوادث مؤلمه مخفیّه رخ نماید و آنچه آمال و مآرب یاران الهی است و مقصد اصلی این عبداست تحقق نپذیرد و بی اثر و ثمرماند "انتهی.

۳ - بعضی از مؤسّسات مستقلّه متعلّق به بهائیان نیز هست که من حیث الضبیعه مشمول بعضی از مقرّرات عمومیّه حکومت است این نوع مؤسّسات برچند قسم منقسم :

الف : مشروعاتی از قبیل بیمارستان که بحیات و صحت نفوس ارتباط دارد مجازند که در ایام متبرکه مفتوح مانند لیکن باید حدود کار خود را بحد اقل ممکن رسانند و صرفاً بامور ضروریّه واجتناب ناپذیر بود ازند .

ب : مؤسّساتی که مستقیماً در حیات روزمرّه جامعه مؤثراست و تعطیلش بکلی موجب اختلال امور جامعه گردد اگرچه مأذونند که در ایام محرّمه مفتوح باشند ولیکن بایست صاحبان بهائی آن مؤسّسات باطلاع حکومت در ایام مذکوره کار خود را تا حد امکان تشیل دهند و صرفاً برفع ضروریّات پردازند .

ج : مؤسّساتی که تعطیلش در یک بیست و چهار ساعت در حیات یومیّه جامعه تأثیری شدنی نماید و امورش را بتوان قبل یا بعد از خاتمه تعطیل بهائی جاری ساخت چنین مؤسّساتی باید بجمیع قوی در حفظ شئون امریه بکوشند و بحکومت قصد خویش را در ایام متبرکه و تعطیل مؤسّسه خود ابلاغ و قبلاً روز تعطیل را اعلان نمایند تا اشکالی از این ممرعاید ندرد .

۴ - مؤسّسات بهائی که مستقیماً در ظلّ اداره مشروعات امریه است (از قبیل مدرسه پرستاری بیمارستان میثاقیه) باید بهر قیمت تعطیلات امریه را مراعات نمایند و از هیچ نتیجه ای پروا و اندیشه نکنند .

۵ - در موارد دیگر که بنا بحوادثی تعطیل یا عدم تعطیل عمومی از طرف مأمورین حکومت من غیر رسم توصیه شود بدون آنکه در قوانین رسمیّه مملکتی مصرّح باشد مثلاً در موارد اعتصابات و جشنها و غیرهما بهائیان باید تنفیذ فریضه دینیّه خود را برهرامری مقدّم شمارند و یاران باید در اینگونه موارد جهت رفع سوء تفاهم قبلاً باولیا امور علّت تعطیل مؤسّسه خویش را اطلاع دهند و بهر قیمت در تنفیذ وظیفه دینیّه خویش اصرار ورزند و استقامت نمایند و از تهدید و ارباب نهرا سند .

۶ - در جمیع موارد یاران باید امور شخصیّه خویش را به نحوی تنظیم کنند تا هرگز خللی بر اجراء مانرض علیهم فی کتاب الله وارد نسازد و قبل از شروع بهرکاری کاملاً بسنجند و مطالعه نمایند که مبادا بعداً در اجراء فرائض روحانیّه مشکلاتی برایشان بوجود آید که هم باعث تخفیف مقام و شأن جامعه بهائی شود و هم معاذ الله نفس ایشان را به سست عنصری و خیانت بمصالح عالیّه امریه متهم دارد و تأیید راسلب و تحقق و عودا هیه راعوق سازد .

احباء عزیز باید در اجراء فرائض روحانیّه خویش بریکدیگر سیقت جویند نه آنکه چون بعضی از مدعیان ادیان سالفه مغری شرعی جویند و بزعم باطل خویش از اصول و مبادی دینی بنحوی بگریزند و خود را بفریبند .

۶۶۷ العبد العظیم ۷-۵۵

مفاد این مکتوب را به جمیع یاران و محافل روحانیّه تحت اشراف خویش اطلاع دهید تا ان شاء الله افراد یاران در این قبیل مسائل وجدانیّه بآنچه مرضی درگاه کبریاء و لایق شاهن آئین نازنین است عامل گردند .

مزید توفیق کل راد رعبودیت آستان الهی سائل و ملتسمیم

بیت العدل اعظم

۵۰- ۱۵ شهر العلاء ۱۲۱

۱۶ مارچ ۱۹۶۵

محفل مقدّس روحانی ملی بهائیان ایران شیّد الله ارکانه

مکتوب آن محفل و سؤال مرقومه ملاحظه گردید .

چنانکه یکی از طرفین زوج یا زوجة در مدت تربص و فوات یابد از دواج طرف دیگر قبل از انقضاء سنه واحده بلامانع .

باتقدیم تحیات روحانیّه، بیت العدل اعظم

۵۱- ۱۵ شهر العلاء ۱۲۱

۱۶ مارچ ۱۹۶۵

عطف به ۲۱۳۹/خ

محفل مقدّس روحانی ملی بهائیان ایران شیّد الله ارکانه

در جواب مکتوب ۱۶ شهر الملک آن محفل

نظرباینکه . . . در وقت ازدواج بهائی بوده و بواسطه عدم رعایت احکام الهی طرد

اداری شده است حال رجوعش بجامعه بهائی مشروط به اجراء عقد بهائی است . ۷-۵۵

باتقدیم تکبیرات بهیّه بیت العدل اعظم

۵۲- ۱۷ شهر البهاء ۱۲۲

۶ آپریل ۱۹۶۵

عطف به شماره ۲۳۵۷/خ

محفل مقدّس روحانی ملی بهائیان ایران شیّد الله ارکانه

در جواب مکتوب ۹ شهر العلاء ۱۲۱ آن محفل چنانکه فرموده بودید در ریاست

وجه از اشخاص غیر بهائی جهت مصرف در مؤسسات و مشروعات بهائی جائز نیست ولو بنام

بستگان بهائی ایشان باشند قبول اعانات از غیر بهائی تنها وقتی جائز که وجوه تقدیمشان

صرفاً مخصوص امور عام المنفعه خیریه باشد نه جهت مشروعات خاصه بهائیان .

باتقدیم تحیات بهیّه، بیت العدل اعظم

۵۵-۲ شهرالجمال ۱۲۲

۴ می ۱۹۶۵

عطف به ۱۳۵/۲۸
خ/۲۵۵۳/۱

محل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران شیّد الله ارکانه

در جواب مکتوب ۲ شهرالجلال نکات ذیل را علی الاصول جهت رعایت و تطبیق و تنفیذ در موارد لازم باستحضار آن محل مقدّس میرسانیم تا در آینده رأی ساء بدون مراجعه باین هیأت در قضایا وارد تصمصیم لازم را بموجب اصول مفصله ذیل اتخاذ نمایند :

— اگر طرفین ازدواج بهائی باشند و بعلّت ازدواج اسلامی طرد شده باشند رجوعشان به جامعه مشروط با اجرای مراسم طلاق طبق مراسم اسلامی و سپس اجرای مراسم عقد بهائی است.

— اگر یک طرف بهائی باشد و در حین ازدواج اسلامی خود را مسلمان معرفی نمود و باین سبب طرد اداری شده باشد رجوعش بجامعه مشروط با اجرای مراسم طلاق طبق مراسم اسلامی و سپس اجرای مراسم بهائی است.

— اگر یک طرف بهائی باشد و در حین ازدواج اسلامی تصریح نموده باشد که بهائی است ولی بواسطه عدم اجرای مراسم امری از جامعه طرد شده باشد رجوعش بجامعه فقط مشروط با اجرای مراسم امری است.

در جمیع این موارد قبول در جامعه مشروط بند امت حقیقی و تقاضای رجوع و حصول رضایت ابوبین و رعایت سائر شعائر وحدود بهائی است.

باتقدیم تحیات بهائی، بیت العدل اعظم

۵۹-۲ شهرالعظمه ۱۲۲

۱۸ می ۱۹۶۵

عطف به ۲۵۴۵/خ

محل مقدّس روحانی ملی بهائیان ایران شیّد الله ارکانه

در جواب سؤال آن محل که اگر زوج یا زوجه فوت شود طرف دیگر در صورت تمایل بازواج جدید تا چه مدتی باید تأمل نماید مرقوم میداریم.

مادام که در غیاب نصوص مبارکه قانونی مخصوص از طرف بیت العدل اعظم وضع نگشته در این مورد و موقع یاران مختارند.

ذیلاً در بیان مبارک مرکز میثاق راکه به نحوی به سؤال آن محل مرتبط است مزیداً للاستبصار مذکور میداریم قوله الاحلی :

" اما مسأله خبر موت یا قتل زوج و مکت نه ماه این تعلق بغایب دارد نه زوج حاضر"

" در خصوص تأهل بعد از فوت قرینه سؤال نموده بودید در شریعت الله جائزولی در صورتیکه انسان از زوجه اول اولاد و احفاد داشته باشد اگر چنانچه چشم از ازدواج ثانی

بپوشد راحت تراست و خانه آسوده تر و روح و ریحان بیشتر ولی در شریعت جاشز...
 یا تقدیم تحیت ابدع ابهی، بیت العدل اعظم

۳-۶۴ شهرالشرف ۱۲۲

۲ ژانویه ۱۹۶۵

عطف به ۷۷۵ / خ

محفل مقدس روحانی ملى بهائیان ایران شیدالله ارکانه

د جواب مکتوب ۱۴ شهرالکمال آن محفل متضمن پیشنهاد محفل مقدس روحانی

بهائیان طهران د اجراء حکم کتاب الله راجع به سهم الارث بیوت عدل و تخصیص بمحافل

روحانی خاطر آن امناء امرالله را مستحضر میداریم که احکام مذکور بامر و اشاره حضرت

ولئی عزیز امرالله د رجزوه "قانون الاحوال الشخصیه" مدون و ترجمه فارسی آن د مجلدات

عالم بهائی منتشر گشته است. حق الارثی که طبق حکم کتاب به بیوت عدل تعلق میگیرد

موافق دستورات مبارکه به محافل روحانیه محلیه راجع میگردد. اجراء این حکم عند الامکان

د راین ایام محبوب و مقبول. باتقدیم تحیات بهیه، بیت العدل اعظم

۲۸-۶۸ ژانویه ۱۹۶۶

بیت العدل اعظم (ترجمه)

محافل روحانیه ملیه

یاران عزیز گاه بگاه د رباره اجراء قانون کتاب اقدس مربوط بر رعایت ایام تعطیل بهائی

سؤالاتی میشود چنانکه میدانید برسمیت شناختن ایام تعطیل بهائی لا اقل د مورد پنج

کشور جهانی یکی از اهداف مهم و پرارزش نقشه نه ساله است و مستقیماً مرتبط باشناسائی

رسمی امر حضرت بهاءالله از طرف اولیای امور کشوری است تا بتواند بعنوان یک دیانت

مستقل از حقوق و مزایای خود بهره مند شود.

نیل باین هدف تسهیل و تسریع میشود هرگاه یاران خودشان اهمیت تحقق حدود

واحکام حضرت بهاءالله را دریافته از آن اطاعت نمایند اینک برای هدایت احبای الهی

د دستورات حضرت ولئی عزیز امرالله را د ردیل تکرار میکنیم:

"میل مبارک اینست این حقیقت را تأکید فرمایند که مطابق قوانین بهائی د ایام

نه گانه تعطیلات بهائی کار حرام است. آن دسته از احبای که شغل مستقل یا مغازه و

د گانه دارند د راین ایام باید از کار دست بکشند و آنهایی که در خدمت دولت هستند -

باید بعنوان دیانتی سعی کنند از کار معاف شوند و بطور کلی همه یاران صاحب کارشان

هرکه باشد باید بهمین قسم رفتار نمایند هرگاه دولت یا کارفرماهای دیگر از اعطای مرخصی

د راین روزها امتناع نمایند آنها نباید کار خود را از دست بدهند اما باید بهر وسیله تلاش

کنند استقلال دیانت خود را بشناسانند و حق خود را برای رعایت تعطیلات مذهبی بقبول

نقل از نامه ای که از طرف حضرت ولئی امرالله د ر تاریخ ۷ جولای ۱۹۴۷ خطاب به محفل

روحانی ملی آمریکا نوشته شده است.

" تفاوت گذاشتن میان مؤسساتی که کاملاً یا قسمتی تحت نظارت بهائیان است و اجد اهمیت اساسی است آن مؤسساتی که تماماً از طرف بهائیان اداره میشوند پیر واضح است موظفند تمام حدود و احکام امرالله مخصوصاً آنهایی که رعایت آنها جزو وظایف وجدانی و ایمانی است رعایت و اجرا نمایند و هیچ دلیل و مجوزی وجود ندارد که برخلاف عمل کنند نکته‌ای که همیشه باید بخاطر داشت این است که اینمورد بخصوص یکی از همان موارد وجدانی و ایمانی است و علیهذا رعایت آن برکافه احبا لازم است." نقل از مکتوبی که از طرف حضرت ولی امرالله در تاریخ ۲ اکتبر ۱۹۳۵ به عنوان محفل روحانی ملی آمریکا نوشته شده است.

بعلاوه باید اقداماتی بعمل آید که اطفال بهائی هر جا ممکن است بعنوان آداب دنیائی در روزهای تعطیل بهائی از رفتن بعد رسه معاف گردند. حضرت ولی امرالله چنین فرموده‌اند:

" اما راجع باطفال: بموجب احکام کتاب اقدس هر فرد بهائی در سن پانزده سالگی باید احکام از قبیل نماز و روزه را عمل کند اما اطفال کمتر از ۱۵ سال البته باید تعطیلات بهائی را رعایت کنند و در صورتی که برای آن (۹) روز میسر باشد بعد رسه نروند." نقل از مکتوبی که از طرف حضرت ولی امرالله در تاریخ ۲۵ اکتبر ۱۹۴۷ به محفل روحانی بهائیان آمریکا خطاب گردیده است.

محافل ملی باید این موضوع را مورد توجه مخصوص قرار دهند و باید وسائل و موجبات را طوری فراهم کنند که این موضوع بعنوان یک مسأله وجدانی و ایمانی نظردقت یاران قلمرو آنها را جلب کرده عموم یاران این احکام را اجرا و رعایت نمایند.

باتحیّات محبت آمیز بهائی، بیت العدل اعظم

۸۹- ۶ شهرالعهزه ۱۲۳

۱۳ سپتامبر ۱۹۶۶

محفل مقدّس روحانی ملی بهائیان ایران شیدالله ارکانه

در جواب مکتوب ۱۵ شهرالکمال آن محفل مقدّس مرقوم میداریم که ثبت ازدواج یاران در دفتر اسناد رسمی اسلامی ولو بدوین ذکردیانت باشد جائز نه زیرا معنای ازدواج اسلامی محسوب میگردد. لهذا باید احبباء عزیز از این عمل اجتناب نمایند بدیهی است اگر یکی از طرفین مسلمان باشد و مراسم ازدواج بهائی و اسلامی هر دو لازم گردد ثبت ازدواج اسلامی در دفتر اسناد رسمی مذکور بلامانع است بشرط آنکه طرف بهائی صراحتاً خود را بهائی معرفی نماید و ثبت ازدواج باعتبار طرف مسلمان باشد لاغیر.

باتقدیم تحیّات بهائی، بیت العدل اعظم

۹۶ - ۵ شهرالشرف ۱۲۳

۴ ژانویه ۱۹۶۷

محفل مقدّس روحانی مّلی بهائیان ایران شیّد اللّه ارکانه

عطف بمرقومه مورّخه ۱۵ شهرالجلال ۱۲۳ در خصوص دار مسکونه وسهم ولد ارشد مراتب ذیل را باستحضار آن محفل جلیل میرسانیم:

اگر متوفی صاحب عمارتی باشد که مرکب از چند منزل ویا آپارتمان باشد و در موقع وفاتش یکی از این منازل مسکن او باشد وسائر منازل آن عمارت را بد یگران اجاره داده باشد در آن مسکونه متوفی منزل ویا آپارتمانی محسوب میشود که محل سکناى او بوده بانضمام توابع آن منزل چنانچه توابعی وجود داشته باشد و مقصود از توابع در این ایام مثلاً گاراژ ویا انبار است که از توابع مسلّمه آن منزل بشمار رود بعبارة اخری دار مسکونه آن قسم از عمارت ویا متروکات است که متوفی در زمان حیات و در موقع وفات حقیقتاً و واقعاً آنرا مسکن و منزل خویش دانسته و باین عنوان معروف بوده هر منزل و آپارتمان دیگری که در عمارت ویا جزء املاک متوفی باشد مانند سایر متوکات باید بین کلیه ورّاث تقسیم شود .
باتقدیم تکبیرات منیعہ ، بیت العدل اعظم

۱۷ شهرالمسائل ۱۲۵

۲۷ دسامبر ۱۹۶۸

محفل مقدّس روحانی مّلی بهائیان ایران شیّد اللّه ارکانه

در جواب مکتوب ۱۶ شهرالجمال ۱۲۵ آن محفل شماره (۱۸۳۹) مرقوم میداریم در موردی که بین زوج و زوجه بواسطه عدم اقتران فصل واقع گردد و بر محفل روحانی صحت ادعا محتوم باشد انطباق نصّ مرقوم در رساله سؤال و جواب براین قضیه جائز و رعایت سنه اصطبار غیر لازم .

باتقدیم تکبیرات بدیعہ ، بیت العدل اعظم

۸ شهرالقول ۱۲۶

۳۰ نوامبر ۱۹۶۹

محفل مقدّس روحانی مّلی بهائیان ایران شیّد اللّه ارکانه

مکتوب مورّخ نهم شهرالقدره بهضمیمه سؤال محفل روحانی رستم آباد واصل شد . چنانکه مستحضرنند تحصیل رضایت ابوبین شرط لازم انعقاد عقد بهائی است وحتی اگر یکی از والدین غیر مؤمن بواسطه تعصبات جاهلانه از دادن رضایت جهت ازدواج فرزند بهائی خویش استنکاف ورزند محافل روحانیّه البته نمیتوانند ب عقد بهائی بردازند یعنی عدم صدور رضایت بعلت تعصّب سلب شرط لازم عقد بهائی رانمی نماید . اما در مورد قضیه مرقومه ونظائرش محافل روحانیّه باید حتّی المقدور در رفع مشکل

یاران را مساعدت فرمایند و به مؤسّسات مربوطه امریه دستور دهند که حتّی القوّه موجبات رضایت والدین غیر مؤمن را فراهم آورند حتی میتوانند عند اللزوم از دوستان غیربهایّی والدین استعانت جویند .

اما در مواردی که والدین مفقود الاثر باشند باید بجمیع قوای سعی در یافتن آنها کرد و در صورتیکه جمیع مساعی ممکنه مشروعه جهت یافتن آنان منجر به نتیجه مطلوب نگشت و این فقدان از لحاظ حقوقی قطعی و محرر و قانون شخص مفقود را بمنزله متوفّی تلقی نماید آنوقت تحصیل رضایت جهت عقد بهائی لازم نیست .

باتقدیم تحیات بهیه ، بیت العدل اعظم

۱۴ شهرالشرف ۱۲۶

۱۳ ژانویه ۱۹۷۰

خواهر عزیز روحانی خانم . . . علیها بهاء الله

در جواب مکتوب ۲۸ دسامبر آن امه موقنه مرقوم میداریم که تحصیل رضایت والد مطرود شرط لازم ازدواج بهائی نیست و در این مورد رضایت مادر کافی است . محفل مقدّس — روحانی ملّی بهائیان ایران از این دستور مطلعند .

در اعتبار مقدسه آن امه موقنه ثابته راسخه را مخصوصاً یاد کنیم و جهت اولاد بزرگوار که بحمد الله شمع روشنند طلب مزید تأیید و توفیق کنیم .

باتقدیم تحیات بهیه ، بیت العدل اعظم

سواد جهت محفل مقدّس روحانی ملّی بهائیان ایران ارسال میگردد .

۱۸ شهرالسلطان ۱۲۶

۵ فوریه ۱۹۷۰

محفل مقدّس روحانی ملّی بهائیان ایران شیّد الله ارکانه

مکتوب شماره ۱۲۷۹۷ آن محفل بتاریخ ۴ شهرالسلطان ۱۲۶ راجع به ترجمه آثار مبارکه از عربی بفارسی ملاحظه گردید حضرت ولّی عزیز امرالله در توفیق منیع مبارک خطاب به محفل روحانی بمبئی مورخ ۲۶ جولای ۱۹۳۲ میفرمایند قوله الاحلی :

" از قبل اشاره و تأکید گشت که ترجمه آثار عربیه به لغت نورا ، مدوح و مقبول نسه علی الخصوص احکام کتاب اقدس و ادعیه و صلوات باید اطفال را از صغرسن بلغت عربی آشنا نمود و تعلیم داد زیرا لغت اصلی تا ثیری کلی و حلاوتی دیگر دارد "

بدیهی است طبع ترجمه آثار مبارکه از لغت نصحی بفارسی جائز نه و چنانچه لازم باشد چنانکه در بعضی از کتب اخیره مرعی داشته‌اند ترجمه کلمات مشکله و طبع آن بصورت حاشیه یاد رآخر کتاب جائز .

باتقدیم تحیات بهیه ، بیت العدل اعظم

۴ شهرالملك ۱۲۶

۱۰ فوریه ۱۹۷۰

محفل مقدّس روحانی ملى بهائیان ایران شیّد الله ارکانه

د رجواب مکتوب شماره ۱۲۵۸۸ مورخ ۱۲ شهرالشرف آن محفل مرقوم میداریم که
د رباره سهم الارث معلّم اقدامی نفرمایند تصمیم د رباره این امور بآینده موکول .
باتقدیم تحیات بهیه ، بیت العدل اعظم

۴ شهرالجلال ۱۲۷

۱۲ آپریل ۱۹۷۰

محفل مقدّس روحانی ملى بهائیان ایران شیّد الله ارکانه

د رجواب مکتوب د وارد هم شهرالبها شماره ۲۱۸ راجع به فروش تریاک از طرف
د واخانه‌هایی که صاحبانش بهائی باشند د بیان مبارک مرکز میثاق راجعت اطلاع آن
محفل ارسال میداریم تا دستورات مبارکه را د رضایای وارده ملاک عمل قرار دهند .
حضرت عبدالبها می فرمایند :

" زرع تریاک جز جهت علاج جائزه زیرا د اکثر معالجات مستعمل "

ونیز می فرمایند :

" هر وقت ذکر انبیین میشد چهره مبارک متغیر میشد باین درجه مذموم و حرام است
مگر کسی بجهت معالجه خرید و فروش نماید که د راجزخانه‌ها محض معالجه امراض صرف
کنند . " باتقدیم تحیات بهیه ، بیت العدل اعظم

۴ شهرالجلال ۱۲۷

۱۲ آپریل ۱۹۷۰

محفل مقدّس روحانی ملى بهائیان ایران شیّد الله ارکانه

د رجواب مکتوب مورخ هشتم شهرالبها شماره ۷۵ راجع به نفوسی که شرب انیسون
مینمایند د رتوایع مبارکه منصوص است :
" مؤمن حقیقی باید د رکمال صمیمیت متدرّجاً اقدام بترک آن نماید . " .
ونیز می فرماید :

" . . . شرب خمر و تریاک از محرّمات منصوصه حتمیه است لهذا اگر افراد اجتناب
نمایند و متدرّجاً ترک نکنند . . . انفضال آنان را از جامعه بکمال خرم و متانت اعلان
نمائید . " :

علیهذا د راین ایام چنانچه بعد از مهلت مقرر نفوس معتاد شرب انیسون ترک نگفتند
آنان را منفصل اداری نمائید .
باتقدیم تحیات بهیه ، بیت العدل اعظم

۱۰ شهرالنور ۱۲۷

۱۴ جون ۱۹۷۰

حبيب معنوی جناب عليه بها الله

مکتوب آنجناب مورخ ۱۸ شهرالعظمه ۱۲۷ واصل گردید راجع بالیسه بعضی از حضرات امام الزّحمن که بتقلید دیگران از طریق اعتدال منحرف گشته اند مرقوم فرموده بودید فی الحقیقه حیف است که نفوس مؤمنه که امتیازشان بانتساب به شجره طیبه امرالله است رفتار و اطوارشان مؤید و مبین آن نسبت شریفه معنویه نباشد و میان ایشان و نفوس سائره که از برکت تعالیم الهیه محروم و در بحر تقلید و لاقیدی مستغرقند دیگر امتیازی نماند بلی در این دور زمام البسه در قبضه اختیار عباد است ولیکن اهل بهابه : ایّاکم یا قوم ان تجعلوا انفسکم ملعبه الجاهلین انذار گشته اند مبین منصوص حضرت ولیّ امرالله ارواحنا لعظمه مقامه الفدا تکلیف رابصریح بیان چنین معین فرموده : قوله الاحلی :

" اما راجع به قضیه رقص و تقلید البسه نساء غرب فرمودند اول وظیفه محفل ملسی بهائیان ایران در این ایّام که اخلاق در آن سامان تدنی نموده و تقلید و عدم تقید و لامذهبی رواجی شدید یافته این است که جمهور بهائیان را از قبل این عبد کزاراً و مزاراً در کمال تأکید و بنهایت صراحت تذکر دهند که تجاوز از آداب بهائی و مخالفت مبادی سامیه امریه راجع بتقدیس و تخریب و عصمت و اعتدال در امور و اجتناب از سیئات اهل غرب و عبادات مذمومه غیر مرضیه آنان تولید مفاستند عظیمه در جامعه نماید و بنیه جامعه را ضعیف نماید و از رونق ببندد از بهائیان باید همت در ترویج و اقتباس از حسنات اهل غرب نمایند نه تقلید سیئات آنان امتیاز بهائیان حقیقی در این است لا غیر . . . "

امید وار چنانیم که یاران عزیز ممتحن ایران رداً تقدیسی را که در بر دارند از اوساخ اهل ارتیاب و تقلید محافظت فرمایند و انکار و قوای را متوجه امور عالیه و وظائف معنویه کنند نه مصروف ظواهر لایخفی و لایسمن این از وظائف محافل روحانیه است که یاران را عند اللزوم از تشبه بنفوس غافله منحرفه مقلده تحذیر نمایند و بشیم و رفتاری متذکر سازند که آثار تربیت الهی در آن نمودار گردد ولیکن افراد نباید در امور شخصیه بیکدیگر مدخله نمایند مبادا اسباب کراهت و کدورت شود باید بتذکرات کلیه قناعت کرد و اموری را که بنظر افراد اصلاحش لازم و واجب به محافل روحانیه ارجاع نمود .

در ربّاع مقدسه آن نفس نفیس را بادعیه خیریه خدا کریم .

باتقدیم تحیات بهیه ، بیت العدل اعظم

سواد جهت اطلاع محفل مقدس روحانی ملسی بهائیان ارسال میگردد .

۱۱ شهرالنور ۱۲۷

۱۵ جون ۱۹۷۰

محل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران شیّد الله ارکانه ۷۲۷
 مکتوب مورخ دّوم شهرالنور ۱۲۷ از آن محفل مقدّس بشماره ۱۲۳۱ واصل شد راجع
 باشتغال یاران در مؤسّساتیکه مشروبات الکلی میفروشد بعنوان حسابدار و صندوقدار و
 غیره البته اشتغال در چنین اماکنی موافق طبع مؤمنین صادق نبوده و نیست و نفوس شاغله
 در این اماکن باید سعی نمایند که شغلی دیگر یابند و در این امر البته محافل روحانی
 باید هرنوع مساعدت لازمه را در تغییر شغل نفوس مؤمنه مبدول دارند .

باتقدیم تحیات بهیه ، بیت العدل اعظم

۳ شهرالکلمات ۱۲۷

۱۵ جولای ۱۹۷۰

محل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران شیّد الله ارکانه

در جواب مکتوب مورخ ۸ شهرالعظمه ۱۲۷ آن محفل مرقوم میداریم اگر والدین چه
 از لحاظ تعصّب یا بدلیل دیگری از اعطاء رضایت ازدواج فرزند بهائی خود داری کنند
 ازدواج بهائی ممکن نیست باید بوسائل و دیه روحانیّه تشبّث جست تا استیحاş والدین
 مرتفع شود اما اینکه مرقوم داشته اند در این مورد والدین دختر خود را طرد کرده اند اگر قانوناً
 دختر را مسلوب الحقوق ساخته باشند یعنی از لحاظ حقوقی حق پدری و فرزندگی در میان نباشد
 انوقت تحصیل اجازه لازم نه .

باتقدیم تحیات بهیه ، بیت العدل اعظم

۱۰ شهرالکمال ۱۲۷

۱۰ اگست ۱۹۷۰

محل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران شیّد الله ارکانه

بضمیمه سواد عکسی مکاتیب آقای . . . را ارسال میداریم تا آن محفل بصلاحدید
 خود جوابی بمشارالیه عنایت فرمایند .

ضمناً مرقوم میداریم که مقصود از سنه اصطبار حدوث سازش والتیام است اگر کسی از
 طرفین طرد روحانی شده باشد و ظاهراً امید بر رجوع او نباشد البته رعایت سنه اصطبار
 معنی و مفهومی نخواهد داشت ولی البته محفل باید در هر مسأله جداگانه دقت و تمعّن
 نماید و تصمیم کلی و عمومی در این قبیل موارد اتخاذ و اعلان ننماید و هر مشکلی را با در نظر
 گرفتن شرائط مخصوصه مربوطه فیصله دهد .

و اما در مسأله حقوق الله چنانچه قبلاً در این خصوص ذکر شده افراد حق تصرف در
 آنچه سهم حقوق الله است ندارند و لو آن سهم تعلق بر اموال خویش داشته باشد در جمیع
 موارد تصرف در حقوق الله باید با اذن و تصویب مرجع امر باشد .

باتقدیم تحیات بهیه

بیت العدل اعظم

محل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران شیید الله ارکانه

بعضی از یاران عزیز که بتقدیم حقوق الله موفقند از این هیات پرسیده اند که اهداء تبرعات بصند و قهای امریه با اداء حقوق الله چه رابطه و نسبتی دارد و اگر کسی به نیت اداء حقوق الله به تبرعات خیریه جهت مشروعات سائره پردازد آیا از تقدیم حقوق الله به تبرعات خیریه جهت مشروعات سائره پردازد آیا از تقدیم حقوق الله معاف است یا آنکه حکم دیگری دارد با آنکه نصوص الهیه در این مورد صراحت دارد ولیکن چون این سؤال مکرر شده مقرر گردید که توضیحاً جهت اطلاع یاران مهربان مرقوم شود که اداء حقوق الله از فرائض دینی اهل بهاء است چه که حکمش در کتاب مستطاب اقدس منصوص است و بیانش در الواح شتی معین و مذکور هیچ مؤمن مخلصی که واجد شرایط معینه باشد از اداء حقوق الله مستثنی نیست حتی به نص کتاب امتناع از اداء حقوق الله بمنزله خیانت محسوب و خطاب "من خان الله یخان بالعدل" در حق این نفوس مکتوب فرموده مرکز میثاق "محض الطاف بی پایان حضرت یزدان به تعیین حقوق الله بر عباد خویش منت گذاشت و الا حق مستغنی از کائنات بوده" ایسن حکم محکم بشهادت قلم اعلی دارای مصالح و حکم لا تحصی است سبب تطهیر اموال است و دافع خسران و وبال باعث نعمت و عزت است و علت خیر و برکت انفاقی است که نسبتش الی الله است و خدمتی است که ممد ارتفاع امر الله اعطاء حقوق فرموده مرکز میثاق برای امتحان مؤمنان است و سبب ثبوت و رسوخ ایشان در ایمان و ایقان .

مختصر آنکه حقوق الله از تکالیف قاطعه شرعی اهل بهاء است که طبق نصوص مبارکه بمرجع امر راجع و قرارش فرموده جمال قدم جل شانه بعد از تحقق بیت العدل علی مآرانه الله تعیین گردد و واحدی جز مرجع امر حق تصرف در آن ندارد یعنی آنچه از اموال نفوس بحقوق الله راجع و مخصوص است تعلق بمرکز امر الله دارد نه بآن نفوس لهذا یاران به — تشخیص و اراده خود نباید وجوه حقوق الله را بمصارف دیگر رسانند ولو آنکه مصارف خیریه امریه باشد زیرا بنص صریح تبرعات و اعانات سائره باید بعد از تقدیم حقوق الله یعنی از اموال باقیه طاهره که متعلق بخود اشخاص است تقدیم گردد .

امیدوار چنانیم کل براین وظیفه مبارکه مقدسه که کافل سعادت حقیقیه و مؤید اجراء عمومی اهل بهاء است موفق و فائز گردند و الله غنی عن العالمین .

باتقدیم تحیات بهیه ، بیت العدل اعظم

سواد جهت امین حقوق الله و ایادی امر الله جناب دکتر ورقا رسال میگردد .

بواسطه محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران شید الله ارکانه

برادر عزیز روحانی جناب. . . علیه بهاء الله

مکتوب مورخ ۳۰ شهریور ۱۳۴۹ واصل و اسأله مکتوبه ملاحظه گردید .

۱- در خصوص احکام ادیان سابقه راجع بخوردن گوشت و حلال آنها در این دور واجب الاتباع نیست و الیوم در اینموارد افراد آزادند .

۲- راجع به جواز یا حرمت لاطاری حضرت ولی عزیز امرالله در توقیع مورخ ۱۱ ژانویه ۱۹۲۸ خطاب به محفل ملی بهائیان ایران میفرمایند قوله الاحلی "از ممانعت و ترغیب خودداری نمایند و از تحسین و تقبیح هردو احتراز کنند" چون عجاله بیت العدل اعظم تشریحی در این امر ننمودند یاران در این باره مختارند و در موارد معینه میتوانند با محافل روحانیه مشورت نمایند .

۳- راجع باجراء حکم زنا عجاله وقت اجراء بعضی از احکام کتاب مستطاب اقدس نرسیده بموقع خود در آینده تنفیذ خواهد شد .

۴- راجع به لقب مبارک حضرت عبدالبهاء مرکز میثاق بعد از صعود نیر آفاق از جمیع القاب شامحه لقب "عبدالبهاء" را برای خود اختیار و یاران را تشویق فرمودند که آن حضرت را جز به عبدالبهاء مخاطب ننمایند .

۵- راجع به قتل نفس و لزوم اطاعت سربازان از دستور حکومت باید بدانند که وقتی شخصی بهائی اضطراراً وارد سلک نظام گردید باید از طرق مشروع و قانونی حتی القوه سعی نماید به مشاغلی در رصنف نظام مشغول باشند که منجر بشرکت در مقاتله نگردد و لکن اگر با وجود تشبث بوسائل مشروعه معافیت حاصل نکرد البته مجبور و مکلف بر اطاعت از حکومت ولو آنکه او امر صادره منجر بقتل گردد در چنین موارد بهائی عند الله مسئول نیست .

۶- راجع بعدم جواز ورود بمنازل افراد بدون اذن صاحبش و اینکه در مواقع لزوم از قبیل آتش سوزی بدون اجازه دخول جائز یانه این از امور وجدانیه محسوب در مواقع اضطراری یاران به حکم وجدان رفتار نمایند .

۷- راجع به تعطیل محافل و لجنات در ایام محرّمه سوادى از قسمتی از اصل توقیع مبارک حضرت ولی امرالله بافتخار بدیع الله آگاه در ضبط آثار مقدسه که نزد این هیأت موجود است چنین است: "و اما محافل و لجنات و دوائر امریه در ایام اعیاد و مصیبات تعطیل آنها احسن و اولی کلمه "اعیاد" از نسخه مطبوعه حذف شده عجاله بیت العدل اعظم این هدایت مبارک را در این ایام جهت یاران کافی میداند .

۸- مقصد از کلمه خلق در رأیه کلمات مکتوبه "رضای او در خلق او بوده و هست" این کلمه مفرد اخلاق نیست بلکه چنانکه در ترجمه انگلیسی مبارک مشهود میگردد کلمه خلق معادل مخلوق است .

۹- راجع به تعیین حدّ طلوع و غروب در ایّام صیام ترجمه هنیکل مبارک از ایّام مبارکه در کتاب اقدس " . . . من الطلوع الی الافول " حاکی از این است که مراد از کلمه طلوع اشراق شمس است و اما در امر صیام در بلد آن بیده اتکال به ساعت در این ایّام راجع به محافل روحانیه ملیّه آن بلدان است.

امید وار چنانیم که آن حبیب معنوی افکار را حصر در تبلیغ امرالله و انتشار کلمه الله فرمایند و در این سبیل جلیل مؤید و موفق باشند.

یا تقدیم تحیات بهیه، بیت العدل اعظم

سواد جهت محفل مقدّس روحانی ملی بهائیان ایران ارسال میگردد.

۴ شهرالقول ۱۲۷

۲۶ نوامبر ۱۹۷۰

محفل مقدّس روحانی ملی بهائیان ایران شیّد الله ارکانه

در یکی از الواح مبارکه حضرت مولی الوری دستور ذیل صادر شده قوله الاحلی:

" اما در قضیه شکایت بحکومت احبای الهی باید بایکدیگر مهربان باشند و اگر یکی -

قصور کرد دیگری عفو کند ابداً سزاوار نیست که بحکومت مراجعت کنند و از یکدیگر شکایت نمایند بلکه باید جان افتدای یکدیگر نمایند و زبان بشکرانه رانند نه شکوه اینست سزاوار اهل بهاء "

مقرر گردید باستحضار آن محفل برسد تا در موارد لزوم از آن استفاده و یارانشرا متنبه نمایند.

یا تقدیم تحیات بهیه، بیت العدل اعظم

۶ شهرالعلاء ۱۲۷

۷ مارچ ۱۹۷۱

محفل مقدّس روحانی ملی بهائیان ایران شیّد الله ارکانه

مکتوب مورّخ ۹ شهرالملک ۱۲۷ واصل شد در جواب سؤال محفل مقدّس روحانی طهران

مرقوم میگردد که ذکر اسماء یاران در ذیل اعلانات روزنامه مربوط بوفات منسوبان غیربها

جائز است بشرط آنکه مطالبی که مخالف اصول امری و مبانی ایمانی شخص بهائی باشد در

اعلان مندرج نباشد و همچنین شرکت شخص بهائی در مجالس عزاداری و مراسم ختم منسوبان

و دوستان غیربهای و لوازم مجالس در مساجد منعقد شود در لیل برانکار نیست لهذا ابلا تاع

است.

یا تقدیم تحیات بهیه، بیت العدل اعظم

اول شهرالعظمه ۱۲۸

۱۷ می ۱۹۷۱

محفل مقدّس روحانی ملی بهائیان ایران شیّد الله ارکانه

در جواب مکتوب مورّخ ششم شهرالجمال شماره ۱۳۱ آن محفل مرقوم میداریم که ارسال

اشیا متبرکه و الواح و آثار الهیه باین شطر موکول به نیت تقدیم کنندگان است چنانکه

مستحضرنده حضرت ولیّ عزیز امرالله یاران عزیز را در ایران تشویق نموده‌اند که بقویبت محفظه آثار امری که در عاصمه آن کشور مقدس تشکیل گردد پردازند بدیهی است سواد عکسی جمیع الواح و آثار مبارکه باین شطر ارسال میگردد لهذا اگر تقدیم کنندگان آثار در ارسال الواح و اشیاء متبرکه بارض اقدس اصرار ورزند البته ارسال میفرمایند و الا باموافقت تقدیم کنندگان ممکن است در محفظه آثار آن محفل حفظ فرمایند .

باتقدیم تحیات بهیه ، بیت العدل اعظم

۶ شهرالرحمة ۲۸

۲۹ جون ۱۹۷۱

محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران شیّد الله ارکانه

در جواب مکتوب شماره ۱۲۶۲ مؤرخ ۱۳ شهرالتور و اسأله محفل روحانی امیرآباد خاطر شریف را مستحضر میداریم اصولاً بنص صریح حضرت مولی الوری دوره نامزدی باید وقتی جاری شود که "اقتران زوج و زوجه مقرر گردد" و "اقتران قطعی" شده باشد لهذا نسخ نامزدی هرچند ممکن ولی باید نادالوقوع باشد و محافل روحانیه در مواردی که عذری - موجه جهت فسخ و یا تمدید مدّت مقرر نامزدی در میان است باید راهنما و مساعد یاران در رفع مشکلات و تسهیل اجرای حکم کتاب باشند ولی اگر فسخ و تجدید دوره نامزدی یا تقاضای تمدید مدّت منصوصه به تشخیص محفل روحانی متعمداً به نیت فرار از اجراء حکم کتاب بود آنوقت محفل مقدس روحانی ملی باید در هر مورد دقت نموده حکمی را که لازم دانند مجری دارند بنص صریح حضرت عبدالبهاء در زمان نامزدی "اگر از نود و پنج روز بگذرد حرام است و عصیان امر پروردگار ولی عقد باطل نگردد" .

باتقدیم تحیات بهیه ، بیت العدل اعظم

۱۳ شهرالرحمة ۱۲۸

۶ جولای ۱۹۷۱

محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران و ترکیه شیّد الله ارکانهما

بیت العدل اعظم مقرر فرمودند نظر باهممیت تاریخی عکسها و تصاویر قدما و امکنه تاریخیه چنانچه آن هیأت نفوسی را بشناسند که چنین عکسهائی را در اختیار دارند آنانرا تشویق فرمایند که اصل یا نسخه‌ای از آنها را با شرح لازم باین شطر ارسال دارند تا در ضبط مخصوص اسناد تاریخی قرارگیرد چنانچه صاحبان عکسها نسخه‌ای را برای خود لازم داشته باشند بعداً از این شطر اصل یا نسخه آن ارسال خواهد شد .

باتقدیم تحیات

از طرف دارالانشاء بیت العدل اعظم میثاق - طهماسبی

۷ شهرالمشیه ۱۲۸

۳ اکتبر ۱۹۷۱

محفل مقدّس روحانی ملّی بهائیان ایران شیّد الله ارکانه

سؤال آن محفل که در مکتوب ۱۳ شهرالعزّه مرقوم رفته بود ملاحظه گردد بد حتی الامکان -
والدین باید رضایتی که جهت ازدواج فرزندان خود در دوره نامزدی داده اند محترم شمارند
و نباید جزد رمواردی که واقعاً لازم ببینند رضایت اولیه رانسخ کنند زیرا اگر در این موارد
اهمال شود و بمعاذیری حقیر رضایتی را که اعطا کرده اند در حین عقد و غیره واپس گیرند
حرمت نامزدی لطمه پذیر ولیکن اصولاً انصراف والدین از اعطاء رضایت برای امر ازدواج
فرزند در حین عقد و یا قبل از آن حتی اگر برای نامزدی اجازه داده باشند از حقوق آنان است
و در چنین مواردی اجراء عقد بهائی امکان نمییابد .

باتقدیم تحیات بهیه ، بیت العدل اعظم

۱۱ شهرالمشیه ۱۲۸

۷ اکتبر ۱۹۷۱

محفل مقدّس روحانی ملّی بهائیان ایران شیّد الله ارکانه

مکتوب مورخ ۹ شهرالعزّه آن محفل واصل گردید آن محفل و افراد جامعه باید بدانند
که عقد بهائی البته باید در همان روزی که عقد غیرامری و یا مدنی صورت میگیرد قبل از زفاف جاری
گردد زیرا جهت شخص بهائی ازدواج مشروع نبوده و نیست مگر آنکه واجبات و احکام عقد
بهائیی صورت پذیرد اگر از لحاظ مقررات مملکتی جهت ازدواج مدنی و غیر بهائی عقد مدنی نیز
در بعضی از ممالک واجب و قانوناً لازم باشد برای رعایت قانون مملکتی اجراء عقد مدنی نیز
جائز .

و نیز در صورتیکه بهائی با غیر بهائی ازدواج نماید اجراء عقد بموجب دیانت طرف غیر
بهائی نیز جائز بشرط اینکه طرف بهائی تقیه و یا انکار عقیده ننماید و مخالف اصول امری
تعهدی نسپارد ولیکن هیچیک از آن جای عقد بهائی را نمیگیرد و ازدواج احبّاً را بموجب
آئین نازنین مشروع نمیسازد . احبّاً باید در هر مملکتی که عقد مدنی و یا غیر امری را جاری میکنند
عقد بهائی را نیز جاری سازند آن محفل باید بطریق موثره جوانان بهائی را یحذود و احکام
الهی آشنا نمایند تا از این قبیل اشتباهات رخ ندهد .

اما آن محفل در مورد نفوسی که نادانسته بواسطه عدم اطلاع از قوانین امری در خارج -
بعقد مدنی میبپردازند و یا بعنوان بهائی بدون تقیه در مراسم ازدواج مذهبی طرف غیر
بهائی شرکت جسته اند میتوانند دستور عقد بهائی را صادر فرمایند بشرط اینکه سایر شرایط
لازمه امریه کاملاً ملحوظ گردد .

باتقدیم تحیات بهیه ، بیت العدل اعظم

۷ شهرالسلطان ۱۲۸

۲۵ ژانویه ۱۹۷۲

محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران شیّد اللهارکانه

مکتوب مورخ ۷ شهرالشرف شماره ۸۱۰۲ آن محفل واصل شد اصولاً استنباط آن محفل صحیح و صواب است و سقط جنین جهت محدودیت موالید بنص صریح توقیعات مبارکه بلسان انگلیسی قطعاً مذموم و نهیث ثابت زیرا روح انسانی در حین تکوین در جنین موجود است اما اینکه در حین ضرورت یعنی وقتی که اطباء اقدام به سقط جنین را وجداناً واجب بینند چه حکمی دارد این هیأت هنوز قوانینی در این باب تشریح ننموده و تصمیم در این موارد فوق العاده با خود افراد ذی‌مدخل و طبیب است که بحکم وجدان و با ملحوظ داشتن حرمت قطعی سقط جنین جهت تحدید موالید تصمیم بگیرند.

آنچه اطباء بهائی و مؤسسات طبی منسوب باحباب باید مواظبت نمایند این است که برخلاف دستورات مبارکه ابداً قدمی برندارند و نیز آراء شخصی خود را در اموری از این قبیل که مابه‌الاحتیاج است ابرازند و جز در مواردی که راجع بموضوع بتوانند از نصوص مبارکه استشهاد نمایند چیزی در رکتب و جرائد ننویسند زیرا استنباط غلط ایشان ممکن است سوء تعبیر شود و در نظر عامّه از تعالیم مبارکه در موضوع معینه محسوب گردد. آن محفل باید در جمیع این قبیل موارد افراد بهائی را بدون ادنی ملاحظه‌ای متذکرند.

۱۰ شهرالنور ۱۲۹

۱۳ جون ۱۹۷۲

برادر عزیز روحانی جناب علیّه بهاء‌الله

مکاتیب مورخ ۱۹ شهرالبهائیه و دروم عید اعظم رضوان واصل و مسائل مرقومه ملاحظه گردید. راجع بسؤال اول نفوسی که در ظل شریعه‌الله وارد میگردد چنانچه قبلاً از دواج کرده باشند لازم نیست پس از ایمان مراسم عقد بهائی را جاری دارند. جشن جوانی

سؤال دوم که مرقوم بود که شوهر بهائی و زن مسلمان قبل از ایمان شوهر عقد ازدواج بموجب قوانین اسلامی بوده و در مورد طلاق شوهر بهائی چه حکمی صادق است شوهر بهائی باید تاریخ تربص گذارد و اصطبار و پیرداخت نفقه یک سنه را مراعات کند. اما راجع به قطعی شدن طلاق غیربهائی طبق قوانین مملکتی باید با محفل روحانی مشورت نمایند.

راجع به سؤال سوم که سهم الارث معلّم به چه نفوسی یا صندوقی تعلق میگیرد در صورتی که تعیین معلّم بموجب حکم کتاب معلوم باشد که طبق حکم الهی رفتار میگرد و چنانچه تردیدی در این مورد باشد باید به محفل روحانی واگذار کرد تا تصمیمی را که صلاح میدانند مرعی دارند. بیت العدل اعظم تا بحال تفصیل این حکم را معین نکرده لهذا محافل روحانی در این ایام مختار باخذ تصمیم در این موردند.

اما راجع باشکالاتی که در مورد قرائت آراء انتخابات محافل روحانیّه احتمالاً پیش میآید حل این قبیل مشاکل که در نظامنامه محافل روحانیّه موجود نیست بانفس آن محافل است تا به نحوی که تشخیص دادند و صلاح دانستند رفتار نمایند.

باتقدیم تحیات بهیّه ، بیت العدل اعظم

سواد جهت محفل مقدّس روحانی ملّی بهائیان ایران ارسال میگردد .

۳ شهرالاسماء ۱۲۹

۲۱ اگست ۱۹۷۲

محفل مقدّس روحانی ملّی بهائیان ایران شیّد الله ارکانه

در جواب مکتوب مورخ ۱۹ شهرالکلمات ۱۲۹ شماره ۱/۱/۲ و سؤال آن محفل که آیا زوج و زوجه میتوانند در دوره تربص در شهریا مملکتی در رازیکدیگر زندگی نمایند مرقوم میذاریم که طرفین وجداناً مکلفند که بکوشند تا مقصود حکم کتاب از قرار تربص حتی الامکان تحقق یابد یعنی چون طلاق عند الله مبغوض است مدت معینه اصطبار را وسیلهای برای تجدید اعتلاف دانند ولیکن در نصوص الهیه منعی درباره مسافرت یکی از طرفین در دوره اصطبار زیارت نگردیده لهذا بلامانع.

باتقدیم تحیات بهیّه ، بیت العدل اعظم

۴ شهرالکمال ۱۲۹

۳ اگست ۱۹۷۲

محفل مقدّس روحانی ملّی بهائیان ایران شیّد الله ارکانه

مکتو مورخ ۱۲ شهرالکلمات ۱۲۹ شماره ۹/۳/۲۶۶ آن محفل واصل گردید راجع به سؤال نمایش حیات متقدّمین و مستشهدین فی سبیل الله خاطر آن یاران رامستحضر میذارم که نصی از حضرت مولی الووری موجود است که از نمایش حیات حضرت طاهره اظهار مسرت فرموده اند بنابراین اصولاً منعی در این باره موجود نیست و لکن البته چنین نمایشهایی باید موافق شأن و حرمت آن نفوس مقدسه باشد .

باتقدیم تحیات بهیّه ، بیت العدل اعظم